ویژه نامه

انتخابات عراق ۲۰۲۱

• پاییز ۱۴۰۰ • چاپ اول •

اندیشکده جریان

www.jaraian.com

بسم الله الرحمن الرحیم

انتخابات عراق ۲۰۲۱

صاحب امتیاز : اندیشکده جریان

مدیر مسئول : سیدهادی سیدعسگری

نویسنده : گروه نویسندگان اندیشکده جریان

ناظران علمی : علیرضامجیدی، محسن ارتضائی، بردیاعطاران

ویراستار و سرپرست نویسندگان : محسن ارتضائی

طراح و صفحه آرا : سید محمد مهدی موسوی، علی عباس ادیب، وحید صالحی

شورای سیاست‌گذاری : سیدهادی سید عسگری، بردیا عطاران، محسن ارتضائی، علیرضا مجیدی، امید رحیمی

چاپ : اول، ۱۴۰۰

وب‌سایت:
www.jaraian.com

پست‌الکترونیک:
info@jaraian.com

اندیشکده جریان

@Jaraian_com

حق چاپ و انتشار اعم از چاپی و الکترونیک محفوظ است

فهرست

پیشگفتار

صفحه ۴

گام‌های بلند نوری المالکی برای دستیابی مجدد به نخست‌وزیری

میز عراق و شامات
اندیشکده جریان

صفحه ۴۶

نگاهی به فهرست احزاب و ائتلاف‌های حاضر در انتخابات پارلمانی عراق

میز عراق و شامات
اندیشکده جریان

صفحه ۵

دو دهه کشاکش سیاسی اهل سنت عراق؛ از تحریم انتخابات تا نزاع بر سر رهبری

سید رضا قزوینی غرابی
کارشناس مسائل عراق و شامات

صفحه ۵۸

چشم انداز اقتصادی عراق در آستانه انتخابات پارلمانی ۲۰۲۱

دکتر فریبا علی کرمی
کارشناس ارشد اقتصاد سیاسی بین الملل

صفحه ۱۲

انتخابات عراق و آرایش سیاسی کُردها؛ زیر سایه اختلافات داخلی و چالش مشارکت

اردشیر پشنگ
پژوهشگر ارشد مسائل خاورمیانه

صفحه ۶۱

ظهور احزاب جدید در عراق؛ نشانه دیگری از چالش نظام سیاسی موجود برای بقا

میز عراق و شامات
اندیشکده جریان

صفحه ۱۶

جنبش حقوق؛ ظهور شاخه سیاسی جدیدی در مقاومت اسلامی عراق

میز عراق و شامات
اندیشکده جریان

صفحه ۶۵

بازی پیچیده مقتدی صدر در انتخابات؛ سودای رهبر جریان صدر برای رهبری عراق

علیرضا مجیدی
کارشناس مسائل عراق و شامات

صفحه ۲۸

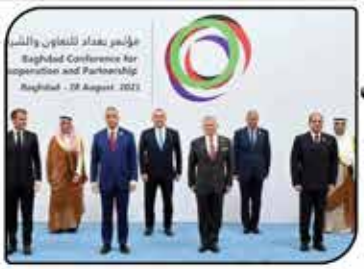

دیپلماسی عراق در دوگانه «دکترین حیاد» و «محور مقاومت»

علیرضا مجیدی
کارشناس مسائل عراق و شامات

صفحه ۷۱

پیشگفتار

انتخابات زودهنگام پارلمانی عراق در شرایطی در روز ۱۸ مهرماه ۱۴۰۰ (۱۰ اکتبر ۲۰۲۱) برگزار خواهد شد که چالش ها و بحران های سیاسی این کشور از زمان شکل گیری موج اعتراضات مردمی موسوم به «تشرین ۲۰۱۹» سیری شتابان به خود گرفته است. در حقیقت می توان برگزاری زودهنگام انتخابات حاضر را حاصل فشارهای ساختاری ناشی از تشدید نارضایتی های اجتماعی در میان توده های مردم از یک سو و انشقاق در صفوف نخبگان سیاسی عراق در سوی دیگر قلمداد نمود. علاوه بر این تشدید دامنه منازعه میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده در صحنه عراق که با ترور شهدای نصر (سردار سپهبد شهید قاسم سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس) به اوج خود رسید و همچنین اهتمام جدی دستگاه سیاست خارجی عراق به اتخاذ «سیاست بی طرفی» (حیاد) در قبال رقابت های موجود میان تهران-واشنگتن که در ماه های منتهی به انتخابات اکتبر ۲۰۲۱ به برگزاری نشست «همکاری و شراکت بغداد» انجامید، سبب گردیده تا انتخابات حاضربرای بازیگران و کنشگران مهم منطقه ای و بین المللی نیز اهمیت مضاعفی پیدا کند. ویژه نامه پیش رو حاصل مساعی جمعی از پژوهشگران و صاحب نظران مبرز و نام آشنا در موضوع عراق است و تلاش دارد تا تصویری عینی، واقع گرایانه و بدون رتوش از واقعیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عراق را به مخاطبین خویش عرضه دارد. ترسیم آخرین وضعیت عراق در آستانه برگزاری انتخابات اکتبر ۲۰۲۱، معرفی مهم ترین جریانات و احزاب سیاسی حاضر در انتخابات مزبور و ترسیم چشم اندازی دقیق و مبتنی بر تحلیل از راهبردهای موردنظر جریانات مزبور در روند آتیه تحولات سیاسی این کشور، فهم و ادراک صحیح مناسبات دولت و جامعه و در نهایت سمت گیری احتمالی سیاست خارجی بغداد در تعامل با بازیگران مهم منطقه ای و بین المللی به ویژه جمهوری اسلامی ایران و جریان مقاومت پس از انتخابات حاضر ازجمله اهداف اصلی انتشار ویژه نامه حاضر بوده است.

نگاهی به فهرست احزاب و ائتلاف‌های حاضر در انتخابات پارلمانی عراق

میز عراق و شامات
اندیشکده جریان

انتخابات پارلمانی عراق در نگاه آمار

انتخابات پارلمانی عراق در شرایطی در روز یکشنبه ۱۰ اکتبر ۲۰۲۱ / ۱۸ مهر ۱۴۰۰ شمسی برگزار خواهد شد که ۳۲۴۳ نامزد انتخاباتی (۲۲۹۲ مرد و ۹۵۱ زن) برای تکیه بر ۳۲۰ کرسی پارلمانی (۸۳ کرسی معادل ۲۵ درصد پارلمان به زنان اختصاص دارد) به رقابت با یکدیگر خواهند پرداخت. علاوه بر این ۹ کرسی ویژه نیز در اختیار اقلیت های قومی و دینی قرار خواهد گرفت (۵ کرسی مسیحیان و یک کرسی برای هر یک از اقلیت های ایزدی، صابئین، شبکی و کردهای فیلی). در انتخابات حاضر ۲۵.۱۸۲.۵۹۴ شهروند عراقی واجد شرایط رای دهی هستند. نامزدهای حاضر در انتخابات در قالب ۱۱۰ حزب سیاسی و ۲۲ فهرست ائتلافی حاضر هستند. علاوه بر این ۷۸۹ نفر به صورت مستقل، ۹۵۹ نفر در قالب ائتلاف ها و ۱۵۰۱ نفر نیز از احزاب ثبت نام کرده اند. انتخابات ۱۰ اکتبر ۲۰۲۱ در ۸۳ حوزه انتخابیه و به کارگیری ۸۲۷۳ صندوق رای برگزار خواهد شد. در هر حوزه انتخابیه براساس جمعیت ساکن در حوزه انتخابیه مزبور ۳ الی ۵ نماینده به پارلمان راه خواهند یافت. نکته قابل توجه آنکه اتباع عراقی در سایر کشورها این بار امکان مشارکت در انتخابات را ندارند. همچنین رای گیری ویژه از نیروهای امنیتی، آوارگان و زندانیان نیز در روز جمعه ۸ اکتبر/ ۱۶ مهر اخذ خواهد شد. میزان مشارکت در انتخابات پیشین پارلمان عراق در سال ۲۰۱۸ میلادی ۴۴.۵۲ درصد بود. در انتخابات حاضر برخلاف ادوار پیشین نامزدهای انتخاباتی نزدیک به ۹۰ روز فرصت داشتند تا در راستای تشریح و ارائه برنامه های خویش به تبلیغات انتخاباتی بپردازند. بغداد نزدیک پذیرای ۹۰۰ ناظر خارجی خواهد بود که سلامت انتخابات عراق را محک خواهند زد.

تغییر و تحولات نظام انتخاباتی عراق در سایه تحولات پس از جنبش تشرین

طبق قانون اساسی عراق، نظام سیاسی این کشور «پارلمانی» است و نمایندگان پارلمان، با رأی مستقیم مردم برای هر ۴ سال یک بار انتخاب می شود. سران کشور مانند نخست وزیر، رئیس جمهور و... به صورت مستقیم توسط پارلمان انتخاب و بسیاری از مقامات درجه اول کشوری نیز با واسطه از طرف پارلمان برگزیده می‌شوند. به این ترتیب، عملا پارلمان را باید عالی‌ترین نهاد انتخابی در جمهوری عراق دانست. براساس قانون انتخابات پیشین عراق، شمارش آراء عمومی براساس ائتلاف‌های انتخاباتی بود؛ به این ترتیب که مردم با حضور در پای صندوق های رأی، به افراد مد نظر خود رأی می دادند؛ اما این آراء به صورت حزبی شمرده می شود. از طرف دیگر، رؤسای فهرست های انتخاباتی می توانند کرسی های در اختیار گرفته را در صورت استعفای نمایندگان، با فرد دیگری جایگزین سازند. این دو نکته را با ذکر نمونه‌ای‌از آخرین انتخابات (سال ۲۰۱۸) توضیح می دهیم:

۱. شمارش آراء به صورت حزبی

بالاترین آراء مردم در شهر بغداد به «نوری المالکی» تعلق گرفت؛ اما ائتلاف تحت زعامت وی (یعنی دوله القانون) در سه فهرست نخست جایی نداشت. در واقع آراء شخص نوری المالکی به پای فهرست وی نوشته شد و نهایتا مجموع آرائی که نمایندگان این فهرست انتخاباتی توانستند جلب کنند، باعث شد تا دوله القانون در حاشیه فهرست های برتر قرار گیرد.

۲.جایگزینی نماینده منتخب با نفر بعدی از فهرست انتخاباتی:

اسعد العیدانی که از سال ۲۰۱۷ به استانداری بصره رسیده بود، در سال ۲۰۱۸ از فهرست «نصر» (تحت رهبری حیدر العبادی) نامزد شد و به پارلمان راه یافت؛ اما حاضر نشد از منصب استانداری استعفا دهد. در نتیجه به جای وی، نفر بعدی از فهرست نصر وارد پارلمان شد. از طرفی در داخل پارلمان، «رائد فهمی» دبیرکل حزب سوسیالیست عراق که از طریق ائتلاف «سائرون» به پارلمان راه یافته بود، در سال ۲۰۱۹ و در واکنش به جنبش تشرین و جدی شدن اختلافاتش با مقتدی صدر، از پارلمان استعفا داد و کرسی وی برای سائرون محفوظ ماند تا این فهرست، فرد جایگزین را برای رائد فهمی ارائه دهد. در پی اعتراضات خیابانی موسوم به جنبش تشرین، تغییرات بنیادین در قانون انتخابات این کشور پدید آمد که یکی از این تغییرات، شمارش مستقیم و فردی آراء انتخاباتی بود؛ اما باز هم تردیدی نیست که ائتلاف‌های انتخاباتی نقش بسیار پررنگی در مقطع تبلیغات و شکل‌گیری آراء مردمی، تشکیل پارلمان و... دارند. ذکر این نکته ضروری است که «فراکسیون‌های پارلمان» به صورت مستقیم متأثر از ائتلاف‌های انتخاباتی هستند و معمولا هر ائتلاف انتخاباتی، یک فراکسیون اختصاصی در پارلمان تشکیل می‌دهد. طبق بند نخست ماده ۷۶ قانون اساسی عراق، ۱۵ روز بعد از انتخاب رئیس جمهور، ریاست جمهوری باید در نامه‌ای گزینه معرفی شده از سوی «بزرگ‌ترین فراکسیون» را به عنوان نخست‌وزیر به پارلمان معرفی کند. به این ترتیب، عملا نخست‌وزیر را باید بزرگ‌ترین فراکسیون به پارلمان معرفی کند؛ مگر این‌که - متناسب با بندهای بعدی همین ماده - نخست وزیر مکلف شده از سوی بزرگ‌ترین فراکسیون، نتواند رأی اعتماد پارلمان را جلب کند. البته در بحث‌های مربوط به اصلاحات قانون اساسی، بحث بر سر مصادیق «بزرگ‌ترین فراکسیون» داغ بود؛

اما تردیدی نیست که به هر حال، فراکسیون‌های پارلمان نقش اصلی را در معرفی نخست وزیر ایفا می‌کنند. در نتیجه این‌جا نیز اهمیت فهرست‌های انتخاباتی به عنوان پایه اولیه تشکیل هیئت دولت عراق مشخص می‌شود.

مهم‌ترین فهرست‌های انتخاباتی شیعه در عراق

ردیف	نام ائتلاف	رهبر	ترکیب احزاب	خاستگاه
۱	الصدریه	مقتدی صدر	جریان صدر	شیعه
۲	فتح و البناء	هادی العامری	بدر (هادی العامری) صادقون (قیس الخزعلی) سند الوطنی (احمد الاسدی) نصحح (همام حمودی و مجلس اعلاء) سازمان عمل حرکه الجهاد والبناء (حسن الساری)	
۳	العقد الوطنی	فالح الفیاض	حرکه عطاء (فالح فیاض) حزب اسلامي (شاخه اخوان المسلمین عراق)، اصلاح (ابراهیم الجعفری) تیار الاصلاح الوطنی الحزم الوطنی حزب الثبات الوارثون (انشقاق از الدعوه) تجمع رجال الاعمال	شیعه در ائتلاف با یکی از قدیمی ترین احزاب سنی
۴	قوی الدوله الوطنیه	عمار حکیم	تیار الحکمه (عمار حکیم) المؤتمر الوطنی (اراس حبیب) تیار المد العراقی (ذوالفقار حسین)	شیعه
۵	دوله القانون	نوری المالکی	الدعوه (نوری المالکی) اراده (حنان الفتلاوی) اتحاد الاسلامی لترکمان (جاسم البیاتی) بشائر (یاسر المالکی) معا للقانون حرکه بدایه تجمع کوادر حزب الله القدامی، حزب الله العراق	
۶	حرکه حقوق	حسین مونس	چهره های نزدیک به کتائب حزب الله	
۷	عمق الوطنی	خضیر الخزاعی، خالد عبید الاسدی (رسمی)	دعاه الاسلام (انشقاقی از الدعوه) تیار الاعیان (یاسین عبداللطیف محمد)	
۸	الوطنیه	ایاد علاوی	الوفاق الوطنی العراقی (ایاد علاوی)، دعاه العراق لدعم الدوله (احمد رسن مهنا)	شیعه سکولار
۹	تصمیم	اسعد العیدانی	العداله (عامر الفائز) عراق المستقبل (ابراهیم بحر العلوم) العمال (ولید فارس)	شیعه
۱۰	حرکه الوفاء	عدنان الزرفی		
۱۱	قادمون للتغیر	حسین الرماحی	عمدتا تجار و بازرگانان مطرح عراقی	

مهم‌ترین فهرست‌های انتخاباتی غیر شیعی در عراق

ردیف	نام ائتلاف	رهبر	ترکیب احزاب	خاستگاه
۱	تقدم الوطنی	محمد الحلبوسی	تقدم (محمد الحلبوسی)	سنی
			الخیار العربی (عبدالحسین عبطان)	
			تجمع تعاون (علی فرحان الدلیمی)	
			حق الوطنی (احمد المساری)	
			مقتدرون للسلم و البناء	
			تجمع نهضه الجیل	
			المبادره الوطنیه	
			الجبهه الترکمانیه العراقیه	
۲	عزم العراق	خمیس خنجر	مشروع العربی (خمیس خنجر)	
			حل (جمال الکربولی)	
			تجمع المدنی للاصلاح (سلیم الجبوری)	
			الوفاء (قاسم الفهداوی)	
			المجد (طلال الزوبعی)	
			تصدی (خالد العبیدی)	
			الحره (قتیبه الجبوری)	
			المسار المدنی (مثنی السامرائی)	
۳	تحالف جبهه الإنقاذ	اسامه النجیفی	چهره های مطرح استان نینوی	
۴	تحالف مشروع الوطنی العراقی	جمال الضاری		
۵	تحالف جماهیرنا هویتنا	احمد الجبوری	جماهیر الوطنیه (احمد الجبوری)	
			اتحاد صلاح الدین (ابراهیم یاسین)	
۶	نازل اخذ حقی الدیموقراطیه	مشرق الفریجی		تشرینی
۷	حرکه امتداد	علاء الرکابی		تشرینی
۸	المشروع الوطنی العراقی	خالد سلطان هاشم		بعثی
۹	ائتلاف حزب دموکرات کردستان	مسعود بارزانی	حزب دمکرات کردستان	کردی
۱۰	ائتلاف کردستان	قباد طالبانی	اتحادیه میهنی کردستان (قباد طالبانی)	کردی
			جنبش گوران (تغییر)	
۱۱	تحالف العربی في کرکوک	راکان الجبوری	مشروع العربی (خمیس خنجر)	
			حل (جمال الکربولی)	
			العراقیه للحوار الوطنی (صالح مطلک)	
			للعراق متحدون (اسامه النجیفی)	
			حق الوطنی (احمد المساری)	
			التجمع الجمهوری العراقی	
			تجمع المدنی للاصلاح (سلیم الجبوری)	
			حزب الحوار و التغییر	
۱۲	ترکمان الموحد	حسن توران	جبهه الترکمانیه (حسن توران)	ترکمان
			هفت حزب ترکمانی محلی دیگر	
۱۳	ائتلاف حمورابی	آنو عبدوکا	مجلس القومی الکلدانی	
			اتحاد الدیمقراطی الکلدانی	
			تجمع السریان	
۱۴	آمال الوطنی	محمد جمال	حرکه ۱۵ شعبان الإسلامیه	درجه دو
			انتفاضیون- مجلس الامناء	
۱۵	سلامه الوطن	کریم حسن	تیار العداله و النهوض	
			حرکه الفکر الأصیل	
۱۶	حلول الوطنی	محمد خلف	المهنیین للاعمار	
			الاستقرار	
			(محمد عطیه)	
۱۷	قادرون	نادیه احمد	ثقه	
			تیار الابرار الوطنی	
۱۸	النهج الوطنی	عبدالحسین الموسوی	واعدون	
			تنوع	

احزاب شیعی

در میان احزاب حاضر در بیت شیعی «الکتله الصدریه» به رهبری مقتدی صدر پس از یک دوری موقت به بهانه تحریم انتخابات رقیبی مهم برای سایر احزاب و ائتلاف های حاضر در انتخابات قلمداد می شوند. صدری ها برخلاف سنت مالوف خویش از ائتلاف با سایر احزاب و گروه ها خودداری کرده و با تابلوی صدر پا به عرصه میدان گذاشته اند. عمار حکیم و حیدر العبادی سران دو جریان حکمه و نصر نیز در قالب فهرست «تحالف قوی الدوله» در انتخابات حاضر خواهند بود و نوری المالکی نیز زعامت ائتلاف «دولة القانون» را عهده دار خواهد بود. در این میان ائتلاف «العقد الوطنی» را باید یکی از پدیده های انتخاباتی دانست؛ زیرا تنها ائتلافی است که در همین مرحله اولیه، فاقد خاستگاه صرفا شیعی یا صرفا سنی است. این در حالی است که شخصیت های دیگر شعار «تحالف العابر للطائفیه» را سر می دادند؛ اما «فالح الفیاض» در این مسیر از دیگران سبقت گرفت فیاض در انتخابات ۲۰۱۸ نیز ائتلاف غیررسمی را هدایت می کرد که در کوران انتخابات، یکی از اضلاع ائتلاف «نصر» به ریاست حیدر العبادی بود؛ اما بعد از انتخابات در چرخش مهمی به سمت هادی العامری و نوری المالکی آمد تا فراکسیون «البناء» را تشکیل دهند. به هر حال در سال ۲۰۱۸ فالح الفیاض با فهرست انتخاباتی مستقیما سراغ آراء عمومی در استان های مختلف نرفته بود. در آن انتخابات، فهرست انتخاباتی «فتح» عمدتا به عنوان فهرست مطلوب برآمده از بخش مهمی از «حشد الشعبی» معرفی می شد. اما در سال ۲۰۲۱ فتح نمی تواند حشد الشعبی را نمایندگی کند؛ زیرا رئیس حشد الشعبی در قالب یک فهرست انتخاباتی مجزا به میدان آمده است. به این ترتیب باید «العقد الوطنی» را رقیب بالقوه ای برای «فتح و البناء» به رهبری هادی العامری در نظر گرفت؛ همان طور که در سال ۲۰۱۸، فتح رقیب «دولة القانون» بود و آراء وی را – نسبت به انتخابات ۲۰۱۴ – کاهش داد. فالح الفیاض در جریان رقابت های انتخاباتی مشخصا با دو چالش بسیار جدی مواجه خواهد بود:

الف.او از مناصب نظامی خود کناره گیری نکرده است، در حالی که طبق قانون، نظامیان حق ورود (مستقیم) به سیاست را ندارند.

ب.او باید در مورد «ضابطه مندی» حشد الشعبی، پاسخگو باشد. بی تردید این موضوع، چالش های جدی برای وی ایجاد خواهد کرد.

معادلات در بیت شیعی به ویژه با حضور حسین مونس و «حرکه حقوق» شکل پیچیده تری نیز به خود می گیرد. یکی از رخدادهای معنادار این دوره انتخابات، حضور مستقل «خضیر الخزاعی» است. خضیر الخزاعی از رهبران اصلی حزب الدعوه بود که در سال ۲۰۱۴ و بعد از قاطعیت رأی مرجعیت مبنی بر عدم تمدید نوری المالکی، راه خود را از رهبر فهرست دوله القانون جدا کرد و به حیدر العبادی رأی داد؛ اما – بعد از تشکیل دولت – در داخل الدعوه جانب نوری المالکی را گرفت. حالا خودش نیز راه مستقلی نسبت به نوری المالکی دنبال می کند. با این حال به نظر می رسد در انتخابات پیش رو درخشش چندانی نداشته باشند به ویژه که حضور فعالانه ای در مرحله تبلیغات انتخاباتی از خود نشان نداده اند. بعد از جدایی حیدر العبادی و نوری المالکی، دست کم دو انشعاب دیگر از حزب الدعوه را نیز در این انتخابات شاهد خواهیم بود؛ «دعاه الاسلام» و «وارثون». به نظر می رسد الدعوه در بدترین وضعیت خود طی سال های پسا صدام قرار دارد. عدنان الزرفی نیز با تشکیل «حرکه الوفاء» با جدایی از ائتلاف نصر در قامت بازیگری مستقل پا به عرصه انتخابات نهاده و تبلیغات گسترده ای را به ویژه در جنوب عراق صورت داده است. در همین راستا انتظار می رود فهرست حرکه الوفاء بخش قابل توجهی از کرسی های نجف را از آن خود سازد. حضور مستقیم اتحادیه کارگران و شاغلان به عنوان یک حزب سیاسی و هم پیمانی آن با اسعد العیدانی، پدیده دیگری در انتخابات ۲۰۲۱ است که نشان می دهد معادلات پیشین سیاست عراق را نباید به این انتخابات تعمیم داد. اما ایاد علاوی نیز در قالب ائتلاف وطنیه پس انصراف اولیه و اعلان تحریم انتخابات، همانند مقتدی صدر از تصمیم اولیه خویش عدول کرد و اکنون می کوشد تا با هدف حفظ برند خود و نگاه به آینده در انتخابات ۱۰ اکتبر حاضر شود. با این حال انتظار نمی رود که ائتلاف تحت رهبری علاوی در انتخابات پیش رو پرفروغ ظاهر شود و به نظر می رسد او باید به طور جدی در پی ائتلاف با اضلاع دیگر در انتخابات باشد.

ایاد علاوی و ائتلاف الوطنیه برخلاف ادوار پیشین انتخابات، حضور چندان پررنگی در صحنه رقابت ها ندارد.

احزاب سنی

در بیت سنی مهم ترین نکته فهرست انتخاباتی «عزم» خمیس خنجر است که توانسته بزرگ ترین ائتلاف از رهبران سنی عراق را تشکیل دهد. البته «اسامه النجیفی»، «صالح مطلک»، «احمد الجبوری» (ابومازن) در کنار حزب اسلامی و محمد الحلبوسی حاضر به پذیرش رهبری خنجر نشده اند؛ اما اگر به صورت نسبی نگاه کنیم بزرگ ترین ائتلاف متشکل از رهبران سنتی اهل تسنن عراق را باید همین ائتلاف «عزم» خواند. به این ترتیب خمیس خنجر به چند دستاورد مهم دست یافته است:
الف. انشعاب جدی در حزب اسلامی به عنوان رقیب سنتی؛
ب.به شکست رساندن ایده جبهه العراقیه اسامه النجیفی؛
ج.تشکیل بزرگ ترین ائتلاف از رهبران سیاسی سنی عراق برای مذاکره در دوران پسا انتخابات (ترکیب کابینه دولت و سران قوا).

اسامه النجیفی نیز در قالب ائتلاف «جبهه الإنقاذ» با همراهی چهره هایی برجسته از استان نینوی در انتخابات حاضر شده. در مقابل ائتلاف متبوع محمد الحلبوسی یعنی «تقدم الوطنی» نیز با سازماندهی دقیق و هزینه های چشمگیر تبلیغاتی چشم به استان نینوی دارد.

رقابت الحلبوسی، خنجر و النجیفی بر سر صدارت احزاب اهل سنت در انتخابات ۱۰ اکتبر

محمد الحلبوسی به عنوان عالی ترین مقام سنی حکومت عراق، فهرست بسیار ضعیفی را از احزاب کوچک استان الانبار و یاران نزدیک به خویش تشکیل داده است. تقریبا هیچ یک از سیاسیون کلاسیک اهل تسنن عراق در جریان انتخابات، هم پیمان محمد الحلبوسی نخواهند بود. این وضعیت نشان می دهد - به احتمال زیاد - رئیس پارلمان عراق می خواهد با یکی از فهرست های مطرح از بیت شیعی یا کردی وارد ائتلاف شود. در این میان تلاش وی برای ارائه فهرست در استان نینوی نیز معنادار است. همچنین وی حاضر به حمایت از فهرست عربی کرکوک نشده که احتمالا ناشی از جذابیت گزینه «ائتلاف با کرد»ها باشد.

الحلبوسی در سال ۲۰۱۸ نشان داد که اهل معامله است و تنها دستیابی به قدرت بیش تر برای وی اهمیت دارد. با این حال، در میان رهبران برجسته شیعی تنها کسی که به صورت رسمی به الانبار رفت و مورد استقبال ویژه و انتخاباتی الحلبوسی قرار گرفت، «سید عمار حکیم» بود. آیا پس از انتخابات حکیم با الحلبوسی با هدف تشکیل کابینه ائتلاف واحدی را تشکیل خواهند داد که شعار آن «تحالف عابر للطائفیه» باشد؟ عدم حضور صالح مطلک در فهرست های انتخاباتی، معنادار به نظر می رسد. این در حالی است که دست کم دو فهرست مهم اهل تسنن در استان صلاح الدین به رقابت خواهند پرداخت (عزم و جماهیرنا هویتنا) و در کنار آن ها قطعا محمد الحلبوسی نیز در این استان منزوی نخواهد بود؛ اما صالح مطلک ترجیح داده در قالب «تحالف العربی فی کرکوک» و به عنوان یک بازیگر منفرد از بیرون شاهد این رقابت باشد و از نامزدی در انتخابات خودداری کرده است.

احزاب تشرینی

اکثر احزاب تشرینی از ورود به ائتلاف های انتخاباتی خودداری کرده اند تا بدین شکل از مشروعیت بخشیدن به انتخابات و نظم سیاسی حاکم اجتناب ورزند. با این حال

بخشی هرچند کوچک از جنبش تشرین تصمیم گرفت تا با ورود به عرصه انتخابات زمینه را برای اصلاح و ایجاد تغییری واقعی از درون ساختار نظام محقق سازد. مشارکت «نازل اخذ حقی الدیموقراطیه» به رهبری «مشرق الفریجی» در انتخابات اکتبر ۲۰۲۱ سبب شد تا سایر گروه های تشرینی آنها را به خیانت به آرمان جنبش تشرین و هم دستی با نظام متهم سازند. از سوی دیگر علاء الرکابی نیز با تشکیل «تحالف امتداد» تلاش نمود تا ضمن جدانمودن خود از حزب الفضیله، بدنه مذهبی تشرینی را با خود همراه سازد. انتظار می رود امتداد بتواند در ناصریه پرفروغ ظاهر شود. علاوه بر این حزب «تیار المد العراقی» به رهبری «ذو الفقار حسین شمخی» نیز در فهرست ائتلافی «قوی الدوله الوطنیه» به رهبری «عمار حکیم» حضور دارد. با این حال باید بدین نکته اشاره داشت که انتظار نمی رود جریان های وابسته به جنبش تشرین بتوانند نتایج قابل توجهی را به سود خود رقم زنند، به ویژه از آن رو که عمده هواداران این جنبش بر ضرورت تحریم و عدم شرکت در انتخابات تاکید دارند.

مشرق الفریجی از بطن اعتراضات جنبش تشرین به تاسیس حرکه نازل اخذ حقی الدیموقراطیه دست زده است.

علاوه بر آن دو حزب اسلامگرای «الوارثون» (حیدر کعیم جلان المیاحی) و «الحزم» (عبدالامیر المیاحی) نیز که در فضای پساتشرین و توسط چهره های قدیمی احزاب سنتی تأسیس شدند به ائتلاف «العقد الوطنی» به ریاست فالح الفیاض پیوسته اند.

احزاب کردی

هیچ یک از احزاب بزرگ کردی در ائتلاف های رسمی حضور نیافته اند. این در حالی است که در ادوار پیشین، احزاب پدرخوانده کردی معمولا برای انتخابات عراق فهرست واحد و برای انتخابات های داخلی اقلیم کردستان، فهرست‌های مجزا ارائه می دادند. احزاب شاخص کردی در این دوره در قالب دو ائتلاف بزرگ در انتخابات حضور می یابند:

الف.تحالف کردستان: اتحادیه میهنی کردستان، جنبش گوران (تغییر)

ب.ائتلاف حزب دموکرات کردستان: حزب دموکرات کردستان

در پایان توجه به وضعیت پیش روی آتیه سیاسی مصطفی الکاظمی نیز حائز اهمیت است؛ چرا که حزب المرحله که متشکل از نزدیکان مصطفی الکاظمی می باشد تصمیم به تحریم انتخابات گرفت. با این حال انتظار می رود الکاظمی در مرحله تشکیل کابینه آتی عراق در کانون توجهات قرار گیرد.

جمع بندی:

۱. دو فاکتور مهمی که می تواند معادلات انتخاباتی را به صورت جدی تحت الشعاع قرار دهد، «سازمان های صنفی» (به ویژه متشکل از دانشگاهیان و نخبگان) و «احزاب تشرینی» خواهند بود. این دو دسته نمی توانند به صورت مستقل حائز اکثریت آراء شوند؛ اما ائتلاف آن ها با هر یک از فهرست های فوق می تواند اعتبار دوچندانی به ائتلاف مذکور بدهد. سازمان های صنفی، شعار «دولت تکنوکرات» را قابل باور ساخته و احزاب تشرینی نیز می توانند ائتلاف های فوق را از زیر بار سنگین ناکارآمدی ۱۸ سال گذشته خارج سازند.

۲. مهم ترین وجه انتخابات را باید «درک نبض کلی جامعه» دانست. دقت در تفاوت میان «نبض جامعه» و «فضای سیاسی کشور» از اهمیت به سزایی برخوردار است. در سال ۲۰۱۸، حیدر العبادی فهرست بسیار قدرتمندی برای انتخاباتتشکیل داد؛ اما چون نبض عمومی جامعه را به درستی درک نکرده بود، نتوانست در منصب نخست وزیری باقی بماند. از این منظر، نباید در تحلیل های انتخاباتی صرفا بر جامعه سیاسی تکیه کرد. با این حال، رصد تحولات جریان شناختی سیاسی نیز از اهمیت بسیاری برخوردار می باشد و نباید آن را نادیده گرفت.

چشم انداز اقتصادی عراق در آستانه انتخابات پارلمانی ۲۰۲۱

دکتر فریبا علی کرمی
کارشناس ارشد اقتصاد سیاسی بین الملل

بیان مطلب

عراق به آرامی در حال حرکت جهت بهبود و رونق زیرساخت‌های اقتصاد خود است؛ با این حال در پیش روی خود چالش ها و تهدیدات اقتصادی بسیاری دارد که بنیان های امنیتی و سیاسی آن را نیز متاثر می‌سازد. عراق امروز وارث اقتصادی مقروض، ساختارهای ضعیف و فساد نهادینه شده است که بیش از هر زمان دیگری این کشور را به انجام اصلاحات و طی کردن زمان بازسازی نیازمند می سازد. تامین شغل، ارائه خدماتی چون برق، نظارت و کاهش فساد نهادینه شده در ساختار اقتصادی و سیاسی عراق از مهمترین خواسته های امروز مردم عراق است که منجر به ظهور ناآرامی ها و سلب اعتماد مردم از دولت مرکزی شده است[1] . گزارش‌ها حاکی است که دولت عراق در تامین حقوق کارمندان خود و ایجاد شغل برای قشر جوان دچار کمبودهای جدی است که تسری تقاضاهای اقتصادی را به چالش‌های سیاسی بالا می‌برد[2] و طبیعتا بر شرایط و نتایج انتخابات پیش روی عراق تاثیر خواهد گذاشت.

اقتصاد وابسته به نفت و پیامدهای کرونا

اقتصاد عراق وابسته به درآمدهای نفتی است. سهم صادرات نفت از درآمد خالص دولت عراق از ۹۸ درصد در سال ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ تا حدود ۷۹ درصد در سال ۲۰۱۵ متغیر بوده است. در سال ۲۰۲۰ متاثر از شرایط کرونا و کاهش تقاضای جهانی نفت، درآمد دولت عراق به شدت کاهش یافت. تولید

1.https://www.diis.dk/en/research/security-provision-and-external-actors-in-iraq-insights-from-a-recent-survey
2.https://www.mei.edu/publications/once-again-iraq-crossroads. .

ناخالص داخلی عراق در سال ۲۰۲۰ کاهش چشمگیر ۱۰.۴ درصدی را تجربه کرد و اقتصاد غیرنفتی آن ۹ درصد منقبض شد. گردشگری مذهبی و بخش های خدمات بیشترین آسیب را از قفل شدن ناشی از کرونا دیدند. تأثیر نامتناسبی که شوک های اقتصادی عمدتا بر گروه های آسیب پذیر ایجاد کرد، میزان فقر و نابرابری را نیز افزایش داد، به صورتی که نرخ فقر عراق در سال ۲۰۲۰ را تا ۱۴ درصد بالاتر از خط فقر ملی تخمین زده اند. فقر در حال رشد یکی از عوامل ادامه خشم عمومی از شرایط کنونی اقتصاد عراق است[1].

شیوع کرونا ضمن آسیب به کسب و کارهای خرد موجبات کاهش درآمدهای بخش توریسم عراق به ویژه از ناحیه گردشگری مذهبی شد

در پاسخ به شدت بحران، دولت عراق طرحی ملی را تدوین کرد که اصلاحاتی را برای رشد پایدار و میان مدت پیش روی خویش قرار می دهد[2]. درعین حال با شروع سال ۲۰۲۱ به لطف فروش بیشتر نفت و افزایش قیمت نفت، بغداد توانست درآمد خود را کمی بهبود بخشد تا فروش نفت عراق به بالاتر از ۳ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۱ برسد[3]. عمده صادرات نفت عراق به چین، آمریکا و هند بوده است. عراق در ماه ژوئن بیش از ۸۲۸ هزار بشکه نفت خام در روز به چین صادر کرده است. با این شرایط برای سال ۲۰۲۱ پیش بینی شده تولید ناخالص داخلی عراق به تدریج به ۱.۹ درصد و به طور متوسط ۶.۳ درصد در سال ۲۰۲۲ برسد[4] و کسری مالی به ۵.۴ درصد از تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۱ کاهش یابد. با این وجود، با برآورد هزینه های دولت عراق به طور متوسط ۱۳.۷ میلیارد دلار در سال، نگرانی مالی همچنان گسترده است. در بودجه سال ۲۰۲۱ با وجود اصلاحاتی از قبیل بهبود مدیریت مالی عمومی و تلاش‌های داخلی برای جمع‌آوری درآمد، موضوعات ساختاری دیگری چون دستمزد عمومی و وضعیت بازنشستگان همچنان رسیدگی نشده است. عراق همچنین با هدف توسعه زیرساخت های صنعت نفت خود موفق شد تا توافقی ۲۷ میلیارد دلاری را با شرکت توتال فرانسه به امضا برساند.

اشتغال و وضعیت اقتصادی مردم عراق:

اکنون بیش از ۴۰ میلیون نفر در عراق زندگی می کنند و طبق برآوردهای وزارت برنامه ریزی، در کمتر از یک ربع قرن جمعیت آن دو برابر خواهد شد. اگر نرخ رشد فعلی که از بالاترین نرخ ها در منطقه است، ادامه یابد دولت عراق مجبور است ایجاد نزدیک به یک میلیون شغل سالانه تا پایان دهه جاری را تسهیل سازد. این درحالی است که هم اکنون نیز با وجود کسری بودجه و مشکلات اقتصادی، دولت عراق عملا تنها منبع اشتغال در عراق محسوب می شود. براساس قانون بودجه دولت برای سال۲۰۲۱، بیش از ۳.۲۶ میلیون شهروند به عنوان کارمند دائمی دولت (غیر پیمانکار) مشغول به کار هستند. این رقم تقریباً ۹ میلیون نفری که به طور مستقیم از دولت، نوعی درآمد منظم دریافت می کنند از جمله بیش از ۴ میلیون بازنشسته و نزدیک به ۱.۴میلیون خانواده که یارانه حمایتی می گیرند و هزاران حقوق بگیر و پیمانکار روزانه در وزارتخانه های مختلف دولتی را، شامل نشده است و از آنجا که فضای کسب و کار فعلی عراق قادر به ایجاد شغل در بخش خصوصی نیست، دولت تنها راه خروج تقریباً ۷۰۰،۰۰۰ جوان است که هر ساله وارد بازار کار می‌شوند که این چالش بسیار بزرگی برای دولت عراق است؛ همان گونه که ناتوانی دولت در ارائه فرصت‌های شغلی در کنار عدم تامین تقاضای فزاینده خدمات اساسی از جمله تأمین برق پایدار در شهرها، از علل مهم برای شروع اعتراضات در اکتبر۲۰۱۹ بوده است[5]،که متعاقب آن منجر به سقوط دولت عادل عبدالمهدی و عمیق شدن بی اعتمادی بین دولت و اقشار بزرگ جامعه عراق شد.

بحران بیکاری و کاهش فرصت های شغلی برای جوانان عراقی، نارضایتی های اجتماعی را در این کشور تشدید بخشیده است

1. https://www.npr.org/2021/02/03/961149079/in-iraqs-dire-economy-poverty-is-rising-and-so-are-fears-of-instability.
2. https://www.worldbank.org/en/country/iraq/overview
۳. درتیرماه نرخ نفت سبک بصره در بازارهای آسیا ۷۵.۵۱ دلار و نرخ نفت سنگین بصره ۷۱.۰۳ دلار قیمت‌گذاری شده است که بالاترین نرخ در میان نفت کشورهای عضو سازمان اوپک به شمار می رود.
4. https://reliefweb.int/report/iraq/iraq-economic-monitor-spring-2021-seizing-opportunity-reforms-and-managing-volatility
5. https://www.mei.edu/publications/once-again-iraq-crossroads.

یکی از مشکلات دیگر عراق تامین حقوق مستمری بگیران دولت است. در سال ۲۰۲۰ بانک جهانی از کاهش ۴۷.۵ درصدی درآمد دولت عراق در هشت ماهه نخست ۲۰۲۰ خبر داد، شرایطی که منجر شد دولت عراق حقوق بازنشستگان دولتی را به طور متناوب نپردازد که در نتیجه افزایش بی‌اعتمادی مردم و همچنین افزایش نرخ فقر را به دنبال داشت[1]. در بودجه فعلی سال ۲۰۲۱ ، حدود ۵۳.۸ تریلیون دینار برای حقوق کارمندان ثابت و ۳۱.۴ تریلیون دینار هزینه برای خدمات اجتماعی اختصاص یافته است؛ یعنی کل حقوق و خدمات اجتماعی ۸۵.۲ تریلیون دینار است که بیش از درآمد مورد انتظار صادرات نفت برای سال (۸۱.۲ تریلیون دینار) است[2]. درعین حال محمد صالح، مشاور امور اقتصادی نخست‌وزیر عراق در اواسط تیرماه با توجه به افزایش فروش و قیمت نفت از پشت سر نهادن مرحله کسری بودجه و استقراض خبر داد و اذعان داشت که کسری بودجه ای که ۲۹ تریلیون دینار (حدود ۲ میلیارد دلار) برآورد می‌شد، بر اساس نرخ هر بشکه نفت ۴۵ دلار حساب شده بود، اما با افزایش فروش و قیمت نفت، درآمد نفتی عراق اکنون بالاتر از میزان برآوردها است. حال باید دید آیا درآمدهای نفتی عراق ادامه خواهد داشت و مهم آنکه با توجه به شکنندگی ساختار اقتصادی آن و چالش‌های سیاسی آیا این درآمد، درمانی موقتی و کم تاثیر خواهد بود یا در روند بازسازی و ترمیم اقتصاد عراق به کار گرفته خواهد شد.

اقتصاد کشاورزی:

از لحاظ تاریخی، عراق از غنی ترین خاک های جهان برخوردار بوده است؛ اما طی ۳۰ سال گذشته نقش اصلی آن در اقتصاد قربانی منازعات عراق شد. سال ۲۰۱۹، کشاورزی تنها ۲ درصد از تولید اقتصادی را به خود اختصاص داده است. با حمله داعش نزدیک به ۴۰ درصد از ظرفیت تولید محصولات کشاورزی عراق کاسته شد[3]. درعین حال بخش کشاورزی عراق را علی رغم تمام آسیب ها، از مستعدترین بخش ها برای احیای اقتصاد عراق در چشم انداز غیر نفتی و قرار دادن آن در مسیر رشد پایدار دانسته اند[4]، فضایی که ظرفیت بالایی برای سرمایه گذاری و ایجاد اشتغال دارد.

شیوع کرونا ضمن آسیب به کسب و کارهای خرد موجبات کاهش درآمدهای بخش توریسم عراق به ویژه از ناحیه گردشگری مذهبی شد

مستعد بودن بالقوه بخش کشاورزی عراق به آن امکان می دهد که به یک بازیگر جهانی در کالاهای استراتژیک مانند گندم، جو، خرما و محصولات با ارزش تبدیل شود. به نظر می رسد صحرای عراق که از استان الانبار تا بصره امتداد یافته است، در دوره پیش رو مقصد اصلی پروژه های مربوط به بخش کشاورزی باشد. درعین حال خشکسالی و تنش های آبی با همسایگان از جمله تهدیدات این بخش اقتصاد برای عراق است[5] که می تواند به تهدید امنیت غذایی عراق نیز منجر شود.

وضعیت انرژی برق:

تامین برق برای عراق امروز به یکی از مهمترین درخواست‌های اقتصادی با بار سیاسی تبدیل شده است. عراق در حال حاضر تنها ۱۸.۴ گیگاوات برق دارد که ۱.۲ گیگاوات آن را از ایران وارد می کند. این کشور به دنبال ساخت چندین راکتور با توانایی تولید حدود ۱۱گیگاوات برق است و برای این کار، درصدد جذب سرمایه گذاری از کشورهای روسیه و کره جنوبی و تامین بودجه ۴۰ میلیارد دلاری آن است.

بحران انرژی به ویژه برق در عراق از جمله دلایل نارضایتی عمومی از دولت مرکزی در ماه‌های اخیر بوده است.

1.https://www.npr.org/2021/02/03/961149079/in-iraqs-dire-economy-poverty-is-rising-and-so-are-fears-of-instability
2.-https://www.economist.com/leaders/2021/06/19/relative-peace-gives-iraq-a-chance-to-build-a-functioning-state.https://www.mei.edu/publications/once-again
3.https://carnegieendowment.org/sada/84848
4.https://investmentmonitor.ai/analysis/iraq-opportunities-investment-frontier.
5.https://www.aljazeera.com/news/2021/5/29/no-water-no-jobs-isil-survivors-struggle-in-northern-iraq

همچنین وزارت برق عراق و شرکت اماراتی «المصدر» قراردادی برای احداث نیروگاه های تولید برق از انرژی خورشیدی به ظرفیت ۲ هزار مگاوات در مرکز و جنوب عراق امضا کردند، وزیر نفت عراق مطرح ساخته که به موجب این قرارداد ۲۵-۲۰ درصد برق تولیدی عراق از انرژی های پاک تأمین خواهد شد.

سرمایه گذاری خارجی و بازسازی عراق:

بانک جهانی نیازهای بازسازی عراق را ۸۸ میلیارد دلار برآورد کرده است که برخی آمارها میزان بالاتری را نیز تخمین زده اند[1] . اما عراق به سبب شرایط حاصل از کرونا و منازعات، محیط پر ریسکی از نظر سرمایه‌گذاری است و زیرساخت ها برای جذب سرمایه‌گذاری در صنایع غیر نفتی خیلی مورد حمایت نیستند[2]. عمده سرمایه گذاری ها برای بازسازی عراق را بانک جهانی آغاز کرده است. بانک جهانی تامین ۳۵۵ میلیون دلار به پروژه کریدورهای حمل و نقل عراق، ۲۱۰ میلیون دلار به منظور بهسازی آب و فاضلاب بغداد و ۲۰۰ میلیون دلار برای طرح توسعه برق بصره و ... را متعهد شده است. کمیسیون سرمایه گذاری ملی عراق نیز فهرستی از ۱۵۷پروژه نیازمند سرمایه گذاری خارجی، منتشرکرد. بیشتر این ۱۵۷پروژه عمدتا در جنوب شرقی یا شمال شرقی عراق واقع شده است، مناطقی که پس از جنگ با داعش ثبات بیشتری به دست آورده اند. عراق همچنین به دنبال شروع کار در پروژه متروی بغداد در سه ماهه دوم سال ۲۰۲۲ است. این پروژه به غول حمل و نقل آلستوم فرانسه اعطا شده است. شرکت فرانسوی همچنین قرارداد بازسازی فرودگاه موصل را برنده شده است. در سال ۲۰۲۰ عراق توافقاتی با جنرال الکتریک و زیمنس برای به روزرسانی نیروگاه های برق و شبکه انتقال خود داشته است.

عراق با همکاری شرکت فرانسوی آلستوم، طرح ایجاد متروی شهری در بغداد را به پیش می برد

ساخت شهرهای جدید نیز بخشی از پروژه های بازسازی عراق است. در اوایل سال ۲۰۲۱، عراق از ساخت ۱۲ شهر مسکونی جدید با هدف مقابله با بحران مسکن خبر داد؛ از جمله شهر جدید «بسمایه» که در جنوب شرقی بغداد توسط شرکت مهندسی و ساخت «هانوا» کره جنوبی[3] در حال ساخت است.

شهر مسکونی بسمایه، مهم ترین پروژه توسعه شهری در عراق

در رابطه با بازسازی جاده ای عراق نیز آمریکا با یک پروژه ۳۵۵ میلیون دلاری برای ساخت کریدورهای حمل و نقل حضور دارد[4]. چین نیز در بخش های انرژی و توسعه زیرساخت‌های عراق نقشی پررنگ دارد. در میدان نفتی مهم «الاحدب» و میدان نفتی «حلفایه»، شرکت ملی نفت چین و شرکت CNPC 50 سرمایه‌گذاری کرده‌اند در میدان نفتی «الرمیله» هم چین و شرکت بریتیش پترولیوم شریک هستند. پکن همچنین کوشیده است که در بخش‌های غیر انرژی نیز همچون ساخت مسکن، مدرسه و بیمارستان و تکمیل چند نیروگاه برق نیز وارد شود.

1.https://investmentmonitor.ai/analysis/iraq-opportunities-investment-frontier
2.https://www.heritage.org/index/country/iraq
3.Hanwha Group .
4.https://www.worldbank.org/en/country/iraq/overview .

ظهور احزاب جدید در عراق؛ نشانه دیگری از چالش نظام سیاسی موجود برای بقا!

مطالعه موردی «جنبش تشرین»

میز عراق و شامات
اندیشکده جریان

مقدمه

در طی ماه‌های منتهی به انتخابات ۱۰ اکتبر، احزاب سیاسی در عراق مانند قارچ به صورت گسترده و ممتد در حال رویش بوده و خود را برای حضور در انتخابات پارلمان آماده می‌سازند. تنها طی یک ماه، ۸ حزب جدید تأسیس خود را اعلام کردند. این در حالی است که علاوه بر آن، دست کم دو حزب دیگر و یک ائتلاف یا جبهه نیز به صورت غیررسمی تشکیل شده و تنها اعلام موجودیت آن باقی مانده است. مسئله «ظهور احزاب جدید التأسیس» است که باعث می‌شود حتی در نگرش‌های کلاسیک و محافظه‌کارانه تحلیل فضای کلی سپهر سیاسی عراق نیز این گزاره را به شکل محتوم و قطعی بپذیرند که «فضای انتخابات ۲۰۲۱ عراق با فضای پیش از ۲۰۱۹ قابل مقایسه نیست. شاید در نگاه اول تصور شد که این احزاب، صرفا یک سری مسمّی بوده و فاقد توان جریان سازی در سطح جامعه بوده و نمی‌توانند در نظام سیاسی اثر جدی از خود به جای بگذارند. اما اگر توجه کنیم که بخشی از این احزاب حاصل انشعاب در تعدادی از قدیمی‌ترین و ریشه‌دارترین احزاب سیاسی موجود بوده و برخی دیگر نیز متشکل از کسانی هستند که صحنه‌گردان اعتراضات خیابانی بوده‌اند، روشن می‌شود که این مسئله را باید به طور جدی‌تری واکاوی کرد. این موج رویش‌ها را می‌توان از دو منظر بررسی کرد. در حالت نخست، هر یک از احزاب جدید را زیر ذره‌بین برده و رهبران سیاسی، گفتمان و پایگاه اجتماعی بالقوه آن را مورد توجه قرار می‌دهیم. در حالت دوم، مسئله ما نه هر کدام از احزاب به صورت تجریدی، بلکه «روندی» است که باعث ظهور احزاب متعدد شده است. در این حالت، هیچ یک از احزاب را به طور جداگانه بررسی نخواهیم کرد؛ بلکه بستری که باعث ظهور احزاب جدید شده مورد

واکاوی قرار می‌گیرد. در این مقاله، ما از منظر دوم به بررسی مسئله ظهور احزاب جدید سیاسی در عراق پرداخته‌ایم.

طرح مسئله

نظام سیاسی عراق، یک نظام حزبی- پارلمانی بر پایه تقسیم‌بندی‌های طائفه‌ای است و تمام دولت‌ها و پارلمان‌های تشکیل شده از سال ۲۰۰۵ بدین سو همواره بر پایه همین اصول تشکیل شده‌اند. حتی دولت مصطفی الکاظمی که در ظاهر نتیجه ناتوانی پارلمان در معرفی نخست وزیر بود، باز هم به نوعی برآمده از اراده یا به تعبیری «تمکین» همراه با «اعمال نفوذ» احزاب سیاسی است. برای درک این نکته کافی است شکست «علی علاوی» و در ادامه «عدنان الزرفی» را مرور کنیم که اولی به علت مقابله با اعمال نفوذ احزاب نتوانست کابینه خود را به پارلمان معرفی کند و دومی نیز به علت مخالفت (عدم تمکین احزاب) از رسیدن به ریاست قوه مجریه ناتوان ماند. این در حالی است که مجموعه احزاب سیاسی عراق نمی‌توانند به خوبی جامعه این کشور را نمایندگی کنند و به همین علت، در انتخابات‌های مختلف، به تدریج شاهد تکوین و ظهور احزاب جدیدی هستیم که می‌خواهند بخشی از «شکاف» میان فعالین سیاسی و جامعه را پر کنند. این روند پس از اعتراضات موسوم به جنبش تشرین سرعت و عمق بیش‌تری به خود گرفته و کلیت فضای سیاسی عراق را به طور جدی تحت الشعاع قرار داده است. برای درک بهتر تفاوت این فضا در انتخابات ۲۰۲۱ در مقایسه با انتخابات پیشین می‌توان از این تمثیل استفاده کرد که در ادوار پیشین، ظهور دسته‌بندی‌های جدید به نوعی «اصلاح» ترکیب‌های پیشین احزاب و جریانات سیاسی بود؛ اما وضعیت دوره جاری را باید «انقلاب» یا «طغیان» علیه بافت سپهر سیاست عراق دانست!

اهمیت مسئله

در بخش پیشین از اصطلاح «شکاف میان بستر (متن جامعه) و مجموعه احزاب سیاسی موجود» برای توضیح علت ظهور احزاب جدید استفاده شد. به اعتقاد نگارنده، تعبیر «شکاف» بسیار دقیق بوده و هر چه این شکاف عمیق‌تر باشد، بی‌ثباتی وضع موجود بیش‌تر خواهد شد. ضمن این‌که در جامعه شناسی سیاسی نیز این تئوری مطرح است که «جنبش‌های اجتماعی» برای پر کردن خلأ پدیدار شده در اثر شکاف‌های اجتماعی شکل می‌گیرند. این جنبش‌های اجتماعی، بازیگران مهمی در فضای سیاسی کشورها هستند. این نکته در جوامع دموکراتیک دارای شکاف‌های بزرگ یا اصطلاحا متقاطع به مراتب جدی‌تر است. آن‌ها معمولا در این زمینه یکی از سه راهکار ذیل را دنبال می‌کنند:

الف.حزب سیاسی متبوع خود را تأسیس کند (مانند احزاب کارگری اروپا که از درون جنبش اتحادیه‌های کارگری برخاستند)؛

ب. به صورت جریان ساز، از احزاب موجود حمایت کنند. آن‌ها در عمل موجب پیدایش جناحی در درون آن حزب یا در میان طبقه همراهان و بدنه هوادار حزب می‌شوند (مانند حمایت جنبش کارگری آمریکا از حزب دموکرات در گذشته یا تجربه اخیر «برنی سندرز» در حزب دموکرات)؛

ج. اصولاً استقلال خود را از نظام حزبی حفظ کرده‌اند و به جای ورود به حوزه قدرت (حزب)، بر جامعه مدنی تمرکز کرده‌اند تا از طریق فضاسازی عمومی، جریان‌های سیاسی را به سمت مد نظر خود بکشانند. این دسته عملا نه به صورت مستقیم، اما به صورت غیرمستقیم به حوزه احزاب ورود کرده‌اند؛ زیرا با جریان سازی‌های خود گفتمان سیاسی غالب را تحت تأثیر قرار داده و به مثابه گروه فشار عمل می‌کنند. (مانند تجربه جنبش‌های فمینیستی در اروپا و آمریکا با مطالباتی مانند حق سقط جنین یا جنبش‌های حامی گرایشات شاذ جنسی در سرزمین‌های اشغالی و حتی ترکیه![1])

جنبش اعتراضی تشرین در سال ۲۰۱۹ محرک اصلی ظهور احزاب و جریانات سیاسی جدید در عراق است.

نکته‌ای که در این میان باید به طور جدی مورد توجه گیرد، مقوله «شکاف نظام سیاسی و بستر اجتماعی» است که در جوامع دموکراتیک، منجر به «کاهش ثبات و استقرار»، «شکل‌گیری جنبش‌های مدنی و سیاسی»، و «جهت‌دهی بر گفتمان سیاسی غالب» می‌گردد که کلیه این موارد در عراق امروز به وضوح قابل مشاهده است.

۱ در میان رهبران حزب HDP ترکیه، همجنسگرایان نیز حضور دارند!

با این توضیحات، روشن است که بدون اهتمام جدی در پایش و ادراک چیستی، ریشه‌ها و پیامدهای این شکاف(ها)، نمی‌توان چشم‌انداز قابل اتکایی از آینده سیاسی عراق در میان‌مدت داشت. این نکته به خصوص زمانی که با موضوعاتی مانند «انتخابات» مواجه باشیم، اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند؛ زیرا انتخابات به مثابه سازوکاری است که بخشی از شکاف میان جامعه و نظام سیاسی را پر کرده یا به تعبیر دیگری از انباشت مطالبات ضدسیستمی ممانعت به عمل می‌آورد. هرچند همین انتخابات اگر به نحوی تحدید یا محصور گردد که انگیزه «برون‌رفت از وضع موجود» را برای رأی‌دهندگان کاهش دهد، این کارکرد انتخابات نیز به حداقل می‌رسد و باید منتظر طوفان‌های توده‌وار یا جنبش‌های ضدسیستمی بود که ساختار و چارچوب‌های نظام سیاسی را به طور جدی تحت تأثیر قرار می‌دهند. همان طور که در بخش پیشین بیان گردید، چهارچوب انتخابات در عراق کاملا حزبی و نظام سیاسی نیز پارلمانی- حزبی است. از این منظر، اگر در انتخابات شاهد ظهور احزاب سیاسی جدیدی باشیم که بتوانند شکاف‌های موجود را تا حدی پر کنند، در آن صورت تغییرات ساختاری تحمیلی و غیرنظام‌مند با احتمال یا سرعت کم‌تری به نظام سیاسی تحمیل می‌گردد. اما اگر این احزاب سیاسی نتوانند آن شکاف موجود را پر کنند، باید منتظر طوفان‌های سیاسی بزرگ‌تر یا جنبش‌های اجتماعی ضدسیستمی فراگیری باشیم که کل نظام سیاسی را بر هم می‌زنند. با توجه به تجربه دو سال اخیر عراق، هر دو سناریو را باید جدی و محتمل ارزیابی کرد. نقطه کانونی تمایز این دو سناریو، ظرفیت احزاب نوظهور برای پر کردن شکاف‌های موجود می‌باشد. این نکته را در همین مقاله مورد توجه قرار داده‌ایم.

احزاب و ائتلاف ها در عراق پساصدام

تأسیس کشور عراق در سال ۱۹۲۳، برآمده از فضایی بود که یکی از پایه‌های اساسی آن انقلاب استقلال‌طلبانه و ضدبریتانیایی موسوم به «ثورة العشرین» در سال ۱۹۲۰ می‌باشد. با این حال از زمان تأسیس دولت عراق، رأس قدرت در اختیار اهل تسنن بود و شیعیان - علی رغم این که اکثریت جامعه را در اختیار داشتند - هیچ‌گاه به رأس قدرت دست نیافتند. حتی در لایه‌های بعدی نیز همواره اهل تسنن دست برتر را داشتند؛ به ویژه در امور نظامی و امنیتی که شیعیان به صورت بالقوه و ابتدایی غیرقابل اعتماد تصور می‌شدند. به همین جهت، شیعیان نزدیک به ۸۰ سال سرکوب و سلب حقوق خود را تجربه کرده بودند که به انباشت مطالبات هویتی در میان آنان انجامید. در چنین وضعیتی، طبیعی است که در دوره نخست پسا صدام، گرایش‌های هویت‌گرای طایفه‌ای (شیعی) در میان قاطبه شیعیان حرف اول را بزنند. همین وضعیت، از زاویه دیگری در میان بقیه طوایف و قومیت‌ها نیز برقرار بود. اعراب اهل تسنن که از ابتدای تأسیس عراق همواره قدرت را در اختیار داشتند، از نظر جمعیتی در اقلیت بودند؛ اما خود را حاکم بلامنازع و «عراقی واقعی» می‌دانستند که از حق سیادت برخوردار است. در نگاه بسیاری از آنان، طوایف دیگر به ویژه «شیعیان» و «کردها» به واسطه نقشه «اشغالگران خارجی» (عمدتا آمریکایی) در عراق به قدرت رسیده و خائن به وطن هستند. فراتر از آن، بسیاری از شیعیان را «عجم» می‌دانستند و کردها را نیز «ایرانی تبار» می‌خواندند و در نتیجه تنها خودشان را «عراقی اصیل» می‌پنداشتند.

در دوران حاکمیت حزب بعث بر عراق شیعیان و کردها از مشارکت در قدرت سیاسی بازماندند.

کردها که از سال ۱۹۹۱ در اثر تحریم و قانون ممنوعیت پرواز هوایی به خودمختاری دست یافته بودند، در زمان تدوین قانون اساسی جدید عراق نیز مطالبات ناسیونالیستی و قومیت‌گرا داشتند. اگر افق دید را به گذشته دورتر ببریم، کردها از زمان تأسیس کشور عراق همواره سهم کمی در بغداد داشته و صرفا یکی‌دو وزیر در هر دوره به عنوان نماینده کردها در هیئت دولت حضور داشت. همین باعث می‌شد تا فرآیند ملت‌سازی در میان کردها بسیار کم‌فروغ باشد و به محض این که مجالی برای خودگردانی فراهم شد، کردها راه خود را - به صورت نسبی - از بغداد جدا نمایند. این وضعیت در فضای پسا صدام نیز به صورت دیگری خود را نشان داد: «تقویت دولت اقلیم کردستان». از همین زاویه، گرایش‌های ناسیونالیستی در قاطبه کردهای عراق حرف اول را می‌زد.

انتخابات ۲۰۰۵

در سال ۲۰۰۵ در عراق پسا صدام، دو انتخابات برگزار گردید. در هر دو انتخابات، جریانات اصلی شیعه در قالب یک فهرست متحد حضور پیدا کردند. در این مورد باید توجه داشت که «جریانات اصلی» عمدتا شامل دو گروه

می‌شد؛ «بخش محوری جریان صدر[1]» که در سال‌های پایانی دیکتاتوری صدام خروش کرده بود و در توده‌ها از پایگاه قابل توجهی برخوردار بود و «احزاب قدیمی» – مانند «حزب الدعوه» و «مجلس اعلاء» – که در دوره صدام تشکیل شده و به ایران منتسب بود. ویژگی دسته دوم در این بود که در خلال ۸ سال جنگ تحمیلی، در صفوف جمهوری اسلامی ایران علیه رژیم بعث جنگیده بودند. ائتلاف دوم شیعیان که متشکل از گروه‌های خارج از جریان اصلی بود، عمدتا از گروه‌های متمایل به غرب تشکیل گردید که سرآمد آنان مرحوم «چلبی» بود.

«العراقی الموحد» بزرگترین ائتلاف شیعی حاضر در نخستین انتخابات پارلمانی عراق

فضای انتخابات در میان اهل تسنن کاملا متفاوت از شیعیان بود. شهرهای «فلوجه» و «تکریت» در کنار «موصل» حداقل مشارکت در انتخابات را داشتند و همین شهرها در سال‌های بعد به کانون گرایش‌های مرکزگریزانه در عراق تبدیل شدند. برای مقایسه میزان اقبال به انتخابات در میان شیعیان و اهل تسنن کافی است در نظر بگیریم در نخستین انتخابات (۳۰ ژانویه ۲۰۰۵)، ائتلاف بزرگ شیعیان به نام «العراقی الموحد» موفق شد ۱۴۰ کرسی از ۲۷۵ کرسی پارلمان را به دست آورد؛ اما در مقابل بزرگ‌ترین ائتلاف سنی به رهبری «غازی مشعل عجیل الیاور» (نخستین رئیس جمهور موقت در دوره انتقالی به ریاست پل برمر) تنها به ۵ کرسی دست یافت[2]. تقریبا در تمام مناطق محل اختلاف میان کردها و اعراب سنی نیز نمایندگان منتخب، از فهرست «تحالف الکردستانی» بودند. در حالی توده‌های عراقی به صورت هویتی رأی می‌دادند که احزاب سیاسی نه فاقد برنامه مشخص بودند و نه حتی فراتر از فهرست انتخاباتی می‌توانستند طرح مشترکی را برای اداره کشور دنبال کنند. این نکته را می‌توان از نخستین انتخابات مشاهده کرد. با تشکیل نخستین مجلس (که باید آن را مجلس مؤسسان برای تصویب قانون اساسی دانست)، باید نخستین دولت منتخب در تاریخ عراق تشکیل می‌شد. جالب است که در جلسه رأی‌گیری برای تشکیل دولت، ۹۰ نماینده غیبت کردند که به علت آبستراکسیون بخشی از دو فراکسیون بزرگ‌تر (شیعیان و کردها) بود. به این ترتیب، شیعیان و کردها در حالی ائتلاف‌های هویت‌گرایانه و طایفه‌ای در داخل خود تشکیل داده بودند که حتی برای مهم‌ترین مأموریت مجلس فاقد توافق حداقلی بودند. به دنبال انتخابات ژانویه ۲۰۰۵، قانون اساسی عراق به تصویب رسید و در پی انتخابات دسامبر ۲۰۰۵ (بر پایه قانون اساسی مصوب)، نخستین دولت برآمده از قانون اساسی جدید عراق بر سر کار آمد که ریاست آن را «نوری المالکی» (دبیرکل حزب الدعوه) بر عهده داشت. از این دوره، شیعیان دولت تشکیل دادند و اختلافات قابل توجه سیاسیون به سطح جامعه نیز سرایت کرد. فراتر از آن، متن جامعه به مرور انتظارات و توقعات خود نسبت به دولت را مطرح می‌کرد و شکاف دولت– ملت در عصر پساصدام نیز به صورت دیگری بازتولید می‌شد. اوج آن را می‌توان عملیات «صوله الفرسان» دانست که نخست وزیر وقت (نوری المالکی) به عنوان فرمانده کل قوا دستور هجوم و خلع سلاح جیش المهدی (جریان صدر) را صادر کرد. این در حالی است که در انتخابات دسامبر ۲۰۰۵، جریان صدر یکی از اضلاع اصلی ائتلاف بزرگ شیعیان بوده و در نتیجه نوری المالکی به کمک این جریان بر سر کار آمده بود. حال نخست وزیر دستور حمله و خلع سلاح جریانی را می‌داد که به کمک آن‌ها به این منصب دست یافته و در ازای آن نیز بخشی از کابینه را به جریان صدر داده بود. به این‌ها باید موارد دیگری مانند توافقنامه امنیتی آمریکا، اوج‌گیری فعالیت القاعده، انفجارهای سامرا و... را نیز اضافه کرد که شرح آن در این مقال نمی‌گنجد. در این بند صرفا می‌خواستیم دو نکته مهم را یادآوری کنیم که در این دوره (۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰) اولا اختلاف میان احزاب و جریانات سیاسی بسیار بالا گرفت و نمود اجتماعی پیدا کرد و ثانیا شکاف دولت– ملت به سرعت در سطح جامعه بازتولید شد.

انتخابات ۲۰۱۰

سومین انتخابات عراق در سال ۲۰۱۰ برگزار گردید. این انتخابات چه از نظر فضای فهرست‌های انتخاباتی و چه از نظر نتیجه کاملا متفاوت با دو انتخابات قبلی بود. در این دوره برای اولین بار، تنها فهرست «فراطایفه‌ای» یعنی ائتلاف العراقیه به رهبری «ایاد علاوی» به اکثریت دست یافت. این نکته را باید از چند منظر مورد توجه قرار داد. در حالی که در انتخابات‌های پیشین، رویکردهای هویت‌گرای طایفه‌ای

۱ از همان دوره، حزب فضیلت توسط اطرافیان شیخ یعقوبی – که از شاگردان برجسته مرحوم سید محمد صدر بود – در دومین انتخابات، راه متفاوتی را دنبال کردند.
۲ البته باید در نظر داشت ائتلاف العراقیه به رهبری ایاد علاوی (نخست وزیر دولت انتقالی) نیز به ۴۰ کرسی دست یافت که بخشی از آنان اهل تسنن بودند.

حرف اول و آخر را می‌زد؛ این بار اکثریت نسبی به ائتلافی رسید که آشکارا به جنگ با رویکردهای هویت‌گرای طایفه‌ای آمده بود. نکته دوم این بود که در این انتخابات خبری از ائتلاف بزرگ شیعیان نشد و شیعیان بر اساس موضعی که نسبت به نخست وزیر وقت (نوری المالکی) داشتند، به دو دسته تقسیم گردیدند؛ حامیان وی در قالب ائتلاف «دولة القانون» متشکل شده و منتقدان و مخالفان نیز در قالب «العراقی الموحد» گرد آمدند. نکته قابل توجه در این زمینه، انشعاب نهایی «سازمان بدر» از «مجلس الاعلاء» بود که باعث شد تا بدر در دولة القانون و مجلس اعلاء در العراقی الموحد حضور یابد. نتیجه این وضعیت نیز دستیابی هادی العامری (رئیس سازمان بدر) به منصب وزارت بود. نکته سوم این انتخابات، مشارکت نسبتا بالای اهل تسنن می‌باشد و جالب‌تر این‌که قاطبه آراء اهل تسنن نه به فهرست‌های کاملا هویتی، بلکه به فهرست فراطایفه‌ای «العراقیه» به رهبری یک شیعه سکولار (ایاد علاوی) بود. برای این انتخابات می‌توان نکات بیش‌تری را برشمرد؛ اما ما به ذکر همین نکات اکتفا می‌کنیم تا نشان دهیم اولا فضای سیاسی عراق طی چهار سال دولت اول نوری المالکی تا چه حد سیال بود که گروه‌های سیاسی نتوانستند آرایش پیشین خود را حفظ کرده و ثانیا (مهم‌تر) بستر اجتماعی عراق بود که راهی کاملا متفاوت با فضای سیاسیون این کشور دنبال کرد.

انتخابات سال ۲۰۰۵ به عرصه زورآزمایی نوری المالکی و ایاد علاوی مبدل شد

مهم‌ترین مسئله مطرح شده در جریان انتخابات پارلمان، رقابت بر سر تشکیل دولت آینده و معرفی نخست وزیر است. اما در سال ۲۰۱۰ نظام سیاسی عراق راه کاملا متفاوتی نسبت به جامعه دنبال کرد. در حالی که طبق آراء مردمی، ائتلاف العراقیه به سرلیستی ایاد علاوی با گفتمان ضدیت با طایفه‌گرایی در صدر قرار گرفته بود؛ اما فهرست‌های دوم و سوم - که رویکردهای هویت‌گرایانه شیعی داشتند - بعد از انتخابات به ائتلاف روی آوردند و بعد از اختلافات حقوقی در سطوح عالی، نهایتا توانستند اختیار انتخاب نخست وزیر را از آنِ خود سازند. این اتفاقات دو پیامد روشن داشت. اولا در متن جامعه، فهرستی که حائز اکثریت آراء شده بود از تشکیل دولت بازماند؛ ثانیا هواداران فهرست سوم - که دال محوری‌شان مخالفت با نوری المالکی بود - عملا شاهد زد و بند و معامله رهبران فهرست مد نظر خود بودند که در ازای برخی لابی‌ها (مانند دریافت سهمیه در کابینه) به نخست وزیری نوری المالکی رأی دادند. پرواضح است که این وضعیت، چه شکاف مهمی را میان متن جامعه و نظام سیاسی ایجاد می‌کند.

انتخابات ۲۰۱۴

انتخابات چهارم در سال ۲۰۱۴ در حالی برگزار گردید که نزدیک به دو سال از آغاز قیام اهل تسنن (انتفاضه الانبار) می‌گذشت. علاوه بر آن اربیل نیز به کانون رایزنی علیه دولت مرکزی (نوری المالکی) تبدیل شده بود و سیاسیون فراری و تحت تعقیب به آن‌جا پناه می‌بردند. هم‌چنین سیاستمداران عرب شیعه و سنی علیه نوری المالکی در آن‌جا گرد هم می‌آمدند. در این دوره، گرایش‌های شیعی مخالف نوری المالکی از ائتلاف باز ماندند و هر کدام در فهرست جداگانه‌ای حضور یافتند. اهل تسنن نیز فاقد یکپارچگی بوده و بخش مهمی بار دیگر به تحریم انتخابات روی آوردند. در چنین فضایی، مشارکت در انتخابات در سطح پایینی قرار داشت[1]؛ اما نوری المالکی با ادبیاتی شدیدا طایفه‌گرایانه توانست به اکثریت نسبی دست یابد. این وضعیت در حالی بود که در بیت سنی و کردی بیش‌ترین واگرایی و مخالفت ممکن با نوری المالکی صورت گرفته بود. در سال ۲۰۱۴ خطر ظهور داعش، نه یک فرضیه روی کاغذ یا در حد برخی عملیات‌های تروریستی، بلکه یک خطر امنیتی بسیار بزرگ و ملموس بود. اساسا در شهر فلوجه انتخابات برگزار نشد؛ زیرا در اشغال داعش بود. در چنین فضایی تا پیش از انتخاب نخست وزیر بعد، داعش حمله به سامرا را کلید زد و پس از شکست در اشغال سامرا نیز بلافاصله اشغال موصل را در دستور کار قرار داد. مرجعیت عالی عراق در چنین وضعیتی به ماجرا ورود کردند تا گرایش‌های مرکزگرا در بیوت سنی و کردی به طور کامل از بغداد قطع امید نکنند. پیامد ورود مرجعیت، عدم تمدید دوره نخست وزیری نوری المالکی بود تا باعث شود ائتلاف دولة القانون به رهبری مالکی، «حیدر العبادی» را به عنوان نخست وزیر منتخب معرفی کند.

۱ نکته جالب این‌جاست که هیچ‌گاه آمار رسمی میزان مشارکت در انتخابات ۲۰۱۴ اعلام نشد و تنها منابع نزدیک به دولت از عبارت «حدود ۶۰ درصد» استفاده کردند! مشاهدات میدانی - به ویژه در استان‌های سنی‌نشین - خلاف این آمار تقریبی را نشان می‌داد.

در انتخابات سال ۲۰۱۴ ظهور داعش یاریگر حیدر العبادی در کنار زدن نوری المالکی از قدرت بود.

دوره حیدر العبادی را باید در چند سطح مورد توجه قرار داد. حیدر العبادی گرچه از دل حزب الدعوه برآمده بود، اما با دبیرکل (نوری المالکی) دچار اختلاف شد و راه خود را جدا ساخت. شکاف در جریانات سیاسی محدود به الدعوه نبود. دبیرکل وقت مجلس اعلاء (سید عمار حکیم) نیز انشعاب کرد و سازمان سیاسی جدیدی (تیار الحکمه) را تأسیس نمود. در سطح دیگری، نخست وزیر گفتمانی فراطایفه‌ای را در داخل و گرایش‌های فراتر از محورهای منطقه‌ای را در سیاست خارجی دنبال می‌کرد. به این‌ها باید بحث مبارزه با داعش را افزود که باعث شد تا «حشد الشعبی» در سطح جامعه به مثابه یک جنبش آزادی بخش و مبارز علیه تروریسم شناخته شود. گرچه «حشد الشعبی» یک جنبش درون زا و برآمده از فتوای مرجعیت بود؛ اما مانند هر تشکیلات نظامی دیگر به مرور سازمان‌یافته گردید و در ساختار آن، فرماندهی «سازمان حشد الشعبی» به گروه‌های متمایل به محور مقاومت و ایران رسید که بسیاری از آنان – عند اللزوم! – آماده ورود به حوزه سیاست و قدرت بودند.

انتخابات ۲۰۱۸

برای درک فضای اجتماعی انتخابات ۲۰۱۸، توجه به چند نکته جالب است. جریان صدر، در این انتخابات خود را در قامت مهم‌ترین بازیگر ضدسیستمی نمایش داد. مقتدی صدر به کلیه اعضای فراکسیون احرار (فراکسیون جریان صدر در پارلمان برآمده از انتخابات ۲۰۱۴) دستور داد تا در دوره جدید نامزد نشوند[1]. فراتر از آن با گرایش‌هایی مانند حزب شیوعی (کمونیست) دست به ائتلاف زد تا انقطاع خود از جامعه سیاسی وقت با ادبیات هویت گرایانه را نشان دهد. همین ائتلاف (سائرون) موفق شد از همه فهرست‌های انتخاباتی پیشی بگیرد و اکثریت نسبی آراء را به دست آورد. در رتبه دوم نیز «ائتلاف فتح» قرار گرفت که متشکل از بخشی از گروه‌های عضو حشد الشعبی بود و عمده بدنه آراء آن را نیز (بخشی از) حامیان حشد الشعبی تشکیل می‌دادند. همان طور که در بالا بیان گردید، حشد الشعبی در ابتدا یک جنبش غیرسیاسی آزادی بخش برآمده از فتوای مرجعیت اعلا بود و در نتیجه ائتلاف فتح نیز خود را جریان جدیدی می‌نامید که دارای فاصله معناداری از طبقه سیاسیون (سابق) عراق است. سومین فهرست برتر این انتخابات نیز «ائتلاف نصر» بود که گرچه نخست‌وزیر وقت (حیدر العبادی) رهبری آن را بر عهده داشت، اما مورد حمایت هیچ یک از احزاب شناسنامه‌دار سنتی نبود و می‌توان آن را «تلاش سیاسیون (عمدتا نسل دوم و تکنوکرات) عراق برای عبور از هژمونی احزاب سنتی» خواند. به این‌ها باید مشارکت مردمی بسیار پایین در انتخابات (مشارکت: ۴۴.۵۲ درصد) را اضافه کرد که بیانگر رویگردانی یا ناامیدی بخش مهمی از جامعه بود[2]. این میزان مشارکت عمومی و ترکیب آراء به خوبی نشان دهنده حجم شکاف میان بستر اجتماعی و نظام سیاسی عراق می‌باشد.

ائتلاف سائرون در سایه حمایت های مقتدی صدر در صدر جریان های حاضر در انتخابات ۲۰۱۸ قرارگرفت.

فضای بعد از انتخابات ۲۰۱۸ و رقابت برای تشکیل فراکسیون بزرگ‌تر و معرفی نخست وزیر را باید دوره سقوط اعتبار نظام سیاسی دانست که نه گروه‌های سیاسی – به ویژه گروه‌های مدعی ارزش‌های دینی و گرایش‌های هویت گرایانه مذهبی – به اصول خود وفادار ماندند[3] و نه

۱ البته برای این قاعده، یکی‌دو استثنا قائل شد که بحث آن در این مقال نمی‌گنجد.

۲ در این‌جا باید یادآوری کرد که بخشی از تحلیلگران ایرانی حوزه عراق، در آن زمان پیروزی جریان صدر را به همین مسئله کاهش مشارکت عمومی در انتخابات ارتباط دادند. همین تحلیلگران، اعتراضات خیابانی آغاز شده در اکتبر ۲۰۱۹ را نیز با نظریه توطئه توجیه توصیف کردند و با تحلیل‌ها و فضایی که در رسانه‌ها و اذهان مسئولین و نخبگان کشورمان ایجاد نمودند، ضربات خرد کننده و مهیبی به جایگاه ایران و مقاومت در افکار عمومی بدنه جامعه عراق وارد ساختند. مشکل اصلی این گروه، عدم شناسایی عوامل اصلی بود که باعث می‌شد در ریشه‌یابی از یک رخداد، به تفاسیری برسند که مولد تشدید بحران بود نه کاهش آن!

۳ به عنوان نمونه، تنها به ذکر همین مثال اکتفا می‌کنیم که «خمیس الخنجر» تنها سیاستمدار درجه اول عراقی بود که صراحتا از داعش حمایت کرد. با این حال در فضای رقابت برای تشکیل فراکسیون بزرگ‌تر، سران فراکسیون البناء (متشکل از رهبران نزدیک به محور مقاومت شامل ائتلاف فتح، ائتلاف دولة القانون، ریاست سازمان حشد الشعبی و...) با وی ائتلاف کردند. عکس یادگاری «خمیس الخنجر» در کنار «هادی العامری» و «نوری المالکی» به راحتی از اذهان ملت عراق پاک نخواهد شد.

نظام سیاسی چارچوب‌های حقوقی خود را حفظ کرد.[1]

اعتراضات اکتبر ۲۰۱۹ و ظهور جنبش تشرین

در چنین فضایی اعتراضات اکتبر ۲۰۱۹ موسوم به «جنبش تشرین» آغاز گردید. رویکرد تند ضدسیستمی جنبش تشرین به قدری مشهور بود که در بسیاری از اوقات به جنبش‌های آنارشیستی شبیه می‌شد. در فضای تحلیل‌های جامعه‌شناسانه سیاسی، جنبش تشرین را باید حاصل تقاطع سه جریان/شکاف عمده در متن جامعه دانست که نتوانسته بود نمود خود را در نظام سیاسی عراق نشان دهد. این سه جریان یا شکاف عبارتند از:

الف. شکاف نسل جدید و نسل قدیم؛

ب. شکاف میان گرایش‌های هویت‌گرای مذهبی و رشد گرایش‌های سکولار در سطح جامعه؛

ج. شکاف میان دولت و ملت در اثر سرخوردگی شدید متن جامعه از گروه‌های سیاسی

ظهور موج اعتراضی موسوم به جنبش تشرین در سال ۲۰۱۹ حاصل تقاطع شکاف های عمده میان جامعه و حاکمیت در عراق بود

تشریح هر کدام از این شکاف‌ها، مستلزم مقالات جداگانه‌ای است که به بررسی ریشه‌های جنبش تشرین اختصاص دارد. بحث ما در این جا ناظر به رویش احزاب جدید در فضای سیاسی فعلی عراق است و به ذکر عنوان این سه شکاف اکتفا می کنیم. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که شکاف نخست، به شکل کم‌رنگی خود را در انتخابات ۲۰۱۸ نیز نشان داده بود. شکاف دوم، تاکنون در فضای سیاسی عراق مجال نمود و نمایش نداشته و صرفا در سطح بسیار محدودی در سال ۲۰۱۰ خود را نشان داد و به سرعت سرخورده گردید. در واقع تمام شکاف‌های فوق الذکر، صرفا ناظر بر شکاف سوم است؛ اما باید دو شکاف نخست را نیز جدی گرفت. در پایان باید این نکته ضروری را متذکر شد که جنبش تشرین، یک جنبش در مفهوم دقیق جامعه‌شناسی آن نیست که دارای گفتمان مشخص، رهبران یا طبقه مرجع و... باشد. این جنبش را باید صرفا یک کنش سلبی ضدسیستمی دانست که به صورت نسبی واجد تکثر فکری و فرهنگی بوده و در بیش‌تر استان‌ها (به ویژه بغداد) این تکثرگرایی و عدم مرزبندی جدی در فضای داخلی آن باعث آزاد شدن گرایش‌های به حاشیه رانده شده در طول بیش از یک دهه شده بود و برجسته‌سازی همین گرایشات توسط رسانه‌های وابسته به جریانات سیاسی، به آنان وزن بیش‌تری نیز اعطا نمود.

جایگاه جنبش تشرین در معادلات سیاسی و اجتماعی عراق

موفقیت نسبی جنبش تشرین در دستیابی به اهداف اولیه خود مانند سقوط نخست وزیر، تغییر قانون انتخابات، تصویب برگزاری زودهنگام انتخابات و... اعتماد به نفس مضاعفی به این جریان بخشید. استمرار تحصن در میادین اصلی شهرها تا زمان شیوع کرونا، فرصت ویژه‌ای در اختیار حاضرین در میادین تحصن قرار داد تا به کادرسازی روی بیاورند. طبعا این موارد، بازتاب روشنی در فضای سیاسی عراق نیز پیدا می کند. در بخش «اهمیت مسئله»، یک بحث نظری در مورد شکاف‌ها و جنبش‌هایی که بر این شکاف‌ها پدید می‌آیند، ارائه گردید. سه راهکار پیش‌گفته را مورد توجه قرار دهید. می‌توان گفت هر سه راهکار، امروزه نیز مورد توجه بخشی از فعالین جنبش تشرین قرار دارد. بخشی از آنان به تأسیس احزاب روی آورده و اعتقاد دارند از طریق تشکیل احزاب و ورود رسمی به سازوکار حوزه قدرت است که می‌توان تغییرات مدنظر را اعمال کرد. بخشی نیز در همین طیف، «تکوین احزاب» را یک فرآیند طبیعی می‌دانند که تعجیل در آن، باعث تولد نوزاد نارس می‌گردد و به جای تأسیس احزاب، تشکیل جبهه‌های سیاسی را پیشنهاد می‌دهند. دسته دومی نیز با تبیین‌های کلی که از فضای سیاسی کلی

۱ به عنوان نمونه، ذکر این نکته کفایت می‌کند که در حالی این پارلمان به سال آخر خود رسیده که هنوز هم از نظر حقوقی، مصداق «الکتله الاکبر» مشخص نشده است. در حالی که طبق قانون اساسی، باید فراکسیون بزرگ‌تر در جلسه اول پارلمان مشخص شده باشد تا نخست وزیر را معرفی کند.

عراق ارائه می‌دهند، قائل به حمایت و تقویت بخشی از جریانات سیاسی موجود هستند. در این زمینه نیز رقابت بسیار شدیدی میان احزاب و جریانات فعلی وجود دارد. دسته سومی نیز وجود دارند که به کلی مخالف تشکیل احزاب یا حمایت از احزاب موجود بوده و هرگونه تعامل با طبقه سیاسیون عراق را به منزله آلوده شدن به فساد می‌دانند. این دسته را می‌توان در دو جناح «گفتمان‌سازی اجتماعی» و «مبارزه منفی با کلیت نظام سیاسی» تفکیک کرد. گروه نخست، بر فضای اجتماعی عراق شامل رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و... تمرکز کرده‌اند و حتی اخیرا به تشکیل سازمان‌های حقوقی برای شکایت از سیاسیون در کشورهای خارجی روی آورده‌اند. گروه دوم اما صرفا رویکرد افراطی ضدسیستمی داشته و به معنای دقیق کلمه می‌توان آن‌ها را «انقلابی» دانست که نه‌تنها قصد سرنگونی نظام سیاسی را دارند؛ بلکه هرگونه تعامل مثبت با نظام سیاسی را خیانت به خون‌های ریخته شده در اعتراضات تشرینی می‌خوانند. نکته بسیار مهمی که باید در مورد هر سه دسته فوق مورد توجه قرار داد، سابقه سیاسی اندک عمده بازیگران هر سه دسته است که باعث می‌شود نسبت به «عمق باور فرد نسبت به گفتمانی که تبلیغ می‌کند»، «میزان دقت تصویری که از نظام سیاسی در ذهن دارد و تطابق آن با واقعیت خارجی»، «میزان نفوذپذیری گروه‌های جدید از احزاب قدیمی یا سرویس‌های خارجی» و... ابهامات جدی ایجاد گردد و در نتیجه چشم‌انداز عراق را در کوتاه‌مدت و میان‌مدت با ابهام بیش‌تری مواجه می‌سازد. علاوه بر سه دسته فوق الذکر که برآمده از جنبش تشرین هستند، باید گروه‌های سیاسی و چهره‌های باسابقه سیاسی را نیز مورد توجه قرار داد. در این‌جا باید ابتدا مفهوم «چهره‌های باسابقه سیاسی» را تبیین کرد. چهره‌های باسابقه سیاسی به صورت کلی در سه دسته قابل تقسیم هستند:

الف. افراد مؤثر در احزاب و جریان‌های سیاسی؛

ب. افراد مؤثر در حوزه سیاست که عضو هیچ یک از احزاب و سازمان‌های اصلی نیستند و پیش از اکتبر ۲۰۱۹ نیز نگاه انتقادی خود نسبت به وضع موجود را ابراز کرده‌اند؛

ج. افرادی که عضو احزاب و جریانات سیاسی بوده‌اند؛ اما عضویت در سازمان‌ها یا شبکه‌های سیاسی باعث تحدید مواضع و فعالیت آنان شده بود و حالا فرصت را مناسب می‌دانند تا با خروج از ساختار پیشین، حزب متبوع خویش را در فضای جدید تشکیل دهند. در میان این سه دسته، باید دسته اول را در قالب «گروه‌های سیاسی باسابقه» تحلیل کرد که در بند بعدی مورد توجه قرار می‌گیرند. دسته دوم، در فضای کنونی مانند فعالین جنبش تشرین عمل می‌کنند؛ حتی اگر نسبت به جنبش تشرین نگاه مثبتی نداشته باشند. به این ترتیب در این سه دسته، هر سه رهیافت تشرینی‌ها را می‌توان مشاهده کرد؛ گروهی در پی تأسیس احزاب سیاسی بوده، گروهی در پی تقویت برخی احزاب موجود برآمده و گروه سومی صراحتا به نفی و رد مداخله در سازوکارهای سیاسی موجود می‌پردازند و گفتمان‌سازی اجتماعی را

در دستور کار قرار داده‌اند. دسته سوم اما عمدتا به همان رهیافت نخست روی آورده‌اند: «تشکیل احزاب جدید». در کنار «چهره‌های باسابقه سیاسی» باید «گروه‌های باسابقه سیاسی» را نیز مورد توجه قرار داد. در این زمینه نیز می‌توان گروه‌های سیاسی را به سه دسته تقسیم نمود:

الف. گروه‌های سیاسی که قصد بهره‌برداری از فضای پساتشرین را دارند. (مشخصا در پی سامان دادن سازوکارهای معطوف به رهیافت دوم از رهیافت‌های مد نظر تشرینی‌ها)؛

ب. گروه‌های سیاسی که در پی جلب آراء ضدتشرینی و تقویت گفتمانی و همونده‌ی بدنه آراء خود هستند تا در فضای تکثیر گسترده آراء در جامعه عراق - که به توزیع آراء می‌انجامد و سبد رأی هر جریان را کاهش می‌دهد - بتوانند به اکثریت نسبی دست یابند؛

ج. گروه‌هایی که در فضای کنونی، قدرت ابتکار عمل را از دست داده‌اند یا ترجیح می‌دهند در این فضا، چندان ورود جدی نداشته باشند تا بستر مناسب‌تری در آینده برایشان فراهم شود.

با توجه به این که بحث اصلی این مقاله، صرفا «ظهور احزاب جدید» است، به ذکر کلیت این سه دسته اکتفا می‌کنیم. در ادامه مقاله، دسته اول را «جناح اصلاح‌طلب»، دسته دوم را «جناح محافظه‌کار» و دسته سوم را «جناح حاشیه‌ای» می‌خوانیم.

با توجه به موارد پیش‌گفته اولا از سوی تشرینی‌ها و ثانیا از سوی چهره‌های باسابقه سیاسی، بحث تشکیل احزاب جدید در دستور کار است و به همین جهت شاهد ظهور گسترده احزاب و سازمان‌های سیاسی جدید هستیم. فضای فعلی از سوی برخی منتقدین، به «رشد قارچ‌گونه» احزاب تشبیه شده است. با توضیحاتی که در بخش نخست مقاله ارائه گردید، علت العلل این وضعیت را باید «شکاف عمیق میان جامعه و نظام سیاسی» عراق دانست.

چشم انداز پیش روی احزاب جدید در آستانه انتخابات ۲۰۲۱ پارلمان عراق

اولین نکته که تقریبا محرز و قطعی می‌نماید، تداوم روند ظهور احزاب جدید است. همزمان با تأسیس احزاب جدید، فرآیند چیدمان‌های انتخاباتی نیز شکل جدی‌تری پیدا خواهد کرد و شاهد شکل‌گیری ائتلاف‌ها و مذاکرات پیش از تعیین فهرست نهایی خواهیم بود. بی‌تردید در این دوره، جناح‌های اصلی حاضر در انتخابات فضای متفاوتی نسبت به ادوار پیشین خواهند داشت که بخشی از آن ناشی از فضایی است که در این مقاله تشریح گردید.

به صورت نسبی می‌توان پیش‌بینی کرد که مشارکت در انتخابات آینده نیز کم‌فروغ خواهد بود و شاید تنها بتواند نسبت به ۲۰۱۸ کمی بهتر شود. اما در کل، بحران «بی‌اعتمادی» ناشی از تعمیق شکاف دولت- ملت عراق را نمی‌توان به راحتی رفع کرد. به همین جهت، احزاب جدید نیز راه سختی را در پیش دارند تا بتوانند حائز اکثریت پارلمان شوند. احزاب جدید در آستانه انتخابات، با سه چالش جدی مواجه هستند. چالش‌هایی که حتی می‌تواند باعث فروکش کردن هیجانات و اقبال به تعدادی از این احزاب شود. این چالش‌ها عبارتند از:

الف. اقناع افکار عمومی برای مشارکت در انتخابات و امکان تغییر در فضای غالب موجود؛

ب. رقابت با احزاب و جریان‌های ریشه‌دار و قدیمی که در صدد همگام‌سازی خود با تحولات و کاهش شکاف نظام سیاسی و جامعه برآمده‌اند. (رهیافت دسته دوم تشرینی‌ها)؛

ج. چالش اتهام «فرصت‌طلبی» برای رسیدن به «نردبان قدرت» که از سوی گرایش‌های رادیکال علیه احزاب جدید مطرح می‌شود. این چالش هم برای احزاب برآمده از جنبش اجتماعی صادق است هم برای احزاب برآمده از چهره‌های باسابقه سیاسی.

بی‌شک احزاب قدیمی و محافظه‌کار نیز بر این فضا می‌دمند تا احزاب جدید را با چالش‌های جدی‌تر و عمیق‌تری مواجه سازند.

با توجه به عدم اقبال عمومی گسترده به انتخابات، محتمل‌ترین سناریوی قابل پیش‌بینی را باید پیروزی (اکثریت نسبی در پارلمان) یکی از احزاب ریشه‌دار و قدیمی دانست. در این شرایط، مهم‌ترین چالش برای نظام سیاسی، ائتلاف‌های پساانتخاباتی برای تشکیل بزرگ‌ترین فراکسیون پارلمان است. در این‌جا نیز چند سناریوی ذیل را می‌توان پیش‌بینی کرد:

الف. ائتلاف فهرست پیروز انتخابات با مجموعه‌ای از احزاب (شامل احزاب نوظهور) برای معرفی نخست وزیر؛

ب. ائتلاف فهرست پیروز انتخابات با مجموعه‌ای از احزاب قدیمی یا احزاب جدیدی که توسط چهره‌های سابقا حزبی تأسیس شده است؛

ج. ائتلاف مؤثر احزاب نوظهور و کنار زدن احزاب قدیمی؛

پیش از این به ترتیب رهیافت‌های تشرینی‌ها و چهره‌های باسابقه سیاسی را بیان کرده‌ایم. نسبت سناریوهای فوق با حاملان هر کدام از رهیافت‌های پیش‌گفته را در جدول ذیل مشاهده می‌کنید:

سناریوهای محتمل انتخابات پارلمانی عراق

سناریو	ایده‌آل نسبت به تشرینی‌ها	ایده‌آل نسبت به چهره‌های سیاسی
اول	رهیافت دوم	رهیافت اول و سوم
دوم	رهیافت سوم	هیچ کدام (در برخی حالت‌ها: قابل قبول برای رهیافت دوم)
سوم	رهیافت اول	رهیافت دوم

یکی از تعیین کننده‌ترین مسائل در جدول فوق، پیش‌بینی ائتلاف، جریان یا حزبی (ریشه‌دار و قدیمی) است که موفق می‌شود بزرگ‌ترین فراکسیون پارلمان را تشکیل دهد. با توجه به دو مؤلفه «جریان پیروز» (جناح محافظه‌کار یا جناح اصلاح‌طلب) و میزان مشارکت عمومی در انتخابات، می‌توان چند حالت را برای مسئله اصلی این مقاله (شکاف دولت- ملت) متصور بود.

تأثیر میزان مشارکت سیاسی بر نتایج احتمالی در انتخابات پارلمانی عراق

میزان مشارکت / جناح پیروز	جناح محافظه کار	جناح اصلاح‌طلب
بسیار بالا (بازگشت به دوره مشارکت بیش از ۶۰ درصد)	عبور نسبی نظام از بحران {سناریوی خوب و نیمه‌مطلوب}	تبدیل تهدید فعلی (شکاف عمیق دولت ملت) به فرصت برای بازسازی و اصلاح پایستار نظام سیاسی {سناریوی مطلوب اما دارای ظرافت و ریسک معنادار}
مشارکت قابل قبول (حد میانه انتخابات‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۸)	ریسک بسیار زیاد در زمینه توانایی برای جلب نظر نخبگان و توده‌ها {سناریوی نامطلوب؛ اما تا حدی قابل قبول}	یکی از آخرین فرصت‌ها برای التیام شکاف‌های موجود در جامعه و همزمان پیشبرد جدی اصلاحات ساختاری {سناریوی نامطلوب اما قابل قبول}
مشارکت پایین (کم‌تر از ۲۰۱۸)	تشدید تهدید سقوط نظام سیاسی	تشدید تهدید سقوط نظام سیاسی {با ریسک و سرعت کم‌تر نسبت به حالتی که پیروز، جناح محافظه‌کار باشد}

پیش‌فرض هر کدام از سناریوهای فوق در این است که دولت منتخب برآمده از فراکسیون اکثریت، از کارآمدی و ثبات کافی برخوردار باشد و بتواند رضایت عمومی را به صورت نسبی جلب کند. در صورتی که از این کار بازماند، در هر سناریویی نظام سیاسی به سقوط نزدیک‌تر می‌شود؛ زیرا حتی اگر دولت توسط نیروهای نوظهور منتقد ۱۶ سال اخیر نیز تشکیل شده و کارآمد باشد، بدیل اصلی در عموم جریان نه بازگشت به فضای جناح محافظه‌کار، بلکه عبور از کلیت نظام سیاسی خواهد بود. هرچند در این صورت (تشکیل دولت ناکارآمد یا بی‌ثبات که باعث افزایش نارضایتی عمومی شود) نیز مسجل است تشکیل دولت توسط محافظه‌کاران، ریسک به مراتب بیش‌تری دارد و فرآیند سقوط نظام سیاسی را تسریع می‌کند. این تقسیم‌بندی زمانی دقیق‌تر می شود که با جدول پیشین ادغام گردیده و یک ماتریس را تشکیل داد. ضمن این‌که در ترکیب دو جدول، باید همه حالت‌های ممکن را در نظر گرفت. مثلا در حالتی که «یکی از جریانات محافظه‌کار (یا ائتلاف بزرگ محافظه‌کاران) بتواند در صدر فهرست‌های انتخاباتی قرار گیرد؛ اما جناح اصلاح‌طلب در ائتلاف با احزاب نوظهور بتواند فراکسیون بزرگ‌تری در پارلمان تشکیل دهد» وضعیت تحلیل کاملا متفاوت با زمانی خواهد بود که «یکی از جریانات ریشه‌دار جناح اصلاح‌طلب حائز اکثریت نسبی در انتخابات گردد و از موضع قدرت، فراکسیون بزرگ‌تری را شکل دهد که بخشی از آن شامل احزاب نوظهور، بخشی شامل محافظه‌کاران و بخشی شامل گروهی از طیف‌های اصلاح‌طلب» است. هم‌چنین هر کدام از سناریوها را در تحلیل‌های دقیق‌تر باید به زیرسناریوهای جزئی‌تر تقسیم کرد. به عنوان نمونه، ائتلاف تشرینی‌ها با جریان صدر فضای کاملا متفاوتی نسبت به ائتلاف آنان با عمار حکیم خواهد داشت؛ گرچه هر دو را در تقسیم‌بندی کلی، در زمره جناح اصلاح‌طلب قرار داده‌ایم. اما ما در این‌جا به تقسیم‌بندی‌های اصلی اکتفا کرده‌ایم؛ زیرا «طرح بحث» را رسالت اصلی این مقاله می‌دانیم. اگر این مقاله باعث توجه بیش‌تر نخبگان و دلسوزان به مسائل اصلی و مبنایی – مانند شکاف دولت ملت – شود و افق دید را از رقابت‌های کوتاه‌مدت برای کسب قدرت به نگرش‌های بلندمدت و میان‌مدت ارتقا دهد، هدف نگارنده تحصیل شده است. لازم به ذکر است در تقسیم‌بندی‌های فوق، یک دسته از حالت‌های ممکن را در نظر نگرفتیم: حالتی که جریان‌های نوظهور بتوانند حائز اکثریت آراء شوند. برخلاف طمطراق اولیه، جریان‌های نوظهور از بخت کم‌تری برای پیروزی برخوردارند؛ زیرا فاقد فاکتورهای مؤثر برای پیروزی مانند سازماندهی، تجربه (در فردای انتخابات و تا پیش از تشکیل نخستین جلسه پارلمان، اهمیت مضاعفی پیدا می کند)، پشتوانه مالی، ضریب بالای وفاداری تشکیلاتی و... هستند. با این حال در صورتی که این جریانات به پیروزی برسند، مهم‌ترین چالش را باید توانایی آنان در تشکیل دولت دانست. در این‌جا – البته با توجه به وزن آراء هر حزب و فهرست انتخاباتی – باید سناریوهای مختلفی را پیش‌بینی کرد که بدون توجه به وزن آراء از دقت پایینی برخوردار خواهند بود. اگر بخواهیم مؤلفه وزن هر فهرست انتخاباتی را وارد نکنیم، در آن صورت به جدول فوق – با برخی تغییرات جزئی – خواهیم رسید. در حالتی که احزاب نوظهور بتوانند نخست‌وزیر را از میان خودشان برگزینند، وضعیت کاملا متفاوت خواهد بود و شاید بتوان گفت بیش از ۸۰ درصد مسئله به دو فاکتور «مصداق جریانی که حائز اکثریت می‌شود» و «میزان آراء رقبای آن» بستگی دارد. به عنوان نمونه پیروزی فردی مانند «فائق الشیخ علی» نسبت به پیروزی فردی مانند «حیدر العبادی» وضعیت کاملا متفاوتی دارد. هم‌چنین این نکته که وزن بقیه جریانات حاضر در پارلمان چه میزان باشد نیز در این معادله به شدت مؤثر است. به همین جهت، به طور کلی این دسته از حالت‌ها را فعلا وارد محاسبات خود نکرده‌ایم. در پایان باید گفت در صورتی که احزاب نوظهور دولت تشکیل دادند، حتی موفقیت آنان در جلب نظر عمومی، ثبات و کارآمدی نیز لزوما عامل پیشران یا پسران در مسیر استقرار نظام سیاسی نخواهد بود، بلکه روابط فیمابین و کنش‌های متقابل دولت منتخب با سه دسته کلی نهادها و سازمان‌های «دارای تسلیحات» (نظامی، شبه‌نظامی و امنیتی)، «احزاب سیاسی» و «رسانه‌ها و جامعه مدنی» می‌تواند باعث اصلاح – و حتی تثبیت – نظام سیاسی یا برعکس باعث تسریع در روند سقوط نظام سیاسی شود.

ملاحظات و هشدارها

۱. به نظر می رسد مسئله اصلی برای جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت (به عنوان جریانِ فراتر از کشور عراق)، باید همین شکاف عمیق میان جامعه و نظام سیاسی عراق باشد. با توجه به مسائل دیگری مانند بافت اجتماعی جنوب عراق (نظام قبائلی)، دسترسی گسترده ملت عراق به تسلیحات سبک، گروه‌ها و سازمان‌های غیررسمی و رسمی مسلح در شمار فراوان، رقابت‌های سیاسی شدید و وجود سازمان‌های امنیتی موازی، ساختار به شدت ناکارآمد و فاسد اما در عین حال دموکراتیک نظام سیاسی عراق، و... باید توجه داشت که شاید این انتخابات یکی از آخرین فرصت‌ها برای نظام سیاسی فعلی باشد تا از جنگ داخلی یا طوفان

انقلابی‌گری علیه کلیت نظام سیاسی ممانعت به عمل آورد[1].

۲. صرف نظر از هر قضاوتی که نسبت به نظام سیاسی موجود داشته باشیم، باید توجه داشت که اگر مسیر ابقا یا اصلاح آن را نتوان در چهارچوب سازوکارهای رسمی کانالیزه کرد، خطرات بزرگ‌تری در تندباد حوادث عراق می‌تواند پدید آید. (مانند جنگ داخلی، کودتای نظامی، تجزیه رسمی یا غیررسمی و...) در همین جا نقش فرادولتی گروه‌های مرجع ونظام‌بخش جامعه مانند مرجعیت اعلا - که هوشمندانه، دامنه اثرگذاری خود را از سطح شیعیان به کل جامعه عراق گسترانده است - از اهمیت مضاعفی برخوردار است.

۳. بزرگ‌ترین مشکل مقاومت چه در سال ۲۰۱۰ و به خصوص در سال ۲۰۱۸، غلبه نگرش‌های کوتاه‌مدت بر بلندمدت بوده است. این نکته را به وضوح می‌توان در کنش فعالین سیاسی و مهم‌تر از آن در تحلیل‌های ناظران و استراتژیست‌های نزدیک به محور مقاومت مشاهده کرد. به این‌ها باید معضل «مسئله‌شناسی» و اولویت‌شناسی در مسائل موجود را افزود. قطعا اگر این آسیب‌ها دامنگیر ما نبود، مشکلات ۲۰۱۸ به بعد پدید نمی‌آمد و فراتر از آن ظرفیت قابل توجه سرمایه اجتماعی حشد الشعبی می‌توانست ضامن بالندگی و تعمیق فرهنگ مقاومت در بطن جامعه عراق شود.

۴. داعیه این مقاله بر این است که مسئله اصلی مقاومت در عراق باید «بقای نظام سیاسی» باشد که در این زمینه اصلاحات ساختاری و بنیادین، جزء تفکیک‌ناپذیر و غیرقابل صرف نظر برای بقای کلیت نظام سیاسی است. به تعبیر دقیق‌تر، «اصلاح روشمند و سیستماتیک» یگانه راه بقای نظام سیاسی می‌باشد. اگر نظام سیاسی نسبت به اصلاح ساختاری و مبنایی خود تعلل ورزد، مقاومت یا نهایتا باید در برابر خیزش‌های رادیکال ضد کلیت نظام موضع نهایی و قطعی اتخاذ کند - که پیامدهای آن حداقل یکی‌دو دهه دامنگیر مقاومت خواهد شد - یا باید به سمت دو سناریوی زیان بار و به شدت نامطلوب «حکومت نظامیان» یا «دخالت مستقیم خارجی» برود. لازم به ذکر است که حاملان اصلاح ساختاری و مبنایی، لزوما جناح اصلاح‌طلب مذکور در جدول بالا نمی‌باشد. جناح اصلاح‌طلب ناظر بر جریاناتی است که به راحتی نسبت به سابقه نظام سیاسی عراق خصوصا بازه زمانی حکمرانی حزب الدعوه و هم‌چنین دولت عادل عبدالمهدی می‌توانند ابراز انزجار و برائت کنند[2].

۵. یکی از رهیافت‌هایی که طی یک سال اخیر - بعد از موج اولیه انکار یا دشمن خواندن «اعتراضات اکتبر» - در فضای کارشناسی داخلی مطرح شده، پیشنهاد خروج مقاومت بر سیستم و تبدیل شدن آن به بازیگری ضد سیستمی است. این رهیافت به شدت آسیب‌زا بوده و نه‌تنها قابل تحقق نیست؛ بلکه حرکت به سمت آن نیز هزینه‌های گزافی به مقاومت وارد می‌کند. ضمن این که به فرض تحقق‌پذیری نیز اشکالاتی بر آن مترتب است که باعث می‌شود رهیافت نامطلوبی ارزیابی شود. نقد این رهیافت، مقاله مجزایی می‌طلبد و در این مجال نمی‌گنجد. نگارنده در این‌جا صرفا این نکته مهم را گوشزد می‌کند که حضور مقاومت در نظام سیاسی موجود، تنها گزینه قابل اعتنای ما بوده و باید در صدد اصلاح، ترمیم و بقای سیستم باشیم؛ نه این که خودمان به بازیگر ضدسیستمی بدل گردیم.
۶. در پایان باید توجه داشت که هرگونه تلاش برای اصلاح بنیادین نظام سیاسی، مستلزم تقابل با منافع برخی احزاب و صاحبان قدرت در عراق است. با توجه به گستره وسیع فساد در عراق و آلوده شدن بسیاری از جریانات و شخصیت‌های سیاسی و مستثنی نبودن چهره‌ها و احزاب نزدیک به مقاومت از این وضعیت، بی‌تردید هرگونه جراحی نظام سیاسی می‌تواند در تضاد با منافع بازیگران عراقی مقاومت قرار گیرد. در چنین شرایطی، جراحی درونی شجاعت و دقت مضاعفی را می‌طلبد و نباید به دام «اعتماد به نیروهای میدانی» افتاد.

۱ در بخش «اهمیت مسئله» این نکته را نوشته‌ایم:
«انتخابات به مثابه سازوکاری است که بخشی از شکاف میان جامعه و نظام سیاسی را پر کرده یا به تعبیر دیگری از انباشت مطالبات ضدسیستمی ممانعت به عمل می‌آورد. هرچند همین انتخابات اگر به نحوی تحدید یا محصور گردد که انگیزه «برون‌رفت از وضع موجود» را برای رأی‌دهندگان کاهش دهد، این کارکرد انتخابات نیز به حداقل می‌رسد و باید منتظر طوفان‌های توده‌وار یا جنبش‌های ضدسیستمی بود که ساختار و چارچوب‌های نظام سیاسی را به طور جدی تحت تأثیر قرار می‌دهند.»

۲ یکی از مواردی که در نگاه اولیه ممکن است متناقض برسد، شخصیت «حیدر العبادی» است که ۴ سال نخست وزیر بوده؛ اما امروز به راحتی می‌تواند علیه کلیت نظام سیاسی ابراز انزجار و برائت کند. موضع و موقعیت حیدر العبادی، چنین ظرفیتی را برای وی پدید آورده که شرح آن نیازمند مقالات تحلیلی مجزایی است. به هر حال او به خوبی این نکته را جا انداخته که قربانی احزاب بزرگ‌تر و نظام محاصصه شده است.

بازی پیچیده مقتدی صدر در انتخابات؛ سودای رهبر جریان صدر برای رهبری عراق

علیرضا مجیدی
کارشناس مسائل عراق و شامات

مقدمه

رفتار انتخاباتی مقتدی صدر را نباید منفک از برنامه های سیاسی کلان وی تحلیل نمود؛ زیرا او بر اساس برنامه های کلانی که برای آینده میان مدت در نظر دارد، رفتار انتخاباتی خود را سامان می دهد. به این ترتیب اگر بخواهیم رفتار انتخاباتی وی را بدون توجه به ملاحظات برنامه کلان وی تحلیل کنیم، تحلیل جامع و منسجمی از مواضع وی نخواهیم داشت. در مقاله حاضر، این مسئله را بررسی می کنیم. در تحلیل روند گذشته، باید سه مقطع را از یکدیگر جدا کرد. این سه مقطع را بدین شکل از یکدیگر تفکیک می کنیم:

۱. تلاش صدر برای سانسور چهره سیاستمدار مداخله‌گر اما مردمی و دارای فاصله معنادار از قدرت (اصلاح گراجتماعی)

در پی سقوط صدام، مقتدی صدر با بهره برداری از دو فاکتور «پایگاه اجتماعی جریان صدر» (میراث پدر) و «خلأ پدید آمده در دوره تأسیس نظام جدید سیاسی»، سازمان شبه نظامی «جیش مهدی» را تاسیس کرد. این در حالی است که با تأسیس نظام جدید سیاسی دیگر احزاب سیاسی شاخه نظامی خود را تعطیل یا در دولت ادغام کردند؛ مانند «مجلس اعلاء» که اعلام کرد «سپاه بدر» تغییر کاربری می دهد و به یک سازمان جهاد سازندگی تبدیل می شود. به این ترتیب جیش المهدی، یکی از وجوه تمایز صدر از دیگر جریانات سیاسی بود و فاصله آن ها از نظام سیاسی را نشان می داد. در سال های بعد مقتدی صدر و جیش المهدی «مبارزه با آمریکا» را به مثابه «اشغالگر عراق» در دستور کار قرار دادند. در آن زمان اکثر روحانیون و جریانات سیاسی شیعی رابطه حسنه ای با آمریکا داشتند و همین موضوع باعث شد

ویژگی برجسته و متمایز کننده جیش المهدی همین مبارزه با آمریکا در بیت شیعه باشد. البته باید توجه داشت در همان زمان در بیت شیعی، گروهی مانند «کتائب حزب الله» نیز علیه آمریکا دست به اسلحه برده بود؛ اما نکته مهم این است که جیش المهدی در درجه اول یک جریان اجتماعی بود تا جریان سازمان مسلحانه و به همین جهت بدنه مردمی آن موتور مبارزه فرهنگی اجتماعی باآمریکاواشغالگرخواندن آن در بیت شیعه بودند. در نتیجه «برند مبارزه با اشغالگر» در بیت شیعی عملاً به نام جریان صدر سکه خورد. در این بین سال ۲۰۰۸ و عملیات «صوله الفرسان» را باید یکی از نقاط عطف تاریخ سیاسی عراق (به ویژه در نیمه دوم دهه اول‌قرن جدید) درنظرگرفت. این عملیات به درخواست آمریکا و به دستور نوری المالکی توسط ارتش عراق انجام

شد و هدف آن نابودی کامل جیش المهدی بود. در پی این عملیات، استان های جنوبی به ویژه بصره، میسان و نجف شاهد درگیری شدید ارتش عراق با جیش المهدی بود. پیروز نهایی این عملیات - بی تردید - ارتش عراق و نوری المالکی بودند. گرچه این عملیات در بعد نظامی به هدف خود رسید؛ اما در بعد سیاسی راه را بر هرگونه همکاری یا ائتلاف میان صدر و المالکی برای همیشه بست؛ به طوری که در بیت شیعی، قطب ضدیت با مقتدی صدر را نوری المالکی می‌دانند و متقابلاً بزرگترین مخالف المالکی را صدری ها می خوانند. یکی از پیامدهای این عملیات، فاصله گیری جدی مقتدی صدر از تهران در درجه اول و از جریانات سیاسی شیعی غالب آن زمان در درجه بعدی است. این موضوع در سال ۲۰۱۰ و نقش ایران در تمدید دوره المالکی و همچنین همراهی نهایی ابراهیم جعفری و سید عمار حکیم با نوری المالکی علیه ایاد علاوی به اوج خود رسید.

ازآن زمان مقتدی صدر همواره خارج از ائتلاف های سیاسی و به صورت مستقل در انتخابات شرکت کرده و در فضای عمومی عراق نیز شعار «نه شرقی نه غربی» را سر می دهد که مصداق بارز شرق و غرب به ترتیب ایران و آمریکا هستند. از همین منظر، صدری ها خود را یک جریان اصیل بومی و ملی گرا و در عین حال مذهبی می خوانند. این وضعیت در سال های پایانی دولت نوری المالکی به اوج خود رسید؛ زیرا بخشی از ارکان و فرماندهان جیش المهدی و اطرافیان صدر پدر، راه خود را در حالی از مقتدی جدا کردند که آشکارا به سمت ایران چرخیدند. نسل پیشین کسانی که راه خود را جدا کردند (مانند «شیخ محمد یعقوبی»)، بعد از اختلاف با مقتدی راه مستقل خود را ادامه دادند؛ اما این نسل جدید – مانند «اکرم الکعبی»، «قیس الخزعلی»، «ابو آلاء الولایی» و... – در فاصله کوتاهی بعد از انشعاب از مقتدی، آشکارا جانب ایران را گرفتند و حتی به این کار مباهات کردند. مقتدی صدر این رخدادها را نشانه برنامه سیستماتیک ایران برای ضربه زدن به خود می دانست و نسبت به تهران بیش از پیش زاویه گرفت. با ظهور داعش، صدری ها از نخستین جریاناتی بودند که به میدان آمدند و این موضوع اعتبار اجتماعی آنان را بالاتر برد. ضمن این که – بعد از اشغال فلوجه – نخستین عملیات گسترده و جدی داعش برای اشغال یک شهر، در سال ۲۰۱۴ در سامراء صورت گرفت و صدری ها به عنوان مدافعین حرم در صف مقدم دفاع از حرم مطهر عسکریین قرار داشتند. در چنین فضایی، اقبال به «سرایا السلام» (تشکیلات نظامی جدید صدری ها) به شدت افزایش یافت. در سال های بعد، صدری ها شاید تنها جریان مهم در بیت شیعی بودند که همزمان با مبارزه بغداد علیه داعش،

در بغداد تجمعات مردمی و خیابانی خود را جهت اهداف سیاسی یا آن چه «جنبش اصلاحات» می خواندند برگزاری می کردند. در آن زمان شعار و جهت گیری اصلی آن ها به ترتیب «حی علی الاصلاح» و «نقد تیز و شدید کلیت نظام سیاسی و طبقه سیاسیون و مسئولین عراقی» بود. در این زمینه می توان به واقعه حمله طرفداران صدر به پارلمان عراق یا سر دادن شعارهایی از قبیل «ایران برا برا» (ایران بیرون برو) یا «سید صدر ربانی/یا قاسم سلیمانی» اشاره کرد که در فضای رسانه ای و سیاسی جهان عرب به صورت ویژه در داخل عراق بازتاب بسیار گسترده‌ای داشت. انتخابات ۲۰۱۸ – از این نظر – نقطه عطف مهمی محسوب می‌شود. صدری ها که خود را منتقد کلیت نظام سیاسی یا حداقل طبقه سیاسیون می‌خواندند، در انتخابات توانستند بالاترین رأی را در میان فهرست های مختلف انتخاباتی کسب کنند. حال صدری ها در آستانه تشکیل دولت یا معرفی نخست وزیر بودند. این در حالی بود که آن ها آمادگی کافی برای تشکیل دولت را نداشتند و طی تمام سال های پیش از آن، جریان صدر یک جریان منتقد بوده و بر اساس آرمان گرایی رادیکال و رویکرد سلبی رشد کرده بودند. از طرف دیگر تحولات بعد از انتخابات به صورتی بود که تنها از طریق ائتلاف با دیگر گروه های سیاسی می شد بزرگترین فراکسیون را تشکیل داد و در نتیجه نخست وزیر را معرفی نمود. در همین چارچوب صدری ها ابتدا در صدد مشارکت برای تاسیس بزرگترین فراکسیون - با مشارکت سید عمار حکیم، حیدر العبادی و... - به نام فراکسیون اصلاح بودند؛ اما در ادامه سائرون با فتح (هادی العامری) ائتلاف کرد و عادل عبدالمهدی به نخست وزیری رسید. اما همین عبدالمهدی هم در فضای ایده آل گرایانه صدری ها گزینه قابل اعتمادی به شمار نمی رفت؛ و مشخصا اختلافات در مواردی مانند انتخاب وزیر کشور به اوج خود رسید.

ائتلاف سران فتح و سائرون زمینه ساز نخست وزیری عادل عبدالمهدی گردید.

در اکتوبر ۲۰۱۹ و آغاز اعتراضات خیابانی موسوم به «جنبش تشرین»، صدری ها یکی اضلاع مهم و مؤثر اعتراضات بودند؛ به طوری که برخی منابع و ناظران ایرانی تصور می‌کردند پشت صحنه اعتراضات صدری ها باشند[1]. طی دوران پسا صدام، جنبش تشرین را باید جدی‌ترین شورش عمومی درون بیت شیعی علیه نظام حکومتی خواند. مشارکت صدری ها در مراحل ابتدایی این جنبش، با رویکرد ضدسیستمی آن ها – که در بندهای پیشین تشریح شد – کاملا همخوان بود و شخص مقتدی صدر نیز در این مورد چند بیانیه صادر کرد و به نوعی تشرین را امتداد جنبش اصلاحی خود (حی علی الاصلاح) خواند که گسترده تر بوده و فراتر از یکی دو جریان سیاسی را در بر می گرفت. با این حال تضاد میان تشرینی ها و صدری ها از آن جا آغاز گردید که مقتدی صدر خواست از این جنبش به عنوان سرمایه ای در عرصه سیاسی بهره برداری کرده یا دست کم بر سر خروج هواداران خود از میادین تحصن معامله کند.

۲. تلاش جدی مقتدی صدر برای ورود به عرصه قدرت

در دولت های نوری المالکی و حیدر العبادی، صدری‌ها معمولا دارای سهمیه ای در حد وزرا بودند؛ هرچند در مواردی شاهد کنار رفتن آن ها در ادامه راه بودیم. به عنوان نمونه حتی در دولت اول و دوم نوری المالکی به ترتیب «سلام المالکی» و «نصار الربیعی» منسوب به جریان صدر بودند. سلام المالکی البته از سوی صدری ها طرد شد؛ اما در زمان انتصاب، همین موضوع انتساب وی به صدری‌ها مؤلفه مؤثری بود. در نتیجه صدری ها گرچه همواره خودشان را منتقد سیستم نشان می دادند؛ اما در کنار آن همواره جزء مهمی از دولت به شمار می رفتند. خصوصا در مورد عادل عبدالمهدی که یکی از مهم ترین ارکان دولت یعنی دبیر هیئت دولت و زمامدار گلوگاه اقتصادی دولت در اختیار آن ها (حمید الغزی به نمایندگی از جریان صدر) بود و فراتر از آن خود عبدالمهدی نیز در

۱ البته تحولات بعدی ثابت کرد تقلیل معترضین به صدری ها اشتباه بزرگ و زیانباری بود که برخی تحلیلگران و ناظران در ایران وانمود کردند! نگارنده از همان زمان هشدار می داد که معترضین را نباید به صدری ها فروکاست و باید هویت مجزا و مستقلی برایشان قائل بود.

اثر ائتلاف مقتدی صدر و هادی العامری بر مسند نشست. با این حال، اختلافات میان صدر و عبدالمهدی از زمان انتصاب مقامات امنیتی مانند «ابو جهاد الهاشمی» و «فالح الفیاض» به اوج رسید و مقتدی صدر نشان داد که عبدالمهدی را در منصب نخست وزیری برنمی‌تابد[1]. او از آن زمان بار دیگر وجهه ضدسیستمی جریان صدر را برجسته ساخت و حتی جریان صدر به یکی از اضلاع مهم اعتراضات اکتوبر ۲۰۱۹ تبدیل شدند. از این منظر حتی رویکردهای ضد سیستمی صدری ها در دوره دوم دولت عبدالمهدی را نیز می توان ذیل تلاش کلی آن ها برای ورود حداکثری به حوزه قدرت یا دستیابی کامل به آن تحلیل کرد. در فضای رهبران سیاسی نیز مقتدی صدر نخستین کسی بود که بعد از شروع اعتراضات، یگانه راه را در استعفا یا برکناری عادل عبدالمهدی خواند و حاضر نبود یک قدم از این خواسته عقب نشینی کند. بعد از ترور سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، محاسبات داخلی در محور مقاومت بر این تعلق گرفت که به محوریت تجربه پیشین جیش المهدی، بار دیگر مقاومت علیه آمریکا تا اخراج آخرین نظامی آمریکایی در عراق را در دستور کار قرار دهند. بر همین پایه، سران مقاومت در عراق نزد مقتدی صدر در قم آمدند و عملا او را به عنوان محور مقاومت ملی (عراقی) علیه آمریکا به رسمیت شناختند. مقتدی صدر در این مقطع خود را در این جایگاه دید که می تواند رهبری مقاومت را در عراق بر عهده گیرد. او در این زمینه به قدری بلندپرواز بود که حتی به رهبری مقاومت بین المللی هم فکر می کرد!

گردهمایی سران گروه های مقاومت در قم پس از شهادت سردار سلیمانی مقتدی صدر را در مقام زعامت مقاومت عراق به تصویر کشید

در همان چارچوب، «قرار» (طرح) پارلمان عراق به تصویب رسید و در ادامه تظاهرات جادریه (یکی از بزرگ ترین تظاهرات های عراق طی سال های اخیر) برگزار گردید. در تداوم همین روند، مقتدی صدر، به هواداران خود دستور داد تا میادین تحصن جنبش اعتراضی خیابانی را ترک کنند. این اقدام، واکنش منفی بسیار شدید تشرینی ها را به دنبال داشت و در ادامه جمعیت زیادی در حمایت از این جنبش به عنوان خون جدید به میادین تحصن آمدند و به این ترتیب جنبش تشرین به عنوان یک جریان متفاوت از صدری ها که به شدت منتقد صدر بود موقعیت خود را تثبیت نمود. در آن زمان برخی چهره های منتسب یا نزدیک به جریان صدر مانند «اسعد الناصری» موضع بسیار تندی علیه مقتدی صدر اختیار کردند. نکته قابل تامل آنکه که به موازات رشد دو فرآیند «قدرتمند شدن جنبش تشرین با ویژگی انتقاد نسبت به جریان صدر» و «رشد گرایش مبارزه مسلحانه در داخل مقاومت»، عملا مقتدی صدر از هر دو طرف جا ماند. از یک طرف، تشرینی‌ها به شدت علیه صدر موضع گرفتند و حتی بعد از فرمان مقتدی صدر برای بازگشت هواداران خود به میادین تحصن نیز روابط پرتنش طرفین ادامه یافت. از طرف دیگر، مقتدی صدر بر پرهیز از مبارزه مسلحانه تأکید داشت؛ اما برخی جریانات به شدت بر تداوم مبارزه مسلحانه تأکید می کردند. در نتیجه مقتدی صدر علیه آنان موضع گرفت و به مرور اساسا هر گونه تعامل و همکاری میان صدر و این دو جناح از بین رفت. جالب تر این که صدری ها حتی نتوانستند نقش میانجی یا نقش گروهی در میانه این دو جناح رادیکال را ایفا کنند، زیرا مقتدی صدر در صدد رهبری هر دو جناح بود و در نتیجه دافعه بسیار زیادی در هر دو طرف ایجاد شد. اما صورت دوم قضیه این بود که بسیاری از رهبران جریان صدر صراحتا از تعبیر «خیانت» یا «خنجر از پشت» یاد کردند و در نتیجه شکاف میان آن ها و مقاومت تشدید شد. مقطع بعدی، مربوط به استعفای عادل عبدالمهدی بود که اختلاف میان جریان صدر و دیگر جریانات سیاسی – به ویژه مقاومت – شدت یافت. فراکسیون البناء مدعی بود به عنوان اکثریت از حق انحصاری معرفی نخست وزیر برخوردار است؛ اما صدری ها با استناد به اکثریت بودن سائرون به شدت مخالفت کردند. در همین راستا بحران به قدری بالا گرفت که عملا رئیس پارلمان از معرفی فراکسیون اکثریت باز ماند. برهم صالح نیز در مقام رئیس جمهور با استناد به تفسیریه ای از قانون اساسی، خودش برای معرفی نخست وزیر پیشگام شد. سرانجام این تحولات، رسیدن مصطفی الکاظمی به نخست‌وزیری بود که مورد حمایت مقتدی صدر قرار گرفت و در ازای آن نیز صدری ها علاوه بر حفظ جایگاه «حمید الغزی»، موفق شدند سه جایگاه بسیار مهم «بانک مرکزی»، «وزارت برق» و «وزارت بهداشت» را در اختیار بگیرند. نکته مهم آنکه در کل این فرآیند، صدری ها هم چنان و علی الدوام خود را بازیگر فاصله دار از دولت و مستقل از قدرت نشان می دادند! بالاخره این که طبق برآورد دفتر سیاسی جریان صدر

۱ بسیاری اعتقاد دارند حتی در سال ۲۰۱۸ نیز صدر با انتصاب عبدالمهدی صرفا از این منظر موافقت کرده بود که بتواند یک سال بعد او را کنار بزند! به هر حال عادل عبدالمهدی فاقد حزب سیاسی و بدنه سازماندهی شده اجتماعی بود و از این نظر برخورد با وی ساده تر اشخاص برآمده از احزاب یا سازمان های سیاسی و شبه نظامی به نظر می رسید.

و با تأیید رهبر آن ها (مقتدی)، نهایتا جمع بندی صدری‌ها بر این تعلق گرفت که برای دستیابی به منصب نخست‌وزیری تلاش کنند و به این ترتیب کمپین بزرگی برای دستیابی به ۱۰۰ کرسی پارلمان راه انداختند. این می توانست نخستین و در عین حال جدی ترین تلاش صدری ها برای ورود به هسته اصلی قدرت باشد. واقعیت این است که صدری ها از ابتدای سقوط صدام به عنوان یک جریان حاشیه ای در قدرت حضور داشتند و از سال ۲۰۱۸ به مرور مناصب اصلی و مهم اقتصادی دولت را در اختیار گرفتند. با این حال مناصب امنیتی همواره از تیررس صدری ها دور مانده؛ در حالی که همواره صدری‌ها نگاه ویژه ای به معادلات امنیتی و انتظامی داشته اند.

۳. تحولات خاص انتخاباتی طی دو ماه اخیر

در روز ۲۴ تیر ماه (۱۵ جولای) مقتدی صدر در یک موضع گیری‌غیرمنتظره، جامعه سیاسی عراق را دچار شوک کرد. در حالی که جریان صدر طی ماه ها و هفته های پیش از آن تبلیغات گسترده ای برای انتخابات راه انداخته و حتی در کمپین انتخاباتی خود برای دستیابی به ۱۰۰ کرسی تبلیغات می کردند، ناگهان مقتدی صدر در یک سخنرانی تلویزیونی به شدت به نظام سیاسی عراق حمله کرد و از تحریم انتخابات خبر داد. این در حالی است که سه روز قبل تر خودش در پیام مکتوب بر ضرورت مشارکت فوری و گسترده همه هواداران جریان صدر در کمپین «البنیان المرصوص» تاکید کرده بود. کمپین البنیان المرصوص در حقیقت فراخوان ثبت نام هواداران جریان صدر برای انتخابات بیومتریک (الکترونیکی) بود. بعد از بیانیه مقتدی صدر، تصاویری از آتش زدن برگه های ثبت نام در انتخابات در شبکه های اجتماعی منتشر و تعدادی از رهبران سیاسی جریان صدر مانند حاکم الزاملی، حمید الغزی، حسن الکعبی، مها الدوری و... اعلام کردند از انتخابات کناره گیری می کنند.

تا پیش از اعلان کناره گیری مقتدی صدر از رقابت های انتخاباتی وی با تشکیل کمپین البنیان المرصوص، از ضرورت مشارکت گسترده هواداران خود برای برگزاری انتخابات بیومتریک سخن به زبان آورده بود.

در روزها و هفته های بعد، موج کناره گیری از انتخابات گسترده‌تر شد. به عنوان نمونه از المنبر الوطنی (ایاد علاوی)، حزب سوسیالیست (رائد فهمی)، الحوار الوطنی (صالح مطلک)، الوعی (صلاح العرباوی) و... می توان یاد کرد. همزمان مطالبات گسترده ای برای تعویق انتخابات در میان احزاب سیاسی مطرح شد. از طرف دیگر، برخی احزاب و چهره‌های‌سیاسی از مقتدی صدر برای بازگشت به صحنه انتخابات دعوت می کردند که این اقدام نیز دلالت های مهمی داشت.

نکته قابل توجه دیگر این است که با کناره گیری صدر از انتخابات، ناگهان دو موج گسترده در فضای سیاسی عراق فرو نشست:

الف. در روزهای منتهی به کناره گیری صدر، فضای داخلی استان ذی قار پرآشوب بود و استاندار به شدت با صدری‌ها مشکل داشت. محمد صالح العراقی، وزیر و سخنگوی مقتدی صدر صراحتا بر ضرورت برکناری یا کناره گیری استاندار تأکید می کرد و در مقابل استاندار در نامه سرگشاده ای به مقتدی صدر حمله نمود. دست کم از سال ۲۰۱۸، جریان صدر از طریق «حمید الغزی» نفوذ بسیار بالایی در ذی قار داشت؛ اما اعتراضات خیابانی و تحولات موسوم به جنبش تشرین معادلات ناصریه را تغییر داد و عشیره های محلی حامی تشرینی ها را به رقیب جدی صدری ها بدل نمود.

ب. از طرف دیگر، در ماه های منتهی به کناره گیری صدر از انتخابات، بیمارستان ها و مراکز درمانی عراق به صورت دومینووار دچار حریق و آتش سوزی می شدند. با توجه به این که وزارت بهداشت یکی از سهمیه های اصلی صدری‌ها در دولت بود، این آتش سوزی ها باعث تشدید انتقادات و مخالفت های توده های مردم با صدری ها می شد. این که بعد از کناره گیری مقتدی صدر از انتخابات، آتش گرفتن بیمارستان‌ها متوقف گردید، قابل تأمل و معنادار به نظر می رسد. در دوره ای که جریان صدر و برخی دیگر مانند ایاد علاوی بر طبل تحریم انتخابات می کوبیدند، فضای انتخاباتی در بیت های سنی و کردی با جدیت و حساسیت دنبال می‌شد و در بیت شیعی نیز مشخصا «نوری المالکی» و «فالح فیاض» برای جلب نظر اهل تسنن و کردها تلاش وافری از خود نشان می دادند. با توجه به این که مقتدی صدر بیش ترین حساسیت را نسبت به المالکی و فیاض داشت، برخی گروه های سیاسی به طور جدی در صدد اقناع رهبر صدر برای تجدید نظر در تحریم انتخابات برآمدند. گفته می شود مهم ترین کسانی که در اقناع صدر جهت

تجدید نظر و حضور در انتخابات نقش مؤثری داشتند، مشخصا «مصطفی الکاظمی»، «سید عمار حکیم» و «هادی العامری» و... بودند. ضمن این که آن روزی که مقتدی صدر اعلام کرد در انتخابات شرکت نمی کند، یکی از کسانی که به صورت عمومی ابراز تأسف نمود «ابو آلاء الولایی» فرمانده گروه «کتائب سید الشهداء» بود. در بررسی چرایی اصرار این افراد بر حضور مقتدی صدر در انتخابات، می توان تحلیل های مختلفی را مطرح کرد. از نیمه مردادماه، با افزایش رایزنی ها برای اقناع مقتدی صدر جهت حضور در انتخابات، برخی منابع از احتمال تجدید نظر وی خبر می دادند. روز ۲۵ مردادماه (۱۷ آگوست) تصویری منتشر شد که نشان می داد مقتدی صدر از منزل مرجعیت شیعیان آیت الله سیستانی بیرون می آید. طبق این تصاویر، رهبر صدری ها در مجلس روضه (نیمه) عمومی روز تاسوعای حسینی دفتر زعیم حوزه نجف شرکت کرده بود. قطعا شرکت در این مجلس، اقدامی سیاسی و معنادار از سوی مقتدی بوده است. هرچند در همان زمان منابع مختلف تأکید داشتند هیچ گونه دیدار بی واسطه یا شخصی میان مقتدی صدر و آیت الله سیستانی و حتی فرزندانشان انجام نشده است. به نظر می رسد این اقدام مقتدی صدر را باید در چارچوب بزرگ تری تحلیل کرد که در بخش آینده تشریح خواهد شد. یک روز بعد، روزنامه «الشرق الاوسط» وابسته به آل سعود در حالی که عراق یکپارچه غرق ماتم عاشورای حسینی بود، در خبر معناداری به نقل از «یک منبع عالی رتبه» نوشت: «صدر هیچ دیدار و ملاقات شخصی با آیت الله سیستانی نداشت؛ اما در همان جلسه عمومی در پاسخ به یکی از نزدیکان وی گفت حاضر است در تصمیم پیشین خود مبنی بر تحریم انتخابات تجدید نظر کند؛ مشروط بر این که اولا انتخابات به تعویق بیفتد تا همه جریانات فرصت مشارکت در انتخابات را داشته و ثانیا این که آیت الله سیستانی به عنوان مرجعیت اعلای شیعیان موضع گیری کرده و گروه های مسلح غیرمنضبط (السلاح المنفلت)[1] را محکوم کنند!» این خبر بازتاب بسیار گسترده ای داشت؛ اما تحولات روزهای بعد نشان داد که خبرسازی روزنامه الشرق الاوسط و منابع عربستانی بوده است[2]. بالاخره در روز جمعه ۵ شهریورماه (۲۷ آگوست) مقتدی صدر در حضور اعضای شاخص جریان صدر اعلام کرد به صحنه انتخابات بازمی گردد. او در این سخنرانی ادعا کرد «منشور اصلاحات» را به عنوان میثاق نامه میان جریانات و گروه های سیاسی مختلف مطرح کرده و بعد از توافق آن ها به انتخابات بازگشته است.

۲۷ آگوست ۲۰۲۱: مقتدی صدر در حنانه از بازگشتش به عرصه رقابت های انتخابات خبر می دهد

مقتدی صدر که مدعی بود «با عزم و اصرار بی نظیری برای بازگشت به انتخابات مواجه است» اعلام کرد: «این میثاق نامه به امضای گروه های سیاسی رسیده و دارای سقف زمانی مشخصی است که با تأیید ملت، دولتی ملی به دور از فاسدین، کسانی که منافعشان در خارج است و عاشقان تبعیت [از خارج] تشکیل گردد».

مقتدی صدر در این سخنرانی، از نخست وزیر حمایت کرد. در مقابل مصطفی الکاظمی نیز در توییتی به حمایت از مواضع مقتدی صدر در «کنفرانس گفتگوی ملی» و «سند اصلاحات» پرداخت.

نقش آفرینی مقتدی صدر در دورنمای انتخابات پارلمانی ۱۲۰۲

برای تحلیل وضعیت فعلی، نگارنده اعتقاد دارد باید رفتار مقتدی صدر را در سه لایه تحلیل کرد. این سه لایه عبارتند از:

الف. دورخیز مقتدی صدر برای مرجعیت در دوره پساسیستانی

اولین و مهم ترین مسئله ای که در تحلیل رفتار و مواضع مقتدی صدر باید پیش بینی کرد، مسئله دورخیز وی برای مرجعیت پس از فوت آیت الله سیستانی است. مقتدی صدر به خوبی می داند که تا زمانی که آیت الله سیستانی در قید حیات باشند،

۱ تعبیر «گروه های مسلح غیرمنضبط» قطعا از نظر لغوی تعبیر دقیقی نیست. منظور از این اصطلاح – که بار معنایی منفی دارد و از سوی منتقدین این گروه ها به کار می رود – مشخصا بخشی از حشد الشعبی است که اقدامات مسلحانه را خارج از سلسله مراتب فرماندهی و اوامر فرماندهی کل قوا (نخست وزیری) انجام می دهند. به عبارت دیگر از سلاح در میز سیاست استفاده می کنند.

۲ در همین جا تذکر این نکته خالی از لطف نیست که متأسفانه یکی از اندیشکده ای داخلی در قم، با موثق فرض گرفتن خبر الشرق الاوسط، تحلیل دامنه داری را در مورد نقش آیت الله سیستانی در اقناع صدر برای حضور در انتخابات چاپ کرد و حتی در خلال آن دروغ های بزرگ تری مانند نخست وزیر شدن الکاظمی به توصیه مرجعیت اعلا را منتشر نمود! واقعا تأسف بار است که یک اندیشکده مطرح ایرانی – که در حوزه جهان اسلام بسیار فعال است – مستقر در قم، تا این حد علیه مرجعیت نجف خبرسازی های دروغین و فضاسازی انجام می دهد.

شانس چندانی برای اعلام مرجعیت نخواهد داشت؛ اما خود را برای اعلان مرجعیت پس از فوت زعیم فعلی حوزه نجف آماده می کند. در این زمینه، نکات ذیل قابل توجه است:

۱. پدر مقتدی یعنی مرحوم آیت الله سید محمد صدر در زمان اعلام مرجعیت، دومین مرجع صاحب نفوذ در نجف به شمار می رفت. او با طرح دوگانه «الحوزه الصامته و الحوزه الناطقه» عملا فضایی را رقم زد که مرجعیت سنتی و غالب نجف را مصداق حوزه صامته خوانده و نسبت به عدم دخالت کافی آن در امور اجتماعی و سیاسی شکوه می کرد و در مقابل خود را مصداق حوزه ناطقه می خواند که به طور جدی در پی ایفای نقش و انجام مسئولیت های اجتماعی و سیاسی روحانیت است. در این زمینه باید دو نکته ذیل را مورد توجه قرار داد:

الف. ایجاد دو صدایی در نجف و بر هم زدن وحدت پیشین نجف با عدول - و بلکه گرفتن مواضع انتقادی جدی - نسبت به زعیم حوزه نجف؛

ب. تداعی مسئولیت های پررنگ سیاسی و اجتماعی برای مرجعیت و تأکید بر این که مرجعیت باید در حوزه سیاست دخالت حداکثری داشته باشد. فاکتور اول، موضوعی است که اتفاقا زمینه را برای تکروی صدری ها در نجف پسا سیستانی مهیا می سازد؛ زیرا آن ها از نظر اجتماعی و بلکه خاستگاه فکری و فقهی نه تنها لزومی به همراهی با قاطبه علماء نجف ندارند، بلکه خاستگاه‌شان آن ها را به تکروی و عدول از اجماع علما سوق می دهد. فاکتور دوم و مهم تر اما به این نکته برمی گردد که علماء مطرح فعلی نجف (نسل بعدی مراجع فعلی) از نظر سیاسی کاملا پیرومشی و اندیشه آیت الله خویی بوده و از دخالت و اظهار نظر عمومی در حوزه سیاست اجتناب می کنند. آیت الله سیستانی در موارد متعددی در دوره پسا صدام، در فرازهای مهم به عنوان شیرازه و عامل بقای جامعه عراق وارد عمل می شدند و عملا هیچ ناظر منصفی نمی تواند ایشان را به بی تفاوتی کامل نسبت به حوزه سیاست متهم سازد. اما صدری ها به راحتی نسل بعدی را در این زمینه متهم می سازند. شاید تنها نمونه جدی و متمایز که نمی شد او را «بی تفاوت نسبت به سیاست» خواند، مرحوم آیت الله سید محمد سعید حکیم بودند که ایشان نیز اخیرا از دنیا رفتند. با توجه به تأکید صدری ها بر لزوم دخالت حداکثری فقیه در امور سیاسی، عملا هیچ یک از مراجع نسل آینده مورد اقبال صدری ها - حداقل در مراحل اولیه - قرار نمی گیرند. مقتدی صدر از همین خلأ می تواند برای اعلان مرجعیت خود استفاده کند.

مقتدی صدر در سودای مرجعیت و جانشینی آیه الله سیستانی

۲. بدنه اجتماعی جریان صدر از سال ۲۰۰۳ بدین سو تلاش می کرد بر «تفکیک میان زعیم سیاسی و مرجع دینی» تأکید کند. این تأکید در سال های بعدی به مراتب پررنگ تر شد؛ زیرا صدری ها در تقلید و اعلام مصداق مرجع اعلم دچار اختلافاتی شدند. آقایان سید کاظم حائری و شیخ محمد یعقوبی از شاگردان مرحوم سید محمد صدر اعلام مرجعیت کرده و گروهی نیز به تقلید از مراجع ایرانی روی آوردند. مقتدی صدر از همان دهه اول با حضرات آیات حائری و - در درجه بعد - یعقوبی به مشکل برخورد و نمی توانست مروج مرجعیت ایشان باشد. ترویج مرجعیت مراجع مقیم ایران نیز دو مشکل برای وی ایجاد می کرد؛ مراجع مقیم ایران یا مروج نظریه ولایت فقیه حاکم بر تهران بوده یا از نسل شاگردان آیت الله خویی بودند که خاستگاه و شالوده صدری ها دقیقا در اثر خروج بر اندیشه ایشان شکل گرفته بود. برای حل این معضل - به ویژه از زمان انشعاب نجبا و عصائب که مروج مرجعیت رهبر معظم انقلاب هستند - صدری ها با قاعده «تفکیک بین زعیم سیاسی و مرجع دینی » و اولویت (نیاز ملت به) زعیم سیاسی بر مرجع دینی تأکید می کردند و همزمان از نظر تقلید به مراجع ساکن عراق ارجاع می دادند. در همین رابطه، مقتدی صدر - با اکراه - همراهی نسبی و ظاهری خود با آیت الله سیستانی و شیخ محمد یعقوبی را نشان می داد؛ اما همواره مبلغین صدری در سطح جامعه بر زعیم سیاسی تأکید می نمودند. در نتیجه این فضا و با توجه به نسبت بسیار بالای نسل جدید (نسبت به کل جمعیت) عراق، عملا جمعیت وسیعی پدید آمدند که گرچه در ظاهر مقلد یکی از مراجع هستند؛ اما از نظر سیاسی مشی خود را بر مدار مقتدی صدر و با نگاه انتقادی نسبت به مرجع خود بنا کرده اند. این نسل، عرابه های اعلان مرجعیت مقتدی صدر خواهند بود؛ زیرا برای مصداق اعلم معیارهایی از قبیل «زعامت سیاسی» را بر تجویز علماء سنتی نجف ترجیح می دهند.

۳. مقتدی صدر به تدریج در فاز اجتماعی نیز گام های جدی

برای اعلان مرجعیت خود برداشته است. در فضای کرونا و در حالی که نجف بر ضرورت التزام به ملاحظات بهداشتی برای پیش گیری از کرونا تأکید داشت، صدری ها با بیانیه های رسمی مقتدی صدر، راه متفاوتی را طی کردند. در این زمینه می توان برگزاری مراسم پرشور شهادت امام موسی کاظم (ع) در کاظمین و پیاده روی گسترده صدری ها از شهرک صدر به کاظمیه را مثال زد که در حالی برگزار شد که در بغداد مقررات سختگیرانه منع آمد و شد (قرنطینه سخت) برای مهار کرونا برقرار بود؛ یا این که علی رغم دستور مرجعیت اعلا در نجف برای تعطیلی نمازهای جمعه، صدری ها با بیانیه مقتدی صدر نماز جمعه های خود را ادامه دادند و... در این دوره پرسش هایی مطروحه از مقتدی صدر پیرامون ملاحظات کرونایی را دفتر وی با عنوان «استفتائات» منتشر می کرد که اقدام قابل تأمل و معناداری است.

برخلاف سایر مراجع عظام نجف، مقتدی صدر بر تداوم برگزاری مناسک دینی و مذهبی در دوره شیوع پاندمی کرونا تاکید دارد.

۴. آذر ۱۳۹۸ و اندکی پیش از شیوع کرونا، مقتدی صدر با حضور علنی در درس آیت الله سبحانی و ارائه کتاب تفسیری خود به ایشان، تلاش کرد نظر ایشان را جلب کرده و در میان هواداران خود این گونه تبلیغ کند که رهبر جریان صدر در قم به تحصیلات فقهی خود ادامه داده و از شمار اطرافیان برجسته مراجعی از قبیل آیت الله سبحانی به شمار می رود. هدف از این کار، اصطلاحا «رزومه سازی» برای فقیه خواندن مقتدی صدر بوده تا در زمان مناسب، مرجعیت وی اعلان شود.

۵. یکی از اقدامات بسیار مهم مقتدی صدر در ماه های اخیر، برگزاری نماز عید فطر در اردیبهشت ۱۴۰۰ است. طبق سنت قدیمی نجف، مراجع مختلف نظر خود را در مورد استهلال و زمان عید اعلام می کنند؛ اما نماز عید نجف فقط یک بار و در تاریخی که مرجعیت اعلا مشخص می کند، برگزار می شود. به عبارت دیگر، اگر مراجع دیگر نظر متفاوتی نسبت به مرجعیت اعلا داشته باشند، - به احترام زعیم حوزه - از اقامه نماز عید به صورت عمومی خودداری می کنند. عید فطر امسال، مراجع چهارگانه و اصلی نجف موضع واحدی اختیار کرده و تنها آیت الله شیخ محمد سند در نجف نظر متفاوتی داشت که به احترام مراجع اربعه از اقامه نماز خودداری نمود. با این حال مقتدی صدر در اقدامی معنادار و بی سابقه، روز عید فطر را اعلام و صدری ها نماز عید را به صورت باشکوه و گسترده ای در شهرهای مختلف عراق اقامه کردند؛ در حالی که مقلدین آیت الله سیستانی و دیگر مراجع نجف به عنوان روز سی ام رمضان همچنان روزه دار بودند. جالب این بود که حتی شاگردان پدر مقتدی مانند شیخ محمد یعقوبی نیز آن روز را ۳۰ رمضان اعلام کرده بودند و مشخص نبود صدری ها با فتوای کدام مرجع، عید دانسته و به اقامه نماز پرداختند؟!

۶. مقتدی صدر از اقامت دائمی در کوفه و حضور در حوزه نجف خودداری می کند؛ اما تاکنون چند بار دربیت آیت‌الله سیستانی حضور یافته و عملا وانمود می کند اهل درس و بحث علمی است. هواداران وی حتی اقامت مقتدی صدر در قم را به تحصیلات حوزوی و فقهی وی نسبت می دهند. این در حالی است که واقعا مشخص نیست مقتدی صدر در قم نزد چه فقهایی به صورت منظم درس می خواند. به نظر می‌رسد - یکی از علل - پرهیز از اقامت در کوفه و نجف به این هدف باشد که وزن اندک علمی وی در محافل عراقی فاش نشود. به عبارت دیگر، مقتدی صدر به خوبی می داند که هرگز از دانش و مهارت فقهی کافی برای اعلام مرجعیت برخوردار نیست؛ برای همین تلاش می کند این کم سوادی خود را از چشم طلاب (حتی هواداران خود) دور نگه دارد.

دیدار مقتدی صدر با ائمه جمعه در نجف اشرف

۷. یکی از موارد قابل تأمل در این زمینه که به تحولات یک ماهه اخیر برمی گردد، رفتار صدری ها در قبال فوت مرحوم آیت الله سید محمدسعید حکیم است. در روز تشییع آیت الله حکیم، مقتدی صدر در نجف «کمپین نظافت» راه انداخت![1] این عنوان دوپهلو دقیقا در روزی اعلان شد که عمق کینه صدری‌ها از بیت مرجعیت و خاندان آیت الله حکیم را نشان می داد.

۱ البته با انتقادات گسترده ای که نسبت به این اقدام مقتدی صدر راه افتاد، رهبر جریان صدر کمپین مذکور را سه روز به تأخیر انداخت! اما همان اعلام اولیه و در ادامه واکنش محمد صالح العراقی نشان می داد هدف و غرض اصلی رهبر جریان صدر چه بوده و چرا درابتدا روز تشییع جنازه را برای کمپین نظافت اعلام کرده بود

کانال تلگرامی «الحوزه الناطقه» از رسانه های مهم صدری‌ها پیرامون این کمپین نوشت: «صدر با یک تیر دو نشان زد: پاک سازی نجف از زباله و پاک سازی نهاد دینی نجف از زباله های فکری و دینی آن». صفحه صالح محمد العراقی، وزیر و سخنگوی رسمی مقتدی صدر نیز پرسش یک مخاطب [احتمالا فرضی] را منعکس کرده که «آیا می توان شربت و شکلات پخش کرد؟» علاوه بر این برخی صفحات با انتشار تصویر آیت الله حکیم روی تخت بیمارستان، مدعی شدند که اهل شماتت نیستند اما شهادت می‌دهند مرجع راحل، اولیاء الهی(مقتدی صدر) را آزرده کرده بود! نکته بسیار مهم و قابل تأمل این است که شهرک صدر بغداد و پایگاه قدیمی صدری ها در کوفه، در شمارآلوده‌ترین مناطق عراق از نظر انباشت زباله ها به شمار می روند؛ به طوری که یکی از ابزارهای حمله منتقدین صدر به آن‌ها، همین وضعیت زباله ها و آلودگی این منطقه است. در مناظره مشهور غالب الشابندر با مها الدوری نیز الشابندر به همین وضعیت فاجعه بار شهرک صدر استناد کرد و گفت: «وقتی صدری ها از امور ساده مانند جمع آوری زباله ها عاجزند، چگونه می توانند از پس اداره کشور برآیند؟» حال به صورت ناگهانی مقتدی صدر در روز تشییع و تدفین آیت‌الله سید محمدسعید حکیم کمپین نظافت اعلام می کند؟! این حجم از اقدامات کینه توزانه و تأسف بار صدری ها در قبال فوت یک مرجع دارای خانواده و تبار قدیمی نجفی را چگونه باید تحلیل کرد؟ نگارنده اعتقاد دارد یکی از زمینه‌های جدی برای این اقدام صدری ها، نگرانی نسبت به جایگاه خاندان حکیم در مخالفت با مرجعیت احتمالی مقتدی صدر است. در واقع مقتدی صدر زمینه ای را برساخت تا در صورت مخالفت علماء خاندان حکیم با مرجعیت احتمالی وی، مخالفت را به کینه های آنان در قبال رفتار صدری ها در زمان فوت و تشییع آیت الله سید محمدسعید حواله دهند و الا چنین رفتاری در فرهنگ سنتی عراق - که یاد متوفی را گرامی می دارند - به هیچ عنوان قابل پذیرش نیست.

حتی حضور مقتدی صدر در مراسم بزرگداشت آیه الله سید محمدسعید حکیم نیز نتوانست رفتار کینه توزانه صدری ها را در قبال یکی از چهره های خاندان های برجسته حکیم را تسکین بخشد

ب. تلاش صدر برای تشکیل دولتی تحت فرمان

دومین نکته ای که در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد، تلاش مقتدی صدر برای تشکیل دولتی تحت فرمان خود است. در بند دوم بخش پیشین [1] توضیح دادیم که جریان صدر از زمان سقوط صدام و تشکیل دولت توسط شیعیان، همواره تلاش کرده تا در دولت سهیم (هرچند کوچک) باشد. با این حال صدری ها همواره تلاش کردند تا فاصله خود از قدرت را نیز نمایش دهند. در چنین شرایطی، این بار مقتدی صدر عزم خود را جزم کرده تا بتواند کرسی نخست وزیری را به دست آورد. به راستی چرا این بار مقتدی صدر بدین شکل تلاش می کند؟ چرا در انتخابات های پیشین چنین سودایی نداشت؟ در این زمینه، نکات ذیل را باید مورد توجه قرار داد.

۱. اولین مسئله، کمپین صدری ها برای دستیابی به ۱۰۰ کرسی پارلمان است. از انتخابات ۲۰۱۰ به این طرف، هیچ گاه یک فهرست انتخاباتی نتوانسته به ۱۰۰ کرسی پارلمان دست یابد. با توجه به تکثر بیش تر فهرست های انتخاباتی در انتخابات ۲۰۲۱ که طبیعتا باعث توزیع گسترده تر و در نتیجه کاهش تعداد آراء هر لیست می شود، چرا صدری ها تا این حد بر تلاش برای دستیابی به ۱۰۰ کرسی پارلمان تأکید دارند؟ سئوال مهم تر این است که چرا در ادوار پیشین هیچ‌گاه‌صدری ها چنین تلاشی نکردند؟ جریان صدر از سال ۲۰۰۵ تاکنون در ۵ انتخابات شرکت کرده بودند و هیچ گاه چنین خیزی برنداشته بودند. تفاوت سال ۲۰۲۱ با سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ در چیست؟ در سال ۲۰۱۸ صدری ها با فهرست سائرون حائز رتبه نخست آراء در فهرست های انتخاباتی شدند. اما همان سال هم صدری‌ها برای معرفی نخست وزیر از میان خود تلاشی نداشتند.

۲. نکته بعدی این است که صدری ها از حضور در قالب ائتلاف های انتخاباتی پرهیز کردند. همان طور که پیش‌تر توضیح دادیم، بعد از وقایع پساانتخاباتی ۲۰۱۰، مقتدی صدر از پذیرش ائتلاف با احزاب بزرگ تر خودداری می کند؛ اما صدری ها حتی تا همین انتخابات پیشین نیز حاضر به ائتلاف با احزاب کوچک تر بودند. در واقع معیار اصلی برای مقتدی صدر این بود که بتواند زمام ائتلاف را به شکل انحصاری در دست بگیرد. چرا این بار مقتدی صدر حاضر به ائتلاف نشد؟ چرا صدری ها این بار به جای عناوینی مانند «احرار» یا «سائرون»، با برند اصلی و هویتی خود یعنی «الکتله الصدریه» در انتخابات حضور یافته اند؟

۱ ر.ک: «تلاش جدی مقتدی صدر برای ورود به قدرت»

صدری ها برخلاف ادوار پیشین در انتخابات اکتبر ۲۰۲۱ در لوای کتله الصدریه گردهم آمده اند

۳. دو هفته قبل، حاکم الزاملی به عنوان یکی از رهبران برجسته جریان صدر اعلام کرد نخست وزیر آینده متعلق به جریان صدر خواهد بود؛ اما صدری ها قصد ندارند سنت‌های دو دهه اخیر را بر هم زده و دولت انحصاری تشکیل دهند. او تأکید کرد که گرچه صدری ها از حق خود برای معرفی نخست وزیر عدول نمی کنند، اما دولت آینده یک دولت فراگیر با حضور احزاب و جریانات سیاسی خواهد بود.

۴. دست کم طی یک دهه اخیر، یکی از شعارهای ثابت جریان صدر، «لزوم تشکیل دولت تکنوکرات» و «خارج کردن دولت از سیطره احزاب سیاسی» بوده است. در ادبیات صدری ها، کلیدواژه «تکنوکراسی» از جایگاه ویژه ای برخوردار است. با توجه به ناکارآمدی دولت های پیشین و سرخوردگی گسترده ای که در جامعه عراق نسبت به احزاب و دولت های قبل وجود دارد، شعار تکنوکراسی در این دوره از جذابیت بیش تری برخوردار می باشد.

۵. در چنین وضعیتی، صالح محمد العراقی هفته قبل در پیام معناداری اعلام کرد: «نخست وزیر آینده عراق، از نظر اعتقادی صدری است نه تشکیلاتی». این داده به شدت قابل تأمل است. اساسا این عبارت که «کسی از نظر اعتقادی صدری باشد اما از نظر تشکیلاتی صدری نباشد» به چه معنی است؟

ج. تلاش صدر برای تبدیل شدن به یک رهبر سیاسی توازن بخش میان احزاب مختلف

بعد سومی که در تحرکات سیاسی مقتدی صدر باید مورد توجه قرار گیرد، تلاش های وی در یک دهه اخیر برای «شمول گرایی» میان جریانات سیاسی مختلف است که در دو سال اخیر این رویکرد به اوج خود رسید.

۱. مقتدی صدر گرچه از ائتلاف انتخاباتی با احزاب بزرگ خودداری می کند؛ اما از سال ۲۰۱۲ و سفر به اربیل نشان داد در عرصه سیاسی تلاش می کند با جناح ها و جریانات دیگر همکاری نماید. این رویکرد از سال ۲۰۱۸ و دستیابی سائرون (تحت رهبری مقتدی صدر) به اکثریت نسبی پارلمان پررنگ تر شد. مذاکرات برای تأسیس فراکسیون اصلاح به عنوان بزرگ ترین فراکسیون و ائتلاف با هادی العامری برای معرفی عادل عبدالمهدی دو نمونه پررنگ شمول گرایی مقتدی صدر در سال ۲۰۱۸ بود. او در سال ۲۰۱۹ همین شمول گرایی را به شکل دیگری در جنبش تشرین نشان داد. در سال ۲۰۲۰ که بحث احیای جیش المهدی جدی شد، او شمول گرایی خود را در شکل دیگری و این بار در کنار انشعابیون و متحدین سابق – که از سوی هواداران صدر، «خائن» خوانده می شدند – نشان داد. گرچه پروژه سیاسی مقتدی صدر در سال ۲۰۲۰ به شکست انجامید، اما نشانه های پررنگی در زمینه این رویکرد مقتدی صدر بود: «او تلاش می کند در عین حفظ برند متمایز جریان صدر، شخصا از خودش چهره یک رهبر سیاسی متساهل و شمول گرا نمایش دهد که حاضر است با دیگر گروه ها ائتلاف یا اتحاد تشکیل دهد؛ مشروط بر این که رهبری ائتلاف یا اتحاد را در دست داشته باشد».

۲. در همین راستا، تحریم و در ادامه بازگشت صدر به انتخابات را باید یکی از جلوه های شمول گرایی او دانست. در دوره تحریم، تعدادی از رهبران سیاسی عراق از مقتدی خواستند تا در تصمیم خود تجدید نظر کند؛ به طوری که او از عبارت «دعوت های بی سابقه» برای توصیف آن درخواست‌ها استفاده کرد. همین موضوع دعوت گروه های مختلف، نشان از آن دارد که مقتدی صدر خود را در جایگاهی می‌یابد که مورد رجوع و احترام جریان های سیاسی است.

۳. مقتدی صدر نیز در این زمینه بیکار ننشست و «میثاق نامه اصلاحات» را تدوین نمود. نفس تدوین این میثاق نامه و امضای آن توسط چند جریان سیاسی رقیب مصداق بارزی از نگرش شمول گرا در پراتیک سیاسی مقتدی صدر است.

۴. در این جا رجوع دوباره به اظهارات حاکم الزاملی مفید است. صدری ها گرچه می خواهند نخست وزیر را خودشان انتخاب کنند، اما در ترکیب کابینه تلاش می کنند رضایت جریانات مختلف را به دست آورند. در نتیجه می توان احتمال بسیار بالایی داد که جریان صدر در ائتلاف های پساانتخاباتی، نقش فعالی ایفا کند.

مقتدی صدر در کسوت ولی فقیه عراق؟!

با کنار هم قرار دادن سه بعد فوق، نگارنده به این نتیجه می رسد که مقتدی صدر سودای به مراتب بزرگ

تری نسبت به نخست وزیری دارد. آیا او می خواهد در کسوت «ولی فقیه نظام سیاسی عراق» ظهور کند؟ در این زمینه، ولایت فقیه مد نظر وی واجد موارد ذیل است:

۱.باید مرجع تقلید باشد؛

۲. در امور سیاسی دخالت حداکثری کند؛

۳. دولت، باید تابع نظرات ولی فقیه باشد؛

۴. ولی فقیه به عنوان رهبر کل جامعه عراق رفتار می کند و نه رهبر یک جریان خاص سیاسی. در نتیجه باید ضمن نگاه پدرانه و دارای جهت گیری خاص، رویکرد شمول گرایانه نسبت به کلیه جریانات سیاسی داشته باشد. در واقع دو عنصر «شمول گرایی» و «تعالی بخشی» در کنار هم قرار گیرد. در این میان، احتمالا یکی از چالش های بسیار مهم، ساختار نظام سیاسی عراق است که نمی توان آن را با نظام ولایت فقیه حاکم بر ایران مقایسه نمود. اما فارغ از این چالش، مقتدی صدر به وضوح در چهار محور فوق تلاش می کند. حتی نگارنده می تواند ادعا کند بدون توجه به چهار محور فوق – و احتمالا هدف غایی مقتدی صدر از سیاست ورزی کوتاه‌مدت – نمی‌توان اقدامات اخیر جریان صدر را درک نمود. در حقیقت می توان گفت که رفتار انتخاباتی مقتدی صدر را نباید منفک از برنامه های سیاسی کلان وی تحلیل نمود؛ زیرا او بر اساس برنامه های کلانی که برای آینده میان مدت در نظر دارد، رفتار انتخاباتی خود را سامان می دهد. در مجموع به نظر می رسد مقتدی صدر به نوعی درصدد بازتولید نسخه عراقیزه شده و بومی ولایت فقیه است و می خواهد در فردای پساسیستانی در قامت رهبر مذهبی سیاسی عراق قرار گیرد. رفتار انتخاباتی اخیر وی را نیز باید در همان چارچوب تحلیل نمود، زیرا مقتدی صدر احتمال می دهد که ساعت صفر مبادا (فوت آیت الله سیستانی) در چهار سال آینده رقم بخورد.

آیا مقتدی صدر به دنبال پی ریزی نوعی از نظام مبتنی بر ولایت فقیه در عراق است؟

البته باید این تعبیر را با دقت و احتیاط زیادی بیان نمود. نگارنده بر این اعتقاد نیست که جمع بندی صدری ها بر فوت آیت الله سیستانی طی ۴ سال آینده است، بلکه تصور می کند صدری‌ها صرفا این «احتمال» را قابل اعتنا می دانند و نمی‌خواهند در ساعت صفر مذکور، دستشان از دولت کوتاه باشد.

برنامه مقتدی صدر برای انتخابات اکتبر ۲۰۲۱

با توجه به نکات بسیار مهمی که در بالا بیان گردید، نگارنده برنامه مقتدی صدر برای انتخابات پیش رو را بدین شکل تحلیل می کند:

۱. علت اصرار برای تشکیل دولت:

الف. نیاز به پشتوانه دولتی در زمان فوت احتمالی آیت الله سیستانی:

همان طور که بالاتر ذکر گردید، مقتدی صدر لزوما قائل به این نیست که آیت الله سیستانی طی ۴ سال آینده فوت خواهند کرد. اما از طرف دیگر، این احتمال را منتفی نمی داند؛ زیرا زعیم حوزه نجف با ۹۱ سال سن، بیماری دارد و برای معالجه نیز حاضر به سفرهای درمانی معمولی به اروپا و آمریکا نیست. با توجه به پروژه بزرگ مقتدی صدر برای بدل شدن به – نسخه بومی شده – ولی فقیه عراق، او نیاز دارد در ساعت صفر و تعیین کننده فوت زعیم حوزه نجف، از پشتوانه دولتی برخوردار باشد تا گام های بعدی را با اقتدار کافی برداشته و از مخالفت های مؤثر و جدی در داخل حوزه های علمیه (به ویژه در نجف) بکاهد. هم چنین در عرصه سیاسی عراق نیز همین چارچوب را پیش ببرد.

ب.نیم نگاهی به تحولات فراسوی عراق به ویژه ایران و تلاش برای برساختن چهره‌ای‌قدرتمند و عربی از خود به عنوان عالم (مرجع) شیعی طراز الحوزه الناطقه:

مقتدی صدر به خوبی می داند که حتی در نسخه عراقیزه شده ولایت فقیه (از نوع حکومتی)، باز هم افکار عمومی خارجی و به ویژه شیعیان از اهمیت به سزایی برخوردار است. به ویژه ایران که بیش از ۴ دهه از نظام سیاسی بر مبنای ولایت فقیه می گذرد و بزرگ ترین کشورصاحب حکومت شیعه محسوب می شود، دارای اهمیت قابل توجهی است. پایگاه اجتماعی و نفوذ مذهبی جریان صدر (حتی در دوره مرحوم سید محمد صدر) محدود به جغرافیای عراق است و حتی در کشورهایی که از نظر فرهنگی نزدیک به عراق هستند، مانند کویت و سوریه نیز کم تر کسی هوادار جدی صدر یا مقلد مرحوم سید محمد صدر بوده است. این در حالی است که حوزه نجف طی قرون متمادی،

قطب علمی جهان تشیع بوده و شیعیان در سرتاسر جهان توجه ویژه ای نسبت به آن دارند. در نسخه‌های سیاسی تر نیز حزب الدعوه را می توان مثال زد که در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ قرن پیشین در بیش تر کشورهای عربی دارای جمعیت قابل توجه شیعه، صاحب شاخه بومی شده بود. به نظر می رسد مقتدی صدر قصد دارد این ضعف را از طریق تشکیل دولت جبران کند؛ دولتی که بتواند تحسین ناظران جهانی و شیعیان خارجی (غیر عراقی) را برانگیزد.

مقتدی صدر بر عروبیت به عنوان عنصری پیشران در مقام مرجعیت شیعی خویش تاکیددارد

ج. آمادگی اولیه برای گذار ساختاری در نظام سیاسی:

سومین نکته ای که در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد، میزان پایستاری نظام سیاسی عراق است. مقتدی صدر طی دو دهه اخیر با ظرافت و مهارت توانسته این تلقی را جا بیندازد که تنها جریان سیاسی بزرگ و فعال عراق است که مخالف ساختار نظام سیاسی فعلی می باشد. البته اشتباه محاسباتی وی در سال ۲۰۲۰ و خروج از میادین تحصن، تصویر مذکور را با چالش های جدی مواجه کرده است. تشرینی‌ها با تشکیک‌های جدی و ارائه سابقه صدر در حکومت، به شدت با تصویر مذکور مخالفت می کنند. نتیجه این مخالفت باعث شده تا توده های عراقی در سال ۲۰۲۱ نسبت به ۲۰۱۹، پذیرش کم تری نسبت به این تصویرسازی داشته باشند. با این حال اگر بخواهیم به صورت نسبی و در مقایسه با احزاب عمده عراقی بنویسیم، هنوز هم صدری ها بازیگر ضدسیستمی[1] و منتقد ساختار موجود شناخته می شوند. به هر حال، فارغ از مواضع شخصی یا عملکرد سیاسی مقتدی صدر، تجربه اعتراضات خیابانی و مطالبات جنبش تشرین نشان داد نظام سیاسی فعلی با چالش جدی در زمینه پایداری مواجه است؛ هرچند این چالش – لزوما – به منزله عدم پایداری و یا محتوم بودن تغییرات ساختاری نیست، بلکه شاید نظام سیاسی بتواند با برخی اصلاحات، چالش مذکور را کم رنگ یا مرتفع سازد. به نظر می رسد مقتدی صدر این چالش را به عنوان یکی از سناریوهای مهم و قابل اعتنا مد نظر دارد و می خواهد از طریق دستیابی به دولت، آن را مدیریت و بلکه مهندسی (در مفهوم عام آن) کند.

۲.علت استعفای اولیه:

با توجه به نکات پیش گفته، این سئوال مطرح می شود که چرا مقتدی صدر در تیرماه از حضور در انتخابات انصراف داد؟ مهم ترین عللی که در این زمینه می توان برشمرد عبارتند از:

الف. مشاهده عدم استقبال کافی هواداران و نگرانی بابت ۱۰۰ کرسی:

نگارنده اعتقاد دارد مقتدی صدر در اواخر تیر ماه به این جمع بندی رسید که برآوردهای پیشین از اقبال عمومی نسبت به جریان صدر واقع بینانه نبوده و میزان آراء احتمالی آن ها بسیار کم تر از تصورات قبلی است. در این زمینه می توان به دو نکته مهم ارجاع داد:

• کمپین البنیان المرصوص

اولین نکته ای که در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد، کمپین «البنیان المرصوص» است که بلافاصله بعد از آن مقتدی صدر دستور تحریم انتخابات را صادر کرد. هیچ آماری از میزان ثبت نام هواداران صدر در این کمپین وجود ندارد؛ اما ساده انگارانه است اگر تصور کنیم استعفای مذکور هیچ ارتباطی با این کمپین نداشته باشد. تا ۳ روز قبل از استعفای مقتدی صدر، صفحات رسمی جریان صدر و شخص مقتدی صدر – به نقل از محمد صالح العراقی – بر مشارکت در این کمپین تأکید داشتند. قطعا سران جریان صدر بهتر از هر فرد دیگری از آمار واقعی میزان مشارکت عمومی در کمپین مذکور خبر دارند.

• اختلافات داخلی جریان صدر به ویژه میان دفتر سیاسی و سرایا السلام

نکته دیگری که در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد، اختلافات داخلی جریان صدر است. در فضای سیاسی غیررسمی عراق مشهور بر این است که فهرست نامزدهای انتخاباتی صدری ها عمدتا برآمده از سرایا السلام می‌باشد و این موضوع مورد انتقاد جدی دفتر سیاسی قرار گرفته است.گفته می شود در این زمینه نیروهای دفتر سیاسی هشدار داده اند که سرایا السلام کم تر از آن ها مورد اقبال عمومی توده های مردمی قرار دارد. این موضوع زمانی شدیدتر شد که یکی از نمایندگان

۱ این تعبیر «ضد سیستمی» در نوشته های نگارنده را به هیچ عنوان نباید برآمده یا شبیه به نظریه یکی از نظریه پردازان داخلی مبنی بر «لزوم چرخش مقاومت از بازیگر سیستمی به بازیگر ضدسیستمی» دانست. نگارنده به طور جدی منتقد نظریه مذکور است و – در صورت لزوم – آمادگی دارد در مقالات دیگر نقد خود را در این زمینه به رشته تحریر درآورد.«ضد سیستمی» در این مقاله، صرفا یک تصویر ذهنی در میان توده های عراقی است نسبت به کسی یا جریانی که منتقد مؤثر و فعال نظام سیاسی فعلی به شمار می رود.

سائرون در استان میسان رسما به عنوان نامزد مستقل در انتخابات حضور یافت. انشعاب داخلی در جریان صدر به قدری جدی شد که حتی مقتدی صدر از طریق صالح محمد العراقی و - در یک مورد - توییتر خود بر «فرمانبرداری و تبعیت از رهبری [جریان صدر]» تأکید کرد. با توجه به این دو نکته، مقتدی صدر به این جمع بندی رسید که انتخابات را تحریم کند تا دستاویز (بهانه) خوبی برای کاهش آراء جریان متبوع خود ایجاد کرده باشد.

ارزیابی اولیه مقتدی صدر از عملکرد کتله الصدر در انتخابات آتی، محرک وی برای کناره گیری موقت از عرصه رقابت های انتخاباتی بود.

ب. تلاش برای حضور در انتخابات، حتی اگر به ۵۴ کرسی سابق هم دست نیابند؛ اما در دولت وزن بالاتر داشته باشند:

گرچه مقتدی صدر انتخابات پارلمان را در تیرماه تحریم کرد؛ اما به خوبی می دانست که می تواند بدنه وفادار و متعصب خود را حتی طی یک یا دو هفته نیز بسیج کرده و پای صندوق های رأی بکشاند. در نتیجه ترجیح داد ابتدا انتخابات را تحریم و سپس در هفته های پایانی با اعلام بازگشت، صرفا آراء متعصبین و وفاداران خود را جلب کرده و فرضا بین ۳۰ تا ۶۰ کرسی پارلمان را به دست آورد. در این سناریو، او در معادلات پساانتخابات تأکید (تبلیغ) می کرد که صدری ها در حالی که مقطع طلایی تبلیغات را به علت تحریم انتخابات از دست داده بودند به این حجم از آراء دست یافتند. پس اگر از ابتدا در انتخابات حضور می‌یافتند، حتی ۱۰۰ کرسی پارلمان نیز دور از دسترس شان نبود!

ج. توقف و کاهش موج فشار تخریبی علیه صدر:

در هفته های منتهی به کناره گیری صدری ها از انتخابات، شاهد آتش سوزی مکرر بیمارستان های عراق بودیم. با توجه به این که وزیر بهداشت منسوب به صدری ها بود، آتش سوزی ها موجب ریزش شدید آراء این جریان گردید. علاوه بر آن، بحران خاموشی و کمبود برق در اوج گرمای تابستان، افزایش نرخ ارز، مناظره غالب الشابندر با مها الدوری و... از دیگر مواردی بود که نشان می داد صدری ها با چالش جدی در زمینه «کارآمدی» مواجه هستند؛ چالشی که رهبران این جریان پاسخ قانع‌کننده‌ای در برابر آن نداشتند. مثلا مها الدوری در پاسخ به وضعیت فاجعه بار انباشت زباله ها در شهرک صدر گفت: «اسرائیل برای تخریب وجهه صدری ها برنامه دارد». مقتدی صدر با هوشمندی و از طریق این استعفا موفق شد موج مذکور را مهار و مانع ریزش روزافزون آراء (بالقوه) جریان متبوع خود شود. ضمن این که با مظلوم نمایی ها در دوره تحریم، عملا زمینه را برای جذب دوباره بخشی از آن آراء بالقوه ریزشی فراهم کرد.

د. پیش بینی درخواست بخشی از گروه‌های سیاسی برای بازگشت به انتخابات و تقویت جایگاه و وزن جریان صدر:

در دوران پس از اعلان تحریم انتخابات توسط مقتدی صدر، بخشی از رهبران سیاسی عراق مانند «مصطفی الکاظمی»، «سید عمار حکیم» و «هادی العامری» و... تلاش کردند وی را از تحریم انتخابات منصرف کنند. به این ها باید اظهار نظر عمومی برخی افراد مانند «ابو آلاء الولایی» فرمانده گروه «کتائب سید الشهداء» را افزود. پیرامون انگیزه این افراد می توان موارد ذیل را مطرح کرد:

• مصطفی الکاظمی

مصطفی الکاظمی تأکید کرد که در انتخابات نامزد نخواهد شد. او بر برگزاری انتخابات در زمان مقرر نیز تأکید خاصی داشت و به شدت با تعویق انتخابات مخالفت می نمود. حتی دو حزب سیاسی نزدیک به الکاظمی نیز در انتخابات حضور ندارند. به نظر می رسد الکاظمی در درجه اول قصد دارد با برگزاری موفق و به موقع انتخابات، کارنامه خوبی از خود در خاطرات ثبت کرده و بر آینده بلندمدت خود سرمایه‌گذاری کند؛ در درجه بعد نیز بی رغبت نیست تا در دولت آینده نیز سهمیه نخست وزیری یا برخی مناصب عالی به خودش یا نزدیکانش برسد. با توجه به هر دو هدف، حضور صدری ها که اولا موجب افزایش مشارکت در انتخابات می شوند و ثانیا تکثر و طبیعتا توزیع آراء جریانات مختلف را افزایش می دهند، از اهمیت به سزایی برخوردار است.

• سید عمار حکیم

سید عمار حکیم، ائتلاف قوی الدوله را یکی از جریانات میانه رو و معتدل در مقایسه با قطب هایی نظیر «المالکی/صدر» و «فتح/تشرینی» می داند و به همین سبب، هر چه بر حضور سلایق متفاوت افزوده شود شانس خود را برای به دست آوردن قدرت، بیش تر و افزون تر ارزیابی می کند. ضمن

این که حضور صدری ها می تواند دستاویز یا بهانه کم‌تری برای اعتراضات خیابانی در دولت آینده در اختیار آنان بگذارد و به نوعی وزن اجتماعی شان را واقعی تر نشان دهد.

• هادی العامری

هادی العامری از دو منظر به حضور مقتدی صدر در انتخابات نیاز داشته و دارد. اول این که در میان رهبران چهار فهرست اصلی مقاومت در انتخابات، العامری تنها گزینه ای است که رابطه حسنه ای با مقتدی صدر دارد و در نتیجه اگر مقاومت در مقام تشکیل دولت قرار گیرد، ممکن است صدری ها – چه به صورت سلبی علیه بقیه رقبای العامری و چه حتی به صورت ایجابی در حمایت از رهبر سازمان بدر – به حمایت از هادی العامری بیایند. علاوه بر آن حضور مقتدی صدر به افزایش آراء انتخاباتی می انجامد و مرحله تبلیغات را پرشورتر می کند. از این منظر نیز برای ثبات آینده نظام سیاسی، حضور مقتدی صدر مفید ارزیابی می شود.

• ابو آلاء الولایی

در مورد ابو آلاء الولایی اما باید تحلیل متفاوتی داشت. او که از انشعابیون جیش المهدی است، به نظر می رسد هنوز هم نسبت به جریان صدر علقه هایی دارد و نمی تواند تمام قد علیه آنان موضع بگیرد. شاید همین موضوع، وجه تمایز مهم آن ها در مقایسه با عصائب اهل الحق و قیس الخزعلی باشد. به هر حال مقتدی صدر با پیش بینی واکنش این افراد، طرحی را پیش برد که به موجب آن اولا وزن و جایگاه جریان صدر بهبود یابد؛ ثانیا شخص مقتدی صدر نیز وجهه «فردی شمول گرا» و «مورد توجه و اعتماد رقبای سیاسی» به خود بگیرد

صدر بر افزایش مقبولیت بین نخبگانی و مردمی جریان متبوع خویش از قبل کناره‌گیری موقت از رقابت های انتخاباتی حساب کرده بود

۳. جهت گیری کلان دولت مد نظر:

سومین جنبه ماجرا که باید در تحلیل برنامه صدری ها در انتخابات مورد توجه قرار گیرد، جهت گیری های احتمالی دولت ایده آل مقتدی صدر است. دولت ایده آل در این قالب، یعنی دولتی که توسط نخست وزیر منتسب به جریان صدر یا معرفی شده از سوی مقتدی صدر تشکیل شود.

الف. نگرش کوتاه مدت برای افزایش اقبال عمومی:

اولین نکته در مورد چنین دولتی، غلبه نگرش های کوتاه مدت بر برنامه های زیرساختی و میان مدت و بلندمدت است. به عبارت دیگر، احتمالا یک «دولت پوپولیست» بر سر کار آید تا محبوبیت توده های فرودست و سرخورده از نظام سیاسی را جلب کند. نکته قابل توجه این است که شعار تکنوکراسی صدری ها و هم چنین سابقه آن ها در بانک مرکزی و افزایش نرخ ارز [1] دقیقا برخلاف پوپولیسم است؛ اما احتمالا دولت برآمده از جریان صدر دقیقا در راستای پوپولیسم تلاش کند؛ زیرا مقتدی صدر به شدت نیازمند تقویت پایگاه مردمی خود در کوتاه مدت – جهت برنامه بلندمدتی که در قسمت پیشین بیان گردید – می باشد. از طرف دیگر این رویکرد پوپولیستی می تواند – از منظر توده های عراقی – وجه تمایز دولت صدری ها با دولت های پیشین عراقِ پسا صدام باشد.

ب.احتمال گرایش به محور عربی برای جذب سرمایه بیش تر جهت ریخت و پاش مالی و تزریق نشاط و امید به جامعه:

به موازات اجرای طرح های پوپولیستی، عراق به شدت نیازمند تزریق بودجه خارجی در جهت «بازسازی و توسعه زیرساخت ها» است. ضمن این که همین طرح های پوپولیستی نیز هزینه کرد فراوانی دارد. در همین چارچوب می توان پیش بینی کرد که مقتدی صدر برای جلب حمایت کشورهای عربی تلاش می کند. به نظر می رسد برای کشورهای حاشیه خلیج فارس، بهترین گزینه در مقطع فعلی مقتدی صدر باشد تا بغداد را در ازای کاهش نفوذ ایران در عراق تقویت کنند. در همین راستا برخی طرح های کلان اقتصادی حتی می تواند تغییراتی در کالبد اجتماعی جامعه عراق ایجاد کند؛ مانند طرح جامع کشاورزی مدنظر عربستان سعودی در جنوب استان شیعه نشین مثنی.

مقتدی صدر بر همگرایی هر چه بیشتر با کشورهای عربی خلیج فارس با هدف تسریع روند بازسازی و توسعه اقتصادی عراق تاکید دارد

۱ به عقیده بسیاری از اقتصاددانان و کارشناسان مالی، افزایش نرخ ارز اقدام منطقی و انتخابی بهینه در مقایسه با خطرات کسری بودجه و چاپ پول بود. اما از منظر اقتصاد سیاسی، اقدامی ضدپوپولیسم بود که انتقاد توده ها را می‌برانگیخت.

ج. توجه ویژه به معادلات امنیتی؛ تلاش برای انحلال/ ادغام حشد به عنوان مهم ترین مانع در پازل پیش رو:

همان طور که بالاتر بیان گردید، صدری ها از سال ۲۰۰۳ تاکنون همواره نسبت به مناصب عالی امنیتی دولت عراق حساسیت داشتند؛ اما هیچ گاه نتوانستند این مناصب را در اختیار بگیرند[1]. علاوه بر نکته کلی فوق الذکر، مقتدی صدر به صورت خاص نسبت به حشد الشعبی حساسیت ویژه و بسیار بالایی دارد؛ به طوری که حاضر نشد سرایا السلام را ذیل ستاد حشد الشعبی تعریف کند. ریاست حشد الشعبی از زمان تاسیس، در اختیار فالح الفیاض می باشد که مخالف جدی مقتدی صدر به شمار می رود و رهبر جریان صدر چندین بار علیه وی بیانیه داد و تمام پتانسیل و توان خود را برای ممانعت از رسیدن فیاض به وزارت کشور به کار گرفت. فالح الفیاض از زمان تأسیس ستاد حشدالشعبی، تقریبا به صورت خودمختار و مستقل از نخست وزیر برنامه ریزی کرده و در نتیجه از نظر ساختاری، حشد به صورتی است که حتی با تغییر رئیس نیز به سختی می توان لایه های مختلف آن را در اختیار گرفت. نایب رئیسی (جانشین فرماندهی) حشد نیز همواره در اختیار کتائب حزب الله بوده؛ چه در دوره شهید ابومهدی المهندس و چه در دوره ابوفدک، فرماندهانی در این سمت مشغول بودند که از اصلی ترین مخالفین مقتدی صدر به شمار می روند. در لایه های دیگر نیز گروه های انشعابی از جیش المهدی به ویژه دو گروه «عصائب اهل الحق» و «نجبا» نفوذ بسیار بالایی دارند. به این ها باید نقش نوری المالکی در تأسیس سازمان فعلی فرماندهی حشد را افزود. مجموع این شرایط باعث می شود مقتدی صدر به صورت جدی نسبت به حشد الشعبی احساس خطر کند و در نتیجه بر ادغام کامل آن در ارتش و نهادهای امنیتی کلاسیک عراق تأکید نماید. این نکته زمانی اهمیت مضاعف و بلکه ضروری می یابد که در نظر بگیریم مقتدی صدر سودای رهبری مذهبی یا چیزی شبیه به ولایت فقیه را در نظر دارد. او به خوبی می داند که بخش عقیدتی حشد یکی از پیشقراولان ترویج ولایت فقیه (از نوع ایران) در عراق بوده و هرگز زیر بار رهبری مقتدی نمی رود. احتمالا در طرح مدنظر صدر برای ادغام حشد در ارتش و نهادهای امنیتی، بخش عقیدتی حشد منحل خواهد شد.

سناریوهای موجود صدری ها در انتخابات ۲۰۲۱

در این بخش، به بررسی سناریوهای موجود پرداخته و تبعات هر یک را به صورت جداگانه بررسی می کنیم. این سناریوها بر مبنای نتایج انتخابات عراق تنظیم شده است. در هر سناریو، چند بعد را به ترتیب ذیل مورد توجه قرار می دهیم:

۱. نسبت صدری ها با دیگر جریانات شیعه پارلمان؛

۲. رایزنی با گروه های عمده سنی و کرد و تلاش برای تشکیل بزرگ ترین فراکسیون ائتلافی پارلمان جهت معرفی نخست وزیر؛

۳. معادلات امنیتی و مسأله ادغام حشدالشعبی؛

۴. پایستاری نظام سیاسی در این سناریو؛

۵. روابط خارجی بغداد.

باید توجه داشت که سناریوهای ذیل معطوف به وضعیت جریان صدر و احتمال نخست وزیری یا پراتیک سیاسی این جریان در معرفی نخست وزیر تدوین شده اند. طبعا فضای سیاسی کلان عراق متأثر از بازیگرهای متعددی است و تحلیل جامع انتخابات عراق زمانی صورت می گیرد که همین سناریوها را معطوف به دیگر بازیگران درجه اول و صحنه ساز انتخابات تدوین کنیم. این سناریوها عبارتند از:

۱. موفقیت قاطع صدر برای تشکیل دولت

سناریوی ایده آل برای صدری ها همین سناریو می باشد. در این حالت، صدری ها از موضع قدرت رفتار کرده و نخست وزیر را برمی گزینند. آن ها از موضع بالا، گروه‌های سیاسی رقیب را تهدید خواهند کرد که در صورت تلاش برای ائتلاف سازی و ربودن شانس معرفی نخست وزیر از صدری ها، هواداران خود را به خیابان خواهند ریخت و اجازه تکرار وقایع ۲۰۱۰ را نخواهند داد.

الف. صدری ها نسبت به معرفی نخست وزیر هیچ مسامحه ای نشان نمی دهند؛ اما در قبال ترکیب کابینه احتمالا در پی جلب نظر دیگر جریانات شیعی خواهند

[1] در این زمینه مقایسه آن ها با «سازمان بدر» به عنوان یک رقیب سیاسی، قابل توجه است.

بود. در این زمینه احتمالا «مصطفی الکاظمی»، «سید عمار حکیم»، «حیدر العبادی»، «هادی العامری»، گرایش‌های میانه رو و تعامل جو در میان «تشرینی ها» و بالاخره «حزب فضیلت» در دستور کار رایزنی قرار می گیرند. حتی در صورت تشکیل فراکسیون اپوزیسیون از سوی مقاومت – به محوریت نوری المالکی و فالح الفیاض – باز هم می توان احتمال داد که مقتدی صدر برای جلب نظر هادی العامری تلاش خواهد کرد. حتی در حالت های بدبینانه (عدم حضور هادی العامری و بدر در دولت)، احتمال انشعاب علنی افرادی از قبیل «قاسم الاعرجی» منتفی نخواهد بود. اما نکته اساسی این جاست که همان گونه که مقتدی صدر برای اقناع سیدعمار حکیم و هادی العامری جهت حضور در دولت تلاش خواهد کرد؛ به همان نسبت بعد از تثبیت دولت تلاش می کند این دو فرد را در سطح جامعه تضعیف نماید؛ مگر این که خطر پایگاه مردمی مقاومت را جدی تر ارزیابی کند؛ در آن صورت حکیم و عامری را تقویت می کند تا از بدنه مردمی مقاومت جذب کنند.

ب. مقتدی صدر پیش تر هم با ملامسعود بارزانی هم با محمد الحلبوسی رایزنی کرده است. ضمن این که روابط وی با النجیفی ها و متحدون نیز بد نیست و می تواند روی ائتلاف با آن ها نیز حساب کند. در این سناریو، قطعا طرف های سنی و کردی فوق الذکر نیز از مشارکت در دولت و ائتلاف با مقتدی صدر حمایت خواهند کرد؛ زیرا علاوه بر منافع ناشی از حضور در دولت، نمی خواهند خشم و کینه مقتدی صدر را نسبت به خود برانگیزند.

ج. در این سناریو، یکی از مهم ترین برنامه های مقتدی صدر، مسئله ادغام حشد در نهادهای نظامی و امنیتی است؛ زیرا او به خوبی می داند که این فرصت را نباید از دست بدهد و بعید است در آینده باز هم بتواند چنین فرصتی را به دست آورد. در نتیجه مقتدی صدر – حتی به قیمت برهم خوردن رابطه وی با هادی العامری – بحث انحلال یا ادغام حشد را با قدرت دنبال خواهد کرد. پاشنه آشیل وی در چنین سناریویی، مسئله «سلاح المنفلت» خواهد بود که با توجه به واکنش احتمالی سراياالسلام، می تواند عراق را تا آستانه جنگ داخلی پیش ببرد؛ اما – حداقل در فضای عمومی – صدری ها خود را آماده چنین فضایی کرده و معتقدند بعد از یک جراحی دقیق، امنیت کامل را در عراق محقق خواهند کرد.

د. پایستاری نظام سیاسی در این سناریو به سه عامل ذیل بستگی دارد:

• موفقیت جریان صدر برای تشکیل دولتی همه شمول با حضور لایه هایی از تشرینی ها و همچنین تکنوکرات های مورد اقبال مردم: هر اندازه این دولت شمول گرایی بیش تری داشته باشد، احتمال پایستاری نظام سیاسی و مدیریت اصلاحات ساختاری توسط خود مقتدی صدر بیش تر خواهد بود.

• درگیری احتمالی با بخشی از حشد که زیر بار ادغام نمی‌رود: درگیری و جنگ داخلی احتمالی، بهترین بستر برای اعلام حالت فوق العاده و حتی شبه نظامی خواهد بود که مقدمه تغییر نظام سیاسی توسط مقتدی صدر را می تواند فراهم کند. اگر بدون حالت فوق العاده مقتدی صدر و ارتش عراق بتواند در درگیری احتمالی موفق شود، می توان پیش بینی کرد جریان مقابل نه مانند ۲۰۰۸ جیش المهدی – که از نظر نظامی به محاق رفت – بلکه مانند تجربه کتائب حزب الله در دور نخست به عملیات‌های فرسایشی نظیر نظریه «حرب الاستنزاف» روی بیاورند.

• موفقیت در برنامه های اقتصادی کوتاه مدت و پوپولیستی: هر قدر این برنامه اقتصادی موفق تر بوده و پایگاه اجتماعی مقتدی صدر را بزرگ تر سازد، احتمال پایستاری نظام سیاسی و مدیریت اصلاحات ساختاری توسط خود مقتدی صدر بیش تر خواهد بود. اما با شکست احتمالی این برنامه ها، آلترناتیو اصلی نه مقاومت یا اپوزیسیون درون نظام، بلکه مخالفان ساختاری و تشرینی ها خواهند بود.

ه. در مورد روابط خارجی پیش تر توضیح دادیم. احتمالا مقتدی صدر دست های دوستی و همکاری گسترده را به طرف شیخ نشین های حاشیه جنوبی خلیج فارس دراز خواهد کرد. او البته همزمان نگاه جدی به تهران دارد. گرچه سودای ناسازگاری با ساز تهران خواهد داشت، اما اقبال عمومی بدنه مردمی در ایران، برایش از اهمیت به سزایی برخوردار است که در ابتدای این برآورد راهبردی آن را توضیح دادیم.

۲. موفقیت نسبی و دستیابی به فهرست نخست با حفظ – تقریبی – سهمیه ۵۴ نفره فعلی

در این سناریو، فهرست انتخاباتی الکتله الصدریه نسبت به سایر فهرست های انتخاباتی حائز اکثریت خواهد بود؛ اما در کل وزن آن به قدری نیست که بتواند نسبت به تشکیل دولت اطمینان خاطر ایجاد کند. در واقع در این سناریو، مهم ترین عامل لابی های پساانتخابات برای تشکیل فراکسیون بزرگ تر خواهد بود.

الف. صدری ها در این سناریو نیز بر حق انحصاری خود برای معرفی نامزد تأکید کرده و حتی هوادارانشان در چند منطقه

احتمال دارد تحرکاتی داشته باشند. اما شخص مقتدی صدر در رایزنی های سیاسی، در صدد جلب نظر رهبران جریان های دیگر برای تشکیل کابینه ائتلافی خواهد بود. ایده «صدری اعتقادی و نه تشکیلاتی» در این زمینه رهیافت مناسبی است. در این سناریو احتمال دارد حتی نخست وزیری به فردی مانند مصطفی الکاظمی (نه لزوما شخص وی، بلکه شخصیت های سیاسی غیرحزبی مورد اقبال نسبی برخی جریانات سیاسی) برسد. اما شرط اصلی این است که نیروهای مخصوص و معتمد صدر را در دو گلوگاه مهم امنیت و اقتصاد قرار دهد. در این سناریو، اهمیت و وزن گروه های سنی و کرد به میزان قابل ملاحظه ای افزایش می یابد. تمرکز صدر در درجه اول بر حلبوسی و بارزانی خواهد بود؛ اما برای موفقیت در این مسیر باید بخش قابل توجهی از شیعیان را نیز همراه کند.

ب. همه چیز در این سناریو، به ترکیب نهایی ائتلاف بستگی دارد؛ اما مقتدی صدر حتی الامکان بر مسئله ادغام حشد در نهادهای امنیتی اصرار خواهد کرد.

ج. در این سناریو، اگر صدری ها موفق به تشکیل دولت نشوند، نظام سیاسی با خطر فروپاشی به صورت جدی‌تری مواجه خواهد شد؛ زیرا نه نظام از قوام سال ۲۰۱۰ برخوردار است و نه صدری ها مانند ایاد علاوی تمکین خواهند کرد. از سوی دیگر، صدری ها به حالت نیمه بن بست در ساختار فعلی می رسند و توانشان در کنار نیروهای ضدساختاری و حتی تشرینی ها متحد خواهد شد تا کلیت نظام سیاسی را تحت فشار قرار دهند. در صورت موفقیت صدری ها در تشکیل کابینه، پایداری نظام سیاسی، وابسته به کارنامه دولت مربوطه خواهد بود. در این صورت، حتی اپوزیسیون داخل نظام (مقاومت) باید با دولت ائتلافی صدری ها راه بیاید؛ زیرا آلترناتیو اصلی مخالفان ساختاری و تشرینی ها خواهند بود.

د. احتمالا همین فضای فعلی (دکترین حیاد) تداوم می‌یابد و تفاوت جوهری از این نظر ایجاد نخواهد شد؛ مگر این که دولت ائتلافی در حوزه امنیتی امتیازات ویژه ای (مانند انحلال حشد) بدهد که نظر غرب و کشورهای عربی جلب شود. البته در این زمینه نوع واکنش تهران و مقاومت نیز بسیار مهم و مؤثر خواهد بود.

۳. سه ضلع با بخت تقریبا مساوی: صدر، قوی الدوله و مقاومت

در این سناریو، تقریبا هر سه ضلع مهم بیت شیعی در این انتخابات از بخت مساوی برخوردار خواهند بود.

الف. در این حالت، سناریوی ایده آل مقاومت، دور زدن صدر و ائتلاف با حکیم است و سناریوی ایده آل صدری ها کنار زدن مقاومت و ائتلاف با حیدر العبادی و حکیم. در این حالت شانس گزینه های مرضی الطرفین بسیار بالا می رود.

ب. این سناریو، بهترین حالت ممکن برای گروه‌های سنی و کرد خواهد بود و حتی ممکن است به تقسیم و تجزیه آن ها هم کشیده شود. حلبوسی طرف پیروز می ایستد؛ اما ترجیح شخصی وی احتمالا به سمت حکیم و در درجه بعد صدر خواهد بود. خمیس خنجر به فهرست فالح فیاض اضافه می گردد؛ اما ممکن است بخشی از بدنه وی به سمت صدر بیایند، مشروط بر این که وعده انحلال حشد را تحقق‌پذیر ارزیابی کنند. نجیفی ها هم احتمالا در کنار صدر یا عبادی قرار بگیرند. حزب اسلامی قطعا در کنار فیاض می ماند و ابومازن هم در انتظار رایزنی ها خواهد ماند. در بیت کردی، مواضع پیچیده تر و سخت تر خواهد بود و همگی در انتظار وزن کشی اولیه در بیت شیعی و سپس سنی خواهند ماند. با این حال تمایل اتحادیه میهنی به فتح و پارتی به صدر خواهد بود.

ج. همه چیز در این سناریو، به ترکیب نهایی ائتلاف بستگی دارد؛ اما مقتدی صدر حتی الامکان بر مسئله ادغام حشد در نهادهای امنیتی اصرار خواهد کرد.

د. رقابت شدید لابی ها اگر به خیابان کشیده شود، چالش جدی برای نظام ایجاد می گردد و صدری ها به خوبی از این نکته آگاهند.

ه. احتمالا همین فضای فعلی (دکترین حیاد) تداوم می‌یابد و تفاوت جوهری از این نظر ایجاد نخواهد شد.

۴. شکست نسبی صدر و اکثریت یافتن قوی الدوله

در این سناریو، فهرست قوی الدوله یا ائتلاف حکیم و عبادی حائز اکثریت خواهد شد.

الف. به صورت عمومی ائتلاف قوی الدوله در میانه دو رأس صدری ها و مقاومت قرار دارد و از پتانسیل بیش تری برای شمول گرایی و ائتلاف برخوردار است. ضمن این که بافت آن را احزاب نوظهور یا افراد سرخورده از احزاب تشکیل می‌دهند و به همین جهت از قابلیت بالقوه بیش تری برای جذب نیروهای مستقل برخوردارند. لذا احتمالا دولت ائتلافی با ابتکار عمل سید عمار حکیم و حیدر العبادی تأسیس خواهد شد. در این سناریو، باز هم اولویت صدری ها بر نخست وزیری حیدر العبادی نسبت به اعضای تیار الحکمه خواهد بود؛

زیرا نسبت به آینده میان مدت، صدری ها رقیب اصلی خود را حکیم می دانند. به عبارت دیگر تیار الحکمه یک سازمان سیاسی فراگیر شده که حتی در استان های سنی‌نشین و کردی نیز پایگاه و دفاتر فعال دارد. این موضوع در کنار خاستگاه نجفی و خانوادگی عمار حکیم، حساسیت (منفی) بیش تری برای مقتدی صدر ایجاد می کند.

ب. سید عمار حکیم نخستین منادی جدی «تحالفات عابر للطائفیه» از حدود دو سال قبل بود و احتمالا در این زمینه مشکل چندانی نخواهد داشت. ضمن این که حیدر العبادی نیز گرچه روابط چندان حسنه ای با کردها ندارد؛ اما از سال ۲۰۱۸ مورد اقبال نسبی برخی گرایش های اهل تسنن بود.

ج. ایده ادغام یا انحلال حشد در این سناریو از احتمال بسیار کمی برخوردار است؛ اما احتمال دارد ائتلاف قوی الدوله به صورت ویژه بر روی «انضباط سازمانی» در داخل حشد تمرکز و بدین طریق با «السلاح المنفلت» برخورد کند.

د. در این سناریو، نظام سیاسی با تهدید کم تری مواجه است؛ مشروط بر این که صدری ها بنای رجوع به خیابان را نداشته باشند و یا در مقابل السلاح المنفلت صبر دولت را لبریز نکند.

ه. همین فضای فعلی (دکترین حیاد) تداوم می یابد و تفاوت جوهری از این نظر ایجاد نخواهد شد.

۵. شکست نسبی صدر و اکثریت یافتن مقاومت (بدون وجود دست برتر)

در این سناریو، بلوک کلی مقاومت حائز اکثریت نسبی خواهد شد؛ اما در داخل فضای مقاومت هیچ یک از چهار ضلع اصلی وزن بیش تری نخواهند داشت.

الف. مقتدی صدر در این سناریو تلاش می کند هادی العامری را به دولت بفرستد و خودش ژست مستقل و بلکه معارض را اتخاذ می کند.

ب. تمرکز صدری ها در این سناریو بر دستیابی به یک ائتلاف بزرگ علیه مقاومت خواهد بود و در صورت بعید بودن دستیابی به هدف، احتمالا وارد معادلات فراشیعی نخواهند شد.

ج. بدیهی است ایده ادغام حشد منتفی می گردد. اگر نوری المالکی به نخست وزیری برسد، احتمال «احتواء» سلاح المنفلت بسیار بالا خواهد بود.

د. پایداری نظام سیاسی در این سناریو به طور جدی وابسته به امنیت عمومی جامعه و فضای داخلی پارلمان و رویکرد صدری هاست. احتمالا صدری ها دیر یا زود به خیابان بازمی گردند؛ اما مهم این است که دولت بتواند در همان ماه‌های نخست اطمینان سازی کند. در همین چارچوب، مسئله مهار سلاح غیرمنضبط از اهمیت به سزایی برخوردار است.

ه. همه چیز بستگی به ترکیب دولت آینده دارد. احتمالا مناسبات تهران - بغداد بیش از پیش تقویت شود؛ اما این که فضای کلی آن ذیل حیاد یا مقاومت باشد به معادلات داخلی عراق و ترکیب دولت آینده بستگی دارد.

جمع‌بندی و پیشنهادات

۱. مسئله مقتدی صدر به مراتب بزرگ تر از انتخابات و دولت آینده می باشد. او برای نوعی از ولایت فقیه متناسب با ساختار کشور عراق برنامه ریزی کرده است.

۲. مهم ترین مسئله در فردای پسا انتخابات، تلاش مقاومت برای همگرایی و ائتلاف با قوی الدوله باید باشد. به جز در سناریوی نخست، در تمام سناریوها این مسئله از اهمیت به سزایی برخوردار است. قطعا هزینه ای که در این راه داده می‌شود، کم تر از درگیری های -احتمالی -داخلی خواهد بود.

گام‌های بلند نوری المالکی برای دستیابی مجدد به نخست‌وزیری

میز عراق و شامات
اندیشکده جریان

مقدمه

در فاصله دقیقا یک ماه مانده به انتخابات پارلمان عراق، رقابت فهرست های مختلف در دوره تبلیغات از یک طرف و رایزنی های فشرده سیاسی برای دستیابی به نخست وزیری از طرف دیگر اوج گرفته است. در این زمینه، «نوری المالکی» یکی از جدی ترین افراد برای دستیابی به نخست وزیری است و در این راستا تلاش می کند دوران دولت نخست خود را به نوعی بازسازی کند. در این مقاله به بررسی موقعیت و برنامه های دبیرکل حزب الدعوه و رهبر ائتلاف انتخاباتی «دولة القانون» می پردازیم.

نوری المالکی طی ماه های اخیر برای دستیابی به منصب نخست وزیری بسیار پرتلاش و جدی ظاهر شده است. اوج آن را می توان در چینش فهرست دولة القانون و جذب چهره‌های متنفذ عشیره ای و حتی برخی از تشرینی های مورد حمایت عشیره ها و قبائل دانست که نشان می داد نوری المالکی – نسبت به دیگر رهبران سیاسی عراق – خود را با تغییرات ساختاری انتخابات آماده ساخته است. به عنوان نمونه می توان از «شیخ ضرغام المالکی» یاد کرد که از اصلی ترین پشتوانه های تشرینی ها در بصره به شمار می رفت و حالا در فهرست دولة القانون در کنار نوری المالکی ایستاده است.

اما اقدامات نوری المالکی به موارد پیشین محدود نبود. سفر وی به اربیل و دیدار با ملا مسعود بارزانی را کم تر کسی در عراق می توانست پیش بینی کند. بدترین روابط میان بغداد و اربیل در دوره مالکی رقم خورده بود و با کمی اغماض می توان گفت در میان جریانات سیاسی درجه اول بغداد، مسعود بارزانی بدترین رابطه را با نوری المالکی داشته است. حالا اما در آستانه لابی های انتخاباتی، نوری المالکی به اربیل می رود و ملا مسعود بارزانی – که در ظاهربازنشسته شده است – از او میزبانی می کند.جالب تر

این که همزمان جنبش حقوق، همراهی بسیار پررنگی با مالکی دارد و عملا آن ها را بیش تر از هادی العامری و فهرست فتح تبلیغ می کند. در همین راستا باید توجه داشت که جنبش ربع الله (منتسب به کتائب حزب الله) کم تر از یک سال قبل به دفتر نمایندگی حزب دموکرات (حزب تحت رهبری خانواده بارزانی) حمله و پرچم اقلیم کردستان را به آتش کشیدند. حال نوری المالکی می تواند همزمان حمایت اولیه فهرست حقوق و بارزانی را با هم جلب کند! به همین جهت، در این برآورد راهبردی به بررسی زمینه ها، سناریوهای احتمالی و پیامد هر یک از سناریوها می پردازیم.

کارنامه نوری المالکی در عراق پساصدام

در بحث های ناظر به تشکیل دولت آینده ویژگی های دولت اول نوری المالکی را می توان این گونه فهرست کرد:

۱ .موازنه میان ایران و آمریکا

یکی از مهم ترین مسائل فعلی حوزه سیاست عراق، مسئله سیاست خارجی آن و مشخصا رقابت میان تهران و واشنگتن درعراق است که طی یک سال اخیر با مسئله‌عملیات های مسلحانه و نهایتا توافق راهبردی برای خروج نظامیان عملیاتی آمریکا و بقای نیروهای مستشار و آموزشی به مسائل حیاتی حوزه سیاست و امنیت عراق تبدیل شده است. در این زمینه نوری المالکی برند برجسته ای دارد: «کسی که - در دولت اول خود - به خوبی در ایجاد موازنه مثبت میان تهران و واشنگتن موفق بود.»

۲. مبارزه با گروه های خارج از قانون

یکی از مهم ترین مسائل سیاست داخلی عراق، موضوع دوگانه «تیار الدولة و تیار اللادولة» است.نوری المالکی در دولت اول خود به شدت با گروه های مسلح خارج از دولت جنگید که در این زمینه، علاوه بر عملیات علیه گروه های تروریستی متصل به القاعده و... می توان به عملیات «صولة الفرسان» اشاره کرد که باعث انحلال جیش المهدی گردید. این عملیات، عملا مهر ابطال نهایی را بر وحدت بیت شیعی زد. نوری المالکی خودش کسی است که در سال ۲۰۰۶ از طریق فهرست مشترک جریانات اصلی شیعی (العراقی الموحد) به نخست وزیری رسید که یکی از اضلاع مهم آن صدری ها بودند؛ اما در سال ۲۰۰۸ جنگ تمام عیاری علیه جیش المهدی کلید زد و عملا قاعده «حصر سلاح در دست دولت» را بر متحدین سیاسی ترجیح داد.

۳ .تلاش برای تشکیل دولت مقتدر و تأمین امنیت

یکی از مهم ترین ویژگی های نوری المالکی را باید اولا در اقتدار شخصی وی - که بعضا حمل بر تمامیت خواهی می شود - و در کنار آن اولویت‌بخشی به امنیت در مقایسه با مسائل دیگر دانست که دولت اول وی نمونه تمام عیار این رویکردها بود. در شرایط فعلی نیز دو مسئله تأمین امنیت و دولت مقتدر از مطالبات جدی جامعه عراق است و نوری المالکی به سابقه خود در دولت اول استناد می کند. دولت دوم نوری المالکی، مقطع اوج گیری اختلافات سیاسی بود؛ به طوری که کشور عراق به آستانه تجزیه رسید و عملا اربیل به مرکز رایزنی علیه دولت مرکزی تبدیل شده بود و همزمان در غرب عراق نیز اهل تسنن شورش کردند که نهایتا به ظهور داعش منتهی گردید. در نتیجه مهم ترین ویژگی دولت دوم وی را می بایست اولا «تشدید اختلافات سیاسی» (به ویژه با توجه به روحیات شخصی نوری المالکی) و ثانیا «خطر تجزیه عراق» دانست. ضمن این که باید به سیاست خارجی بغداد در این دوره اشاره نمود که عملا بسیاری از ناظران منطقه ای دیپلماسی بغداد را تابع ایران ارزیابی می کردند.

نوری المالکی در سال ۲۰۰۸ فرمان عملیات سرکوب و خلع سلاح جیش المهدی را صادر کرد. از آن زمان، بیش ترین دشمنی و تقابل میان مالکی و صدر وجود دارد. هواداران دولة‌القانون، این اقدام را نشانه قاطعیت مالکی برای حصر سلاح در دست دولت و برخورد با گروه های مسلح نامنضبط می خوانند.

در انتخابات ۲۰۱۴، گفتمان انتخاباتی دولة القانون کاملا طائفه‌ای‌وحول‌حقوق‌اکثریت(شیعیان)تنظیم‌شده‌بود.
این گفتمان انتخاباتی همزمان با رشد افراطی گری در بیوت سنی و کردی، مورد اقبال شیعیان قرار گرفت و عملا در آستانه دستیابی به نخست وزیری قرار گرفت. در این مقطع، ملامسعود بارزانی در اربیل صریحا اعلام کرد از این پس نمی تواند سیادت نوری المالکی را تحمل کند

و در صورت نخست وزیری وی در بغداد، اقلیم کردستان اعلام استقلال خواهد کرد. همزمان سقوط دومینووار مناطق سنی نشین آغاز شد. در موصل بعد از اشغال داعش، جمعیت قابل اعتنایی به خیابان ریخته و جشن گرفتند؛ زیرا از سیطره «دولت صفوی» (اشاره به دولت نوری المالکی) خارج شده اند. داعش پس از موصل نیز به پیشروی های سریع خود در مناطق سنی نشین ادامه می داد و تقریبا هیچ گونه مقاومت معناداری علیه آن درمناطق عرب نشین - شمال‌صورت نگرفت تابه‌مناطق‌حساس‌استان صلاح الدین و کرکوک‌برسد. درچنین‌وضعیتی‌مرجعیت‌اعلای‌شیعیان‌عراق دخالت کرده‌و خواستارممانعت‌ازتمدیددوره‌نخست وزیری‌نوری المالکی شد. استدلال اصلی در این زمینه، «بقای عراق» عنوان شد. این نخستین دخالت مستقیم مرجعیت در مسئله انتخاب نخست وزیر بود.

با رسیدن حیدر العبادی به نخست وزیری، اختلاف میان وی و نوری المالکی بالا گرفت. اختلافات داخلی حزب الدعوه

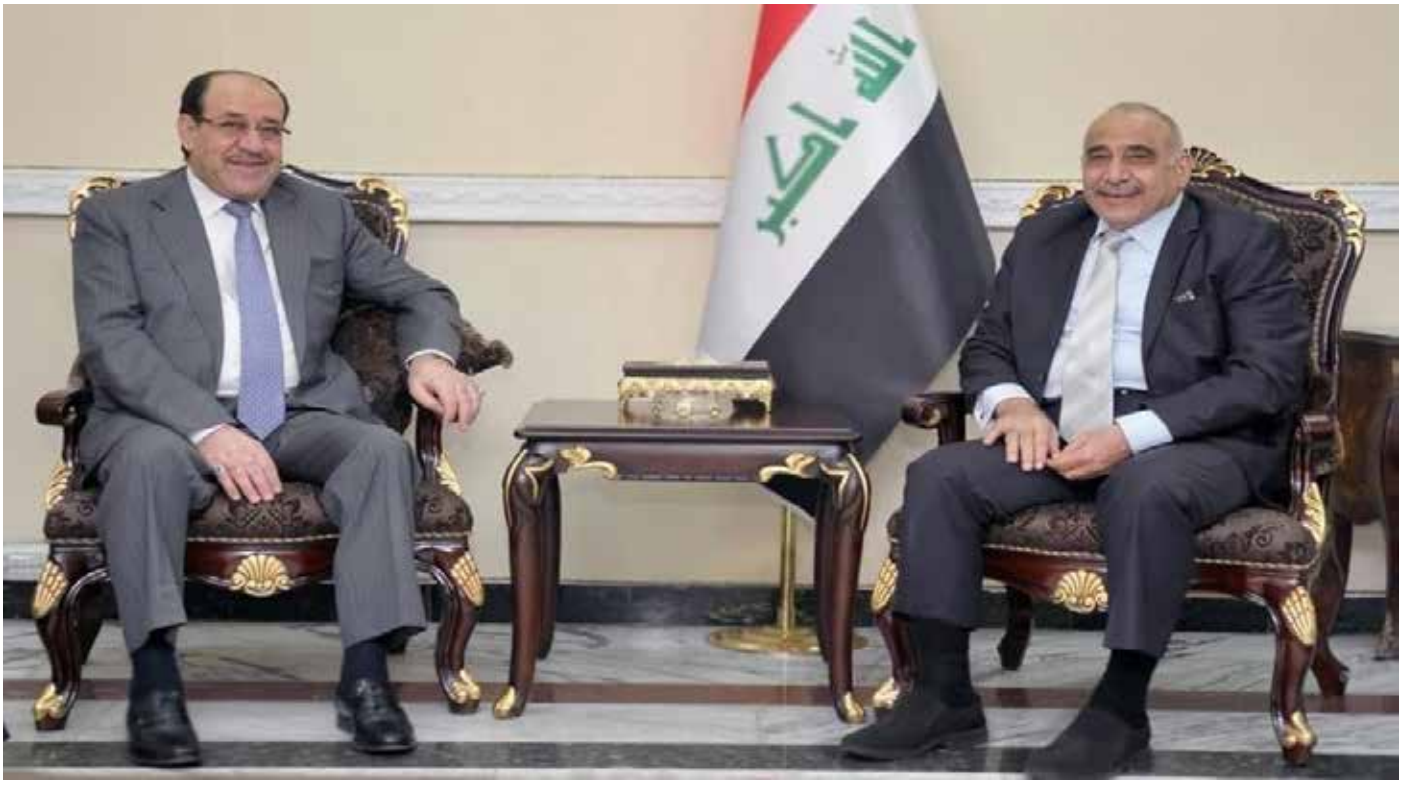

محدود به حیدر العبادی و نوری المالکی نبود و این حزب، دست کم دو مورد انشعاب گسترده دیگر را نیز تجربه کرد. از سوی دیگر، نوری المالکی که میزان همراهی و همکاری حزب الدعوه با خود را کافی نمی دانست؛ شخصا تأسیس یک تشکیلات جدید به نام «حرکه البشائر» را در دستور کار قرار داد. هرچند مالکی چون نمی خواست منصب یا برند «دبیرکل حزب الدعوه» را از دست بدهد، به عضویت رسمی حرکه البشائر درنیامد و رهبری آن را به یاسر المالکی سپرد. در مجموع باید این دوره را «افول تاریخی حزب الدعوه» خواند؛ قدیمی ترین حزب شیعی عراق، حزبی که از زمان

برگزاری نخستین انتخابات همواره منصب‌نخست‌وزیری را در اختیار داشت و... در این مسئله قطعا دبیرکل تشکیلات از افرادی است که مورد سئوال قرار می گیرد.

یکی از مسائل مهم این دوره، گزارش کمیته ویژه بررسی علل سقوط موصل در پارلمان عراق بود. این کمیته متشکل از ۲۰ نماینده وابسته به فراکسیون های مختلف پارلمان بود و ریاست آن را «حاکم الزاملی» از رهبران سرشناس جریان صدر و رئیس وقت کمیسیون امنیت ملی پارلمان بر عهده داشت. این کمیسیون، گزارش نهایی خود را در آگوست ۲۰۱۵ (مرداد ۱۳۹۴) منتشر کرد و در آن ۳۶ مسئول سیاسی و نظامی سابق را به عنوان متهمین سقوط موصل معرفی نمود. در رأس این فهرست، «نوری المالکی» نخست وزیر وقت و فرمانده کل قوای مسلح آن زمان قرار داشت. گزارش این کمیسیون به قوه قضائیه ارائه گردید و پارلمان خواستار محاکمه کلیه متهمین (بدون استثنا) شد. حنین قدو از اعضای فراکسیون دولة القانون که در این کمیسیون عضویت داشت، حاضر

به امضای بیانیه پایانی نشد. علاوه بر نوری المالکی، اسامی مقامات بلندپایه دیگری مانند «سعدون الدلیمی» (وزیر دفاع وقت)، «بابکر زیباری» (رئیس ستاد مشترک ارتش)، «عبود قنبر» (معاون هماهنگ کننده ستاد مشترک ارتش)، «علی غیدان» (فرمانده نیروی زمینی)، «مهدی الغراوی» (فرمانده عملیات نینوی) و «اثیل النجیفی» (استاندار وقت نینوی) نیز در گزارش متهمین علل سقوط موصل درج شده بود. نوری المالکی در واکنش به این گزارش، در تهران به خبرنگار شبکه العالم گفت: «نتایج این کمیسیون هیچ ارزشی ندارد و

باطل است. آن چه در موصل اتفاق افتاد، توطئه ای بود که در آنکارا طراحی و به اربیل منتقل شد.» عملا این گزارش به علت مخالفت گروه های سیاسی ذی نفع (به ویژه حامیان نوری المالکی، مسعود بارزانی و اسامه النجیفی) به بایگانی منتقل شد. در انتخابات ۲۰۱۸، برای اولین بار «هادی العامری» فهرست مستقلی را ارائه داد که مشخصا می توانست بخشی از آراء سرگردان سابق حزب الدعوه را نیز به خود جلب کند. ضمن این که - طبق انتظاری که می‌رفت - نوری المالکی و حیدر العبادی در دو فهرست مجزا به عرصه وارد شدند. در نتیجه فهرست دولة القانون نسبت به انتخابات های قبلی ضعیف تر ظاهر گردید. طبق نتایج اعلامی، دولة القانون با ۲۵ کرسی در جایگاه چهارم و بعد از سائرون (مقتدی صدر)، فتح (هادی العامری) و نصر (حیدر العبادی) قرار گرفت که به ترتیب ۵۴، ۴۸ و ۴۲ کرسی را به دست آورده بودند. بعد از انتخابات، رقابت برای تشکیل بزرگ ترین فراکسیون در پارلمان بالا گرفت تا منصب نخست وزیری به چهره ها یا گروه های نزدیک به مقاومت برسد. در کشاکش همین رقابت، رفتارهای قابل توجهی بروز پیدا کرد. فالح الفیاض از فهرست نصر جدا شد و به ائتلاف مشترک مالکی و عامری (که فراکسیون «بنا» خوانده می شد) پیوست. اما رقابت برای جذب اهل تسنن شدیدتر بود. ۵ رهبر اصلی اهل تسنن ابتدا توافق کردند تا ائتلاف واحد و منسجمی را تشکیل داده و سپس وارد مذاکره با گروه های شیعه شوند؛ اما فراکسیون رقیب مقاومت (اصلاح) خط قرمز خود را ائتلاف با «خمیس خنجر» خواند، زیرا خنجر صریحا از داعش حمایت کرده بود. اما مالکی و عامری به صورت رسمی با خنجر ائتلاف کردند. علاوه بر آن احمد الجبوری (ابومازن) که از متهمین فاجعه اسپایکر بود - و در ائتلاف اولیه ۵ ضلعی رهبران سنی حضور نداشت - نیز به اردوگاه مشترک البناء پیوست که این ترکیب واکنش بسیار بدی در جامعه شیعیان عراق به دنبال داشت. در مرحله آخر نیز البناء به برادران الکربولی پیشنهاد داد در ازای رسیدن به منصب ریاست پارلمان، از فراکسیون اصلاح جدا شوند که نتیجه آن ریاست «محمد الحلبوسی» بر پارلمان بود.

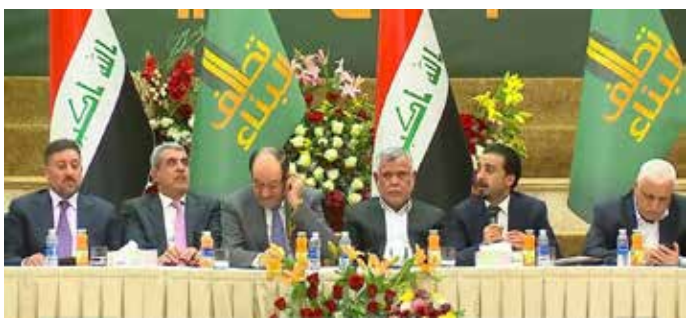

نشست سران تحالف البناء یا فراکسیون مقاومت:
این فراکسیون، محمد الحلبوسی را به ریاست پارلمان رساند. بعدها رسانه های مقاومت از وابستگی الحلبوسی به امارات خبر دادند.

با این حال، نهایتا فراکسیون بناء به عنوان فراکسیون بزرگ‌تر معرفی نشد و همچنان ابهام در مورد اکثریت بناء یا اصلاح به قوت خود باقی ماند؛ تا این که نهایتا هادی العامری با مقتدی صدر ائتلاف و «عادل عبدالمهدی» را به عنوان گزینه پیشنهادی و مرضی الطرفین برای نخست وزیری پیشنهاد دادند. جالب تر این که پارلمان در حالی به پایان کار خود نزدیک می شود که هنوز مصداق بزرگ ترین فراکسیون مشخص نشده است.

با تشکیل دولت عبدالمهدی، نوری المالکی ترجیح داد کمی از فضای سیاسی فاصله بگیرد. او طی دو سال، حتی در فضای مباحث اعتراضات خیابانی یا لابی های بعد از استعفای عبدالمهدی تقریبا انزوای خودخواسته را ادامه داد. با رسیدن مصطفی الکاظمی به نخست وزیری، چند بار بغداد در آستانه درگیری میان برخی فصائل مقاومت و دولت مرکزی قرار گرفت. در این مواقع، کاظمی از مالکی درخواست مداخله و وساطت کرد و نخست وزیر سابق عراق چند بار درخواست الکاظمی را اجابت کرد. با این حال در آخرین مورد معروف (بازداشت قاسم مصلح) ترجیح داد به این مناقشه ورود نکند. گرچه در خلال اعتراضات خیابانی، نوری المالکی ترجیح داد از فضای جنجالی و حتی لابی های پشت پرده - به صورت نسبی - فاصله بگیرد؛ اما به هر حال دولت وی و اطرافیانش را از مصادیق بارز فساد نظام سیاسی می خوانند. نوری المالکی که پسرش، دامادهایش و... را وارد سیاست و مناصب حکومتی کرده بود، در رأس حزبی بود که بیش از ۱۲ سال نخست‌وزیری‌را در اختیارداشتندوخودش‌طولانی‌ترین مدت نخست وزیری تاریخ عراق جدید را تجربه‌کرده است. به همین‌سبب، طبیعی‌است که او را نماد «محاصصه و تحزب» بخوانند و به فساد گسترده خانوادگی متهم سازند.

چشم انداز پیش روی نوری المالکی در انتخابات ۲۰۲۱

در تحلیل وضعیت فعلی و امکان نخست وزیری نوری المالکی، باید به چند فاکتور توجه ویژه ای داشت. در این بخش، مؤلفه های زیر مورد بررسی قرار می گیرند:

۱. تیار اللادولة

اولین موضوع، دوگانه «تیار الدولة / تیار اللادولة» می باشد که نگارنده بارها در مورد آن نوشته است. هم اکنون این مسئله به قدری برای افکار عمومی مهم شده که حتی رسانه های نزدیک به جناح رادیکال مقاومت مسلحانه نیز به آن می پردازند. در مواجهه با تیار اللادولة، سه راهکار وجود دارد. یا باید به طور کامل با آن کنار آمد و نسبت به آن ها بی تفاوت بود

(انفعال)؛ یا باید به سختی سرکوب کرد (قمع)؛ و یا این که به نوعی بتوان اعتمادشان را جلب و آن ها را مهار کرد. (احتواء) در تبلیغات غیررسمی دولة القانون ادعا می شود نوری المالکی بهترین فرد برای راهکار سوم است؛ زیرا از حمایت ایران برخوردار و مورد اعتماد نسبی عمده گروه‌های مقاومت است. از طرف دیگر نیز نفوذ کلام کافی را در نهادهای امنیتی دارد. به این ها اگر روحیات قاطع فردی را اضافه کنیم، می گویند چنین کسی می تواند بدون درگیری و خشونت به بحث اللادولة خاتمه دهد.

۲. تضعیف موقعیت هادی العامری در داخل فتح

دومین فاکتوری که باید مورد توجه قرار گیرد، تضعیف موقعیت هادی العامری در داخل فتح و مهم تر از آن تضعیف جایگاه فتح در معادلات داخلی مقاومت است. بعد از تجربه ائتلاف هادی العامری با مقتدی صدر و تشکیل دولت عبدالمهدی، انتقادها در سطح سیاسیون مقاومت نسبت به هادی العامری افزایش یافت. در سطح جامعه نیز نفس ائتلاف با خمیس خنجر و ابومازن از یک طرف و برکشیدن برهم صالح و محمد الحلبوسی از طرف دیگر باعث ریزش آراء هادی العامری گردید. در طول سه سال اخیر نیز مواردی مانند اتهامات مطروحه در جریان بازداشت جمال الکربولی یا ابراز احترام ویژه هادی العامری نسبت به مقتدی صدر نیز باعث افزایش انتقادات نسبت به وی در محافل داخلی مقاومت شده است. در معادلات داخلی پارلمان نیز فراکسیون فتح نتوانست انسجام خود را حفظ کند. از اخبار غیررسمی مبنی بر تکروی های امثال احمد الاسدی و... تا اختلاف نظرهای جدی در پرونده های مهم مانند کاهش ارزش واحد پول ملی (دینار) یا بودجه تخصیص یافته به حشد الشعبی شاهد این امر بودیم. یکی از نشانه های بارز این موضوع را می‌توان در استعفای هادی العامری از پارلمان مشاهده کرد. جدایی هادی العامری و بدر از مجلس اعلا در انتخابات ۲۰۱۰ و حضور در ائتلاف دولة القانون، یکی از عوامل مؤثر در نخست وزیری مالکی در آن دوره بود. در سال ۲۰۱۸ نیز تأسیس ائتلاف فتح و استقلال عمل هادی العامری یکی از مهم ترین علل کاهش شدید سهم دولةالقانون در پارلمان بود. با توجه به این نکات، تضعیف جایگاه هادی العامری در معادلات داخلی مقاومت می‌تواند زمینه ای برای بهبود جایگاه نوری المالکی باشد.

۳. خروج نسبی آمریکا و مردی که استاد موازنه است حمایت از تداوم حضور مستشاران

همان طور که درابتدای این مقاله شرح دادیم، نوری المالکی استاد موازنه میان ایران و آمریکا بود. در سال ۲۰۲۱ با خروج نظامیان عملیاتی آمریکا و بقای مستشاران، این بحث موازنه از اهمیت مضاعفی برخوردار است.نوری المالکی با اتکا به تجربه پیشین، می تواند خود را یکی از بهترین نامزدهای نخست وزیری برای «این مرحله» معرفی کند .

نوری المالکی را می بایست استاد موازنه گری میان جریان های مقاومت و حضور نظامی آمریکا در عراق قلمداد نمود.

۴. احساس خطر مقاومت از صدر و تشرینی ها

مقاومت در طبقه بندی رقبا و تهدیدات خود، تشرینی ها و صدری ها را در اولویت قرار می دهد. عمده تشرینی ها ادبیات رادیکالی علیه ایران دارند و صراحتا از سکولاریسم به عنوان راه حل فردای عراق صحبت می کنند. در میان جریانات سیاسی شیعی عراق، تا پیش از ۲۰۱۹ مخالفین ایران که صراحتا علیه تهران شعارهای رادیکال سر می دادند در اقلیت محض قرار داشتند؛ اما این وضعیت از سال ۲۰۱۹ و تظاهرات خیابانی تشرینی ها دگرگون شد و امروزه شعارهایی که علیه ایران سر داده می شود هیچ تعجبی را بر نمی انگیزد. صدری ها نیز یکی از تهدیدات جدی مقاومت به شمار می‌روند. ظاهرا یکی از رئوس برنامه مقتدی صدر در انتخابات ۲۰۲۱، بحث انحلال حشد الشعبی و ادغام آن در نهادهای نظامی و امنیتی است. به همین سبب، مقاومت به شدت از ناحیه وی احساس خطر می کند. به ویژه آن که از نظر مباحث عقیدتی و ایدئولوژیک نیز خاستگاه صدری ها به مقاومت نزدیک است و در نتیجه از بدنه مذهبی جامعه عراق نیروگیری می کند. وجه مشترک تشرینی ها و صدری ها، جوانان پرشوری است که فضای آوانگارد شدیدی را در حمایت از جریان خود ایجاد می کنند. این جوانان پرشور و معمولا غوغایی، باعث می شوند هزینه برخورد با آن ها بالا برود و کم تر چهره ای در میان رهبران طراز اول عراق حاضر به پرداخت آن باشد. نوری المالکی از معدود کسانی است که همزمان در نوک پیکان حملات و دشمنی های هر دو طیف قرار دارد و در مقابل

خودش نیز روحیه ای قاطع و متفرد دارد. در نتیجه هواداران دولة‌القانون بر این نکته تأکید دارند که در میان شخصیت های طراز اول سیاسی نزدیک به مقاومت، تنها کسی که می تواند صدری ها و تشرینی ها را منکوب کند، نوری المالکی است.

۵. تقاطع سکولار و اسلامگرا

نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، دوگانه سکولار و اسلام گراست. جریان های اصلی تر مقاومت مانند فتح و حقوق، ادبیاتی کاملا دینی و اسلام گرایانه دارند. در مقابل تشرینی ها کاملا سکولار هستند. فهرست انتخاباتی «قوی الدولة» یا ائتلاف حکیم و عبادی نیز گرچه متشکل از افراد مذهبی است؛ اما ادبیات آن نزدیک به سکولاریسم می باشد و از سوی اسلام گرایان عراق به سکولاریسم متهم می شوند. در این میان دو جریان «صدر» و به خصوص «دولة القانون» دقیقا در مرز میان این طیف ها واقع شده اند. اگر روزی جریانات سکولار در عراق به سطحی از اقبال عمومی برسند که دوگانه اسلام گرا و سکولار به شکل واقعی و جدی آن به دوگانه مهم انتخاباتی تبدیل گردد، جریان حول سیدعمار حکیم یا حیدر العبادی می تواند نقطه تقاطع یا مرز میان این دو قطب باشد؛ اما در شرایط فعلی، مرز دو طیف عرفی گرا و اسلام گرا دقیقا همین دو فهرست دولة القانون و صدری ها خواهند بود که در این زمینه دولة القانون هم رنگ و بوی عرفی تری دارد و هم دارای روابط نزدیک تری با قطب اسلام گرا (فتح و حقوق) است.

۶. مرد لابی ها

نوری المالکی را یکی از اساتید لابی های سیاسی در عراق می دانند. موفقیت در کنار زدن ابراهیم جعفری در سال ۲۰۰۶ و دستیابی به نخست وزیری، منزوی ساختن جناح رقیب در داخل الدعوه (عبد الکریم العنزی)، موفقیت در دستیابی به نخست وزیری در سال ۲۰۱۰ در حالی که در انتخابات رقیبش (ایاد علاوی) حائز رتبه نخست شده بود، جلب نظر ائتلاف تحت رهبری ابراهیم جعفری و سید عمار حکیم در حالی که خودش جعفری را طرد کرده و با صدر جنگیده بود و... همگی بیانگر توان بسیار بالای وی در لابیگری است. در سال ۲۰۱۴ نیز بسیاری اعتقاد دارند اگر اعلام رسمی مواضع مرجعیت نبود، نوری المالکی نهایتا برای سومین بار بر کرسی نخست وزیری تکیه می زد. در سال ۲۰۱۸ نیز نوری المالکی در کنار هادی العامری پروژه تشکیل فراکسیون البناء را پیش می برد که ناگهان رهبر فتح با رهبر جریان صدر بر سر تشکیل دولت به ریاست عادل عبدالمهدی به توافق رسید. با توجه به این که به نظر نمی رسد در انتخابات آینده هیچ فهرستی بتواند با اقبال کامل و قاطع شهروندان مواجه شود، می توان احتمال داد لابی های سیاسی نقش پررنگی در تعیین نخست وزیر آینده داشته باشند. نوری المالکی در این زمینه به طور جدی برنامه ریزی کرده است.

۷. تقویت نظام فعلی و عبور از چالش های پساتشرینی

همان طور که بالاتر اشاره گردید، نوری المالکی یکی از مهم‌ترین اهداف تخریبی تشرینی ها بود. با توجه به این که احزاب محافظه کار عراق و بلکه عمده احزاب عراق منافع خود را در تداوم نظام سیاسی حزبی- طائفه ای فعلی می دانند، ترجیح آن ها بر این است که بتوانند جنبش تشرین را به عنوان مهم‌ترین جنبش برای تغییر ساختار نظام سیاسی منکوب سازند. از این منظر اگر نخست وزیر برآمده از انتخابات فوق‌العاده - که این انتخابات، خودش از نتایج اعتراضات خیابانی تشرینی هاست - کسی باشد که در برابر تشرینی ها بایستد، ضربه بسیار بزرگی به این جنبش وارد می شود. از طرف دیگر مهارت نوری المالکی در لابی گری و همچنین قاطعیت وی نیز از مواردی است که در پایان دادن به جنبش تشرین می تواند یاریگر باشد.

۸. بهره برداری از فضای تحریم انتخابات و کاهش مشارکت عمومی

پایگاه اصلی آراء حزب الدعوه در میان نسل قدیمی عراق است و از همین رو پایگاه اصلی آراء نوری المالکی نیز در لایه سنتی جامعه شیعه عراق می باشد. در نتیجه با افزایش درصد مشارکت عمومی و حضور گسترده نسل جوان، امکان رأی آوری دولة القانون به شدت کاهش می‌یابد. از این منظر نیز کاهش اقبال به مشارکت عمومی در انتخابات، از فرصت های مهمی است که دولة القانون نمی خواهد آن را به راحتی از دست بدهد.

سناریوهای موجود

در این بخش به بررسی سناریو های موجود پرداخته و تبعات هر یک را به صورت جداگانه بررسی می کنیم. این سناریوها بر مبنای نتایج انتخابات عراق تنظیم شده است. در هر سناریو، چند بعد را به ترتیب ذیل مورد توجه قرار می دهیم:

۱. تشکیل فراکسیون بزرگ مقاومت (ائتلاف چهار فهرست «دولة القانون، فتح، عقد الوطنی و حقوق») و کارکرد و پیامد آن

۲. رقابت در فضای داخلی این فراکسیون

۳. رایزنی با گروه های عمده سنی و کرد و تلاش برای تشکیل بزرگ ترین فراکسیون ائتلافی پارلمان جهت معرفی نخست وزیر.

۴. موضع مرجعیت نجف
۵. پیامدهای هر سناریو

باید توجه داشت که سناریوهای ذیل معطوف به وضعیت نوری المالکی و احتمال نخست وزیری یا پراتیک سیاسی وی تدوین شده اند. طبعا فضای سیاسی کلان عراق متأثر از بازیگرهای متعددی است و تحلیل جامع انتخابات عراق زمانی صورت می گیرد که همین سناریوها را معطوف به دیگر بازیگران درجه اول و صحنه ساز انتخابات تدوین کنیم. این سناریوها عبارتند از:

۱.موفقیت نسبی در انتخابات و تلاش برای تشکیل بزرگ ترین فراکسیون

در این سناریو هیچ یک از فهرست های انتخاباتی حاضر در انتخابات - اعم از وابسته به مقاومت یا فهرست‌های دیگر - به پیروزی قاطع دست پیدا نمی‌کنند؛ اما فهرست های منتسب به مقاومت به صورت نسبی حائز آراء قابل توجهی شده و به تشکیل بزرگترین فراکسیون و معرفی نخست وزیر امیدوار خواهند بود.

۱.به نظر می رسد حالت ایده آل برای مقاومت همین باشد. در این حالت، محتمل ترین سناریو ممکن، تشکیل یک فراکسیون مشترک متشکل از ۴ ضلع اصلی «دولة القانون، فتح، عقد الوطنی و حقوق» باشد تا تلاش کنند از طریق ائتلاف با دیگر گروه های سیاسی، بزرگ ترین فراکسیون پارلمان را تشکیل داده تا اختیار انتخاب نخست وزیر را به دست آورند.

۲.در این حالت، علی القاعده رقابت اصلی بر سر نخست‌وزیری میان «هادی العامری»، «نوری المالکی» و «فالح الفیاض» به عنوان رهبران فتح، دولة القانون و عقد الوطنی خواهد بود؛ زیرا حقوق هم رأی کم‌تری خواهد داشت و هم مهم‌تر این که رهبران آن فاقد فعالیت در سطح کلان سیاسی هستند. در مقایسه میان این سه نفر، نوری المالکی از تجربه به مراتب بیش تری برخوردار است؛ ضمن این که برخلاف دو نفر دیگر کم تر به عنوان چهره نظامی شناخته می شود. این موارد باعث می شود حتی اگر آراء دو فهرست دیگر اندکی بیش تر از دولة القانون باشد، باز هم گزینه نهایی این فراکسیون برای نخست وزیری نوری المالکی باشد.

۳. بعد از تشکیل این اتحاد ۴ ضلعی، مقاومت برای تشکیل بزرگ ترین فراکسیون بایددرصدد جلب نظر اهل تسنن و کردها برای تشکیل بزرگ ترین فراکسیون پارلمان باشد. اگر رقابت در داخل بیت شیعی تنگاتنگ باشد، وزن بیت‌های سنی و کردی بسیار بالا می رود. در نتیجه یارگیری از بیت های سنی و کرد حتی می تواند بر روی گزینه پیشنهادی برای نخست وزیری نیز مؤثر باشد. بر همین اساس، باید روابط این سه رقیب بالقوه را با بیت های غیرشیعی ارزیابی کرد. فالح الفیاض این فرآیند را از قبل کلید زده و تنها فهرست بزرگ با شعار «عابر للطائفیه» را برای مقاومت تشکیل داده است؛ به طوری که حزب اسلامی به عنوان شاخه ای از ائتلاف عقد الوطنی در انتخابات حضور می یابد. علاوه بر آن رئیس ستاد مشترک حشد الشعبی دارای رابطه خوبی با خمیس خنجر است و چند ماه قبل نیز خنجر همراه با سلیم الجبوری و... به دیدن فالح الفیاض آمد. اما نکته اصلی این است که شواهد نشان می‌دهد در میان جریانات سنی، فهرست مورد حمایت محمد الحلبوسی حائز اکثریت شد. الحلبوسی در ابتدا احتمالا به حکیم یا صدر نزدیک تر خواهد بود؛ اما او به شدت معامله گر است و در ازای دریافت مناصب یا وعده های عالی، رنگ عوض می کند. در چنین فضایی، نوری المالکی تلاش می کند از شکاف خنجر - حلبوسی برای تقویت خود در برابر فالح الفیاض استفاده کند. در بیت کردی، اتحادیه میهنی کردستان روابط نسبتا نزدیک تری با هادی العامری دارد و نوری المالکی نیز در سفر به اربیل تلاش کرد نظر مثبت ملا مسعود بارزانی را جلب نماید. اما بارزانی نیز صرفا زمانی از نوری المالکی حمایت می کند که او را در آستانه دستیابی به نخست وزیری بداند و ضمانت ها و مناصب مهمی را نیز برای حزب دموکرات (پارتی) دریافت کند.

نوری المالکی به منظور جلب حمایت مسعود بارزانی، به دیدار وی در اربیل رفت.

در جمع بندی این بخش باید گفت نوری المالکی اگر در آستانه دستیابی به منصب نخست وزیری باشد، می تواند روی ثمربخشی لابی های خود با حلبوسی و بارزانی حساب کند؛ اما اگر وزن رقبای اصلی در بیت شیعی بچربد، در داخل فراکسیون مورد حمایت مقاومت نیز احتمالا فالح الفیاض و هادی العامری از وزن بیش تری در مقایسه با نوری المالکی برخوردار باشند.

۴. مسئله بعدی در این سناریو، موضع مرجعیت اعلای شیعیان عراق است. همان طور که در بخش «تحلیل روند گذشته» شرح دادیم، در سال ۲۰۱۴ آیت الله سیستانی با انتخاب سه باره نوری المالکی برای نخست وزیری مخالفت کردند. حال در این سناریو نیز پرسش مهمی که مطرح می شود این است که آیا مرجعیت اعلا در رقابت‌ها و رایزنی های انتخاب نخست وزیر ورود خواهند کرد؟ در گذشته نظر مرجعیت بر این بود که کسانی که قبلا تجربه شده [و ناکارآمدی خود را نشان داده بودند] انتخاب نشوند. با توجه به صراحت پیشین، الآن حتی عدم موضع گیری نیز حمل بر موضع سیاسی خواهد شد. در نتیجه واجد پیامدها و دلالت هایی برای مقاومت و تهران خواهد بود.

۵.پیامدهایی که در این سناریو باید مورد توجه قرار بگیرند عبارتند از:

الف. اولین مسئله موضع نوری المالکی در زمینه حضور مستشاران نظامی آمریکایی است. طبق توافق قرار است ۳.۰۰۰ مستشار نظامی آمریکایی در خاک عراق باقی بمانند. استراتژی محوری و بنیادین مقاومت طی حدودا دو سال اخیر، بیرون راندن نظامیان آمریکایی از منطقه و به صورت خاص از عراق بوده است. حتی بعد از توافق الکاظمی در واشنگتن نیز ابوعلی العسکری، الشمری و بسیاری از چهره های سرشناس مقاومت صراحتا اعلام کردند حضور مستشاران را برنمی تابند و باید کلیه نظامیان آمریکایی خاک عراق را ترک کنند. این در حالی است که نوری المالکی صراحتا از حضور مستشاران نظامی آمریکایی در عراق حمایت کرده و آن را در راستای منافع بغداد خوانده است. در نتیجه یک دوگانه واضح در مواضع و رفتار مقاومت پدید می آید. گویا مبارزه با حضور نظامیان آمریکایی تنها شعاری بود تا بتوانند دولت ناهمسو با خود را تضعیف و در ادامه دولت متبوع خود را تشکیل دهند.

ب. دومین پیامد این سناریو، احیای اقتدار دولت و پایان بخشی به دوگانه الدولة واللادولة است. در این حالت احتمالا صدری‌ها و سرایا السلام به عنوان نماد اللادولة معرفی خواهند شد.

ج. سومین پیامد مشخصا ناظر بر کتائب حزب الله یا جنبش حقوق است.
کتائب حزب الله و گروه های همسو طی سه سال اخیر بارها اعلام کرده اند محمد الحلبوسی رئیس پارلمان عراق وابسته به خارج از کشور (مشخصا امارات) است. از طرف دیگر گروه ربع الله – که از گروه های نزدیک به کتائب حزب الله محسوب می شود – به دفتر حزب دموکرات کردستان (پارتی) یا حزب تحت رهبری خانواده بارزانی در بغداد حمله کردند و حالا ائتلاف با این دو گروه پیامدهایی شبیه به ائتلاف سال ۲۰۱۸ با خمیس خنجر خواهد داشت. با این تفاوت که دولة القانون و حتی فتح گروه های سیاسی محسوب می شدند؛ اما کتائب حزب الله بر آرمان گرایی در حوزه سیاست تأکید می کند.

تصویری که فضای سیاسی عراق را در سال ۲۰۱۸ غافلگیر کرد:
ائتلاف هادی العامری و نوری المالکی با خمیس خنجر و احمد الجبوری (ابومازن)

د. پیامد دیگری که باید مورد توجه توجه قرار گیرد، مسئله رابطه دولت نوری المالکی با کشورهای حاشیه خلیج فارس و ترکیه است. در زمان دولت های نوری المالکی، بغداد رابطه پرتنشی با این کشورها داشت؛ اما طی ۷ سال اخیر دیپلماسی عراق بر پایه دکترین «حیاد» (بی‌طرفی) تنظیم شده است. آیا نوری المالکی همین رویکرد حیاد را دنبال خواهد کرد یا به رویکرد سنتی قدیمی در سال‌های نخست سقوط صدام بازمی گردد؟ اهمیت این سوال در تثبیت دکترین حیاد در دیپلماسی بغداد است.

ه. سئوالات اساسی در مورد روابط وی با حوزه خلیج فارس و ترکیه

۲. صدرنشینی یا موفقیت قابل توجه فهرست دولة القانون

تفاوت این سناریو با حالت پیشین در این است که آراء فهرست دولة القانون به میزان قابل توجهی از فهرست های دیگر مقاومت یعنی فتح، عقد الوطنی و حقوق بیش تر باشد.
۱. صدرنشینی یا عدم صدرنشینی:
در این حالت مهم ترین متغیر صدرنشینی یا عدم صدرنشینی فهرست دولة القانون نسبت به تمام فهرست های حاضر در انتخابات است. در صورت صدرنشینی فهرست تحت رهبری نوری المالکی عملاً راه برای نخست وزیری وی باز خواهد بود.

۲. فاصله آراء فهرست دولة القانون با فهرست های بعدی مقاومت، مسئله رقابت داخلی میان مالکی، فیاض و عامری را سالبه به انتفاع موضوع می کند. در نتیجه نوری المالکی رقیب قابل توجهی در فضای داخلی مقاومت نخواهد داشت.

۳. با این حال نوری المالکی برای دستیابی به نخست‌وزیری ناگزیر به ائتلاف با چهره های مؤثر بیت های سنی و کردی خواهد بود. با توجه به روحیات و جهت گیری‌های احتمالی محمد الحلبوسی و مسعود بارزانی، این توافق زمانی در دسترس خواهد بود که نوری المالکی از بالاترین بخت برای دستیابی به نخست وزیری برخوردار باشد.

۴.چالش نسبت نخست وزیری نوری المالکی و مرجعیت اعلای نجف در این سناریو بدین صورت بازتولید می‌شود که احتمالا در صورتی که فهرست دولة القانونبتواندحائزاکثریت‌آراء نسبی در سرتاسر کشور شود، نوری المالکی صرفا باید مخالفین و آراء سلبی خود را مهار کند که در این زمینه - برخلاف سال ۲۰۱۴ - احتمالا با مشکلات جدی در بیت های کردی و سنی مواجه نباشد. در نتیجه اگر بتواند در داخل بیت شیعی نیز به یک توافق حداقلی برسد، بسیار بعید است مرجعیت به ماجرا ورود کند. اما در صورت عدم صدرنشینی نوری المالکی، رابطه مقاومت با مرجعیت یکی از سوژه های قابل توجه می تواند باشد. هرچند باز هم احتمال این که مرجعیت به صورت مصداقی (اعم از ایجابی یا سلبی) ورود نکنند، بیش تر است.

۵. پیامدهایی که در فراز پنجم سناریوی نخست برشمرده شد، کمابیش در این سناریو نیز برقرار خواهد ماند؛ با این تفاوت که فشار بر روی جنبش حقوق یا کتائب حزب الله چندان زیاد نخواهد بود. زیرا آراء قابل توجه دولةالقانون در مقایسه با فتح و عقد الوطنی، عامل مؤثر یا بهانه خوبی برای رأی حرکه الحقوق به نوری المالکی می باشد.

۳.صدرنشینی یا موفقیت نسبی محسوس فتح یا عقد الوطنی نسبت به دولة القانون

تفاوت این سناریو با حالت پیشین در این است که آراء یکی از دو فهرست عقد الوطنی یا فتح به میزان قابل توجهی از فهرست دولة القانون بیش تر باشد.

۱.در چنین سناریویی،نوری المالکی احتمالا به صورت مستقیم برای نخست وزیری تلاش نمی کند. اما به امید اثرگذاری بر ترکیب دولت و گزینه نخست وزیری برای ائتلاف و تشکیل دولت در چارچوب برنامه و ائتلاف چهارگانه مقاومت (فتح، عقد الوطنی، دولة القانون و حرکه الحقوق) کمک می کند.

۲. در همین راستا، نوری المالکی در عین تأکید بر سوابق برتر خود اصراری بر دستیابی شخص خودش به نخست وزیری و وزن بالاتر دولة القانون نسبت به سه جریان رقیب در مقاومت نخواهد داشت. او تلاش می کند تا به عنوان یک رایزن قدرتمند و مناسب در فضای داخلی مقاومت شناخته شود.

۳. نوری المالکی - با الهام از تجربه سال‌های ۲۰۱۴ و به خصوص ۲۰۱۸ - احتمالا به صورت جدی وارد رایزنی با گروه های برتر بیت سنی و کردی نخواهد شد؛ مگر این که ابتدا نسبت به ترکیب کابینه به توافق برسد.

۴.چالش مرجعیت در این جا به صورت طبیعی منتفی خواهد شد.

۵.در مورد پیامدهای این سناریو نمی توان قضاوت کرد؛ مگر این که ترکیب هیئت دولت مشخص شود.

۴.موفقیت فهرست مشترک حکیم و عبادی

در این سناریو، «ائتلاف قوی الدولة الوطنیه» به محوریت حکیم و عبادی می تواند اکثریت نسبی آراء را به دست آورده و صدرنشین فهرست های انتخاباتی شود. با توجه به رایزنی های سید عمارِ حکیم با حلبوسی و چهره های برجسته کُرد طی دو سال اخیر، می توان احتمال بالایی داد که در صورت صدرنشینی ائتلاف قوی الدولة، جریان های غالب بیوت سنی و کردی نیز وارد ائتلاف با حکیم خواهند شد و در نتیجه نخست وزیر را همین ائتلاف معرفی خواهند کرد.

۱. در صورتی که فهرست مشترک سید عمار حکیم و حیدر العبادی بتواند حائز اکثریت آراء انتخاباتی شود، تردیدهای جدی نسبت به تشکیل فراکسیون مشترک ۴ فهرست نزدیک یا منتسب به مقاومت پیش می آید؛ زیرا بخش مهمی از ظرفیت ائتلاف های عقد الوطنی، فتح (خصوصا شاخه سند)

و حتی بخشی از دولة القانون - با توجه به سابقه العبادی در الدعوه - به همکاری با دولت تمایل خواهند داشت.

۲.با تامل به پاراگراف پیشین، اساسا احتمال رقابت داخلی میان سه سرفهرست اصلی مقاومت (نوری المالکی، فالح الفیاض و هادی العامری) برای دستیابی به نخست وزیری تقریبا منتفی خواهد بود. در این حالت حداکثر سطح مذاکره صرفا بر سر تشکیل یک فراکسیون مشترک در پارلمان خواهد بود که احتمالا به فالح الفیاض می رسد؛ زیرا هادی العامری و نوری المالکی شخصا برای انتخابات نامزد نشده اند.

۳.با توجه به این که بخشی از فهرست های عقدالوطنی، فتح و حتی دولة القانون بی میل نیستند تا در دولت احتمالی ائتلاف قوی الدولة الوطنیه (حکیم و عبادی) مشارکت کنند، احتمالا مسئله ائتلاف مقاومت با گروه های متنفذ بیت های سنی و کردی تا حد زیادی منتفی بوده و حداکثر فهرست انتخاباتی عقد الوطنی - که در زمره فهرست های انتخاباتی «عابر للطائفیه» محسوب می شود - در صدد تشکیل یک فراکسیون فراطائفه ای در پارلمان خواهد بود. با این حال، مسئله اصلی در این زمینه، میزان همراهی حکیم و عبادی با فهرست های انتخاباتی نزدیک به مقاومت در زمینه انتخاب نخست وزیر و ترکیب وزرا خواهد بود. در صورت عدم همراهی کافی فهرست پیروز، احتمال دارد فهرست های انتخاباتی منسوب به مقاومت به سمت تشکیل فراکسیون اپوزیسیون در پارلمان بروند و به صورت غیررسمی با فراکسیون های وابسته به بیوت سنی و کردی نیز وارد تعامل و رایزنی شوند. با این حال ائتلاف علنی با گروه های سنی و کردی بعید به نظر می رسد.

۴. در این سناریو، نه تنها نوری المالکی به نخست وزیری نمی رسد؛ بلکه اساسا نخست وزیر منسوب به مقاومت نخواهد بود و در نتیجه هر نوع رابطه وی با مرجعیت، پیامدی را متوجه مقاومت نخواهد کرد.

۵. پیامدها:

الف. احتمالا مقاومت به مخالفت خود با حضور نظامیان (مستشار) آمریکایی در عراق ادامه خواهد داد. با توجه به این که دولت منسوب به مقاومت نیست، از این حیث چالش جدی برای مقاومت پیش نخواهد آمد.

ب. در این سناریو احتمال دارد مسئله دوگانه «الدولة و اللادولة» به همین شکل فعلی بازتولید و احیا شود. احتمالا تمرکز تیار اللادولة بر برخورد با مستشاران آمریکایی خواهد بود.

ج. با توجه به این که در این سناریو، مسئله ائتلاف با گروه‌های متنفذ سنی و کرد منتفی است، اساسا چالشی برای کتائب حزب‌الله در زمینه ائتلاف با حلبوسی یا بارزانی ها پیش نمی آید.

د.در زمینه سیاست خارجی به نظر می رسد بغداد همین مسیر سال های اخیر خود از اواسط دولت حیدر العبادی تا دولت الکاظمی را دنبال کند؛ مسیری که در ادبیات سیاسی عراق آن را «حیاد» می خوانند.

ه. تداوم وضعیت موجود

۶. اصلی ترین مسئله این سناریو، انتخاب نخست وزیر نهایی از سوی ائتلاف حکیم و عبادی خواهد بود. احتمالا حیدر العبادی برای نخست وزیری خودش تلاش می کند و حتی در این زمینه وعده های اولیه را از حکیم دریافت کرده باشد؛ اما مقاومت می تواند در این سناریو دو خط را به صورت موازی دنبال کند:

الف. رایزنی با حیدر العبادی برای رفع یا کاهش اختلافات پیشین خاستگاه حیدر العبادی حزب الدعوه است و حتی در سال ۲۰۱۴ مقاومت او را به عنوان گزینه کم حاشیه و مرضی‌الطرفین پذیرفت. در طول دولت وی نیز روابط نخست وزیر با گروه‌های مقاومت گرچه فراز و نشیب هایی داشت؛ اما در کل دارای همکاری بودند. به طوری که حتی پیش از انتخابات ۲۰۱۸، یکی از گزینه های جدی مقاومت برای نخست‌وزیری دور بعد همین حیدر العبادی بود و هادی العامری برای تشکیل ائتلاف ۴ ضلعی با عبادی وارد مذاکره و رایزنی شد. اما رخدادهای پس از انتخابات ۲۰۱۸ تا تشکیل دولت که فضای دو قطبی شدیدی را به وجود آورد، عملا حیدر العبادی را به آغوش آمریکا فرستاد و اختلاف وی با مقاومت را به حداکثر رساند. به طوری که حتی العبادی از احتمال تحریم ایران سخن گفت. بعد از تشکیل دولت توسط عادل عبدالمهدی نیز حیدر العبادی در توهم خیانت بود و در نتیجه

اختلافاتش با مقاومت تقریبا در همان سطح باقی ماند. اما با توجه به خاستگاه و همچنین عملکرد دولت اول وی، هنوز هم مقاومت می تواند از طریق چهره هایی مانند «علی العلاق» و... روابط خود با حیدر العبادی را اصلاح و احیا کند. با توجه به وزن نخست وزیر سابق عراق در نظام سیاسی این کشور، اصلاح رابطه وی با مقاومت قطعا به سود طرفین خواهد بود.

ب. رایزنی و ترغیب عمار حکیم برای معرفی چهره های نزدیک به خود برای نخست وزیری؛ مانند «عبدالحسین عبطان» در مقایسه با نخست وزیری حیدر العبادی، گزینه تشکیل دولت توسط نزدیکان سید عمار حکیم برای ایران جذاب تر است؛ زیرا آن ها روابط نزدیک تری با تهران دارند. در این زمینه احتمالا عبدالحسین عبطان (وزیر ورزش و جوانان در دولت حیدر العبادی) از بخت بالایی برخوردار خواهد بود. عبطان هم دارای روابط نزدیکی با مقاومت است و هم سابقه خوبی در کارنامه دارد. احتمالا تقویت وی برای رسیدن به نخست‌وزیری، باعث تعمیق بیشتر روابط وی با مقاومت خواهد شد.

۵.موفقیت فهرست صدر

در این سناریو، نتایج انتخابات شبیه به سال ۲۰۱۸ خواهد بود؛ به این ترتیب که فهرست صدری ها با اختلاف بیش از ۱۰ کرسی صدرنشین نتایج انتخابات باشند.

۱. این سناریو را باید بدترین حالت برای مقاومت دانست. با این حال، تشکیل فراکسیون ۴ ضلعی مقاومت برای ممانعت از نخست وزیری گزینه مطلوب مقتدی صدر، وابسته به موضع و بازی «هادی العامری» است. واقعیت این است که تجارب متعددی به ویژه در سال های اخیر - مانند دیدارهای قم بعد از شهادت حاج قاسم و حمایت العامری از تشکیل «المقاومه الوطنیه» به محوریت مقتدی صدر، ائتلاف با صدر در جریان انتخاب عادل عبدالمهدی و برهم خوردن تمام تلاش ها برای تشکیل فراکسیون البناء و... - نشان می دهد هادی العامری به صورت شخصی تعامل نزدیکی با مقتدی صدر دارد. بر همین اساس، امکان دارد فراکسیون ۴ ضلعی مقاومت تشکیل گردد؛ اما مقتدی صدر بتواند از طریق هادی العامری درصدد تضعیف تلاش های سلبی مقاومت برآید و نخست وزیر مطلوب خود را معرفی کند.

۲.احتمالا در چنین فضایی، یک فضای دو قطبی شبیه به سال‌های ۲۰۱۰ یا ۲۰۱۸ ایجاد خواهد شد. بهترین گزینه آلترناتیو یا قطب مقابل مقتدی صدر، نوری المالکی است که در سال ۲۰۰۸ نیز فرمان عملیات صوله الفرسان را صادر کرد و - در داخل بیت شیعی - دارای بیش ترین اختلافات با صدر است. در داخل پارلمان نیز ریاست فراکسیون مخالفین صدر را فالح الفیاض بر عهده خواهد داشت که دست کم از سال ۲۰۱۸ صف آرایی علنی و پررنگی علیه مقتدی صدر داشت. در این زمینه مواردی مانند معرفی چندباره فیاض از سوی عبدالمهدی برای منصب وزارت کشور را می توان ذکر کرد که صدر در پارلمان مانع از وزیر شدن فیاض گردید.

۳. در چنین سناریویی، فالح الفیاض و نوری المالکی احتمالا هماهنگی بالایی خواهند داشت و برای جلب نظر رهبران سنی و کردی تمام تلاش خود را به کار خواهند بست. در این راستا، احتمالا رهبران کرد و سنی در ابتدا به سود هیچ کدام از دو قطب جهت گیری نخواهند کرد؛ بلکه منتظر وزن کشی در داخل بیت شیعی خواهند ماند. با این حال ارتباط گیری با بیت سنی و کردی طبق همان مجاری که در سناریوی نخست بیان شد، از سوی فراکسیون ۴ ضلعی مقاومت دنبال می شود.

۴. در فضای دوقطبی میان صدر و مقاومت، بعید است مرجعیت ورود سلبی یا ایجابی به ماجرا داشته باشند. در نتیجه نجف به عنوان یک بازیگر بالقوه چندان وزنی نخواهد داشت. اگر نهایتا صدری ها موفق به تشکیل دولت گردند، طی سال های زعامت دولت نیز چالش دوگانگی با مرجعیت برای مقاومت پیش نمی آید.

۵. پیامدهای معرفی نخست وزیر از سوی جریان صدر برای مقاومت بدین شرح خواهد بود:

الف. اولین و مهم ترین مسئله این است که مقتدی صدر در طرح کلانی که برای آینده میان مدت در نظر دارد، حشد الشعبی را یکی از بزرگ ترین تهدیدها علیه خود می داند. لذا به صورت جدی در پی انحلال ساختار سازمانی حشد و ادغام شاخه های آن در نهادهای نظامی و امنیتی کشور عراق مانند ارتش، استخبارات و... است. در همین انتخابات نیز یکی از اصلی ترین شعارهای صدری ها، ادغام حشد در ارتش می باشد. شاید در کل جریانات سیاسی اصلی حاضر در انتخابات (اعم از شیعه، سنی و کرد) هیچ جریانی به اندازه صدری ها برای انحلال حشد مصمم نباشد.

ب. دومین نکته مهم، سیاست خارجی احتمالی دولت وابسته به صدری هاست. اگر دولت حیدر العبادی را بتوان نقطه عطفی دانست که دیپلماسی بغداد به سمت «حیاد» رفت، دولت احتمالی صدری ها می تواند نقطه عطفی برای عبور از حیاد به سمت تقابل با تهران باشد. یکی از ارکان حیاد، رابطه حسنه و نزدیک با کلیه همسایگان و حفظ فاصله نسبی از تمام محورهای اقلیمی است. ولی امکان دارد مقتدی صدر به بهانه مقابله با گروه های نزدیک به تهران

در سپهر سیاسی عراق، بغداد را به سمت ریاض و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس سوق دهد و در ازای آن کمک‌های مالی و اقتصادی و امتیازات استراتژیک دریافت کند.

۶.وزن تقریبا برابر سه ضلع اصلی: «صدر»، «ائتلاف حکیم عبادی» و «ائتلاف های همسو با مقاومت

در این سناریو، هیچ فهرست سیاسی در انتخابات به صورت نسبی پیروز نخواهد شد. به عبارت دیگر تفاوت آراء سه بلوک اصلی («فهرست های ۴ گانه نزدیک به مقاومت»، «ائتلاف حکیم و عبادی» و بالاخره «جریان صدر») کمتر از ۱۰ کرسی و وزن هر کدام حدود ۴۰ تا ۵۰ کرسی باشد. در نتیجه فرآیند معرفی نخست وزیر و تشکیل دولت عملا در دو خط موازی «تلاش برای ائتلاف میان دو رأس از این سه رأس» و «تلاش برای جلب نظر گروه های سنی و کرد و همچنین نمایندگان مستقل» دنبال خواهد شد. ۱ . اولین گام در این مسیر، هماهنگی فوری ۴ فهرست نزدیک به محور مقاومت باید باشد. در گام دوم، آن‌ها در مذاکره با ائتلاف حکیم و عبادی باید برای معرفی نخست وزیر مرضی الطرفین تلاش کنند. همزمان مذاکره با نمایندگان مستقل و همچنین جریانات سیاسی سنی و کرد باید دنبال شود؛ اما همچنان دستیابی به گزینه مرضی الطرفین در کنار حکیم و عبادی باید فوری تر و جدی تر دنبال گردد.

در این زمینه احتمالا «علی الادیب» و افرادی مانند وی گزینه مناسبی باشند. علی الادیب بعد از انشعاب حیدر العبادی از الدعوه، روابط نزدیک خود را با وی حفظ کرد. ضمن این که رابطه اش با سید عمار حکیم نیز مثبت ارزیابی می شود. ۲. با این حال باید توجه داشت که مقاومت و همچنین شخص نوری المالکی خاطرات خوبی از گزینه های مرضی الطرفین ندارند. در سال ۲۰۱۴ حیدر العبادی از دل حزب الدعوه و فهرست دولة القانون و با نظر مستقیم برخی رهبران آن مانند خضیر الخزاعی و حسین الشهرستانی و حمایت هادی العامری و همراهی (تمکین) نوری المالکی به نخست وزیری رسید؛ اما در ادامه اختلافات جدی نوری المالکی و حیدر العبادی به فضای الدعوه، پارلمان عراق، مواضع گروه های عراقی مقاومت و بالاخره روابط تهران و حیدر العبادی کشیده شد. در سال ۲۰۱۸ نیز عادل عبدالمهدی گزینه مرضی الطرفین میان هادی العامری و مقتدی صدر بود و حمایت ایران را کسب کرد؛ اما دولت آن دوام نیاورد؛ ضمن این که طی حدودا یک و نیم سال دولت وی، جایگاه مردمی مقاومت به شدت آسیب دید. در نتیجه مقاومت نسبت به انتخاب گزینه مرضی الطرفین کمی محتاطانه رفتار می کند. این احتیاط در رویه نوری المالکی به مراتب بارزتر و پررنگ تر می باشد.

دو دهه کشاکش سیاسی اهل سنت عراق؛ از تحریم انتخابات تا نزاع بر سر رهبری

سیدرضا قزوینی غرابی
کارشناس مسائل عراق و شامات

انتخابات پنجمین دوره مجلس نمایندگان عراق (مجلس النواب) پس از چالش های فراوانی که می توانستند آن را به تعویق بیندازند قرار است ۱۸ مهرماه جاری برگزار شود. شاید بخش قابل توجهی از شهروندان امیدی به تغییرات مؤثر ناشی از این انتخابات نداشته باشند، اما احزاب و گروه های سیاسی همچون گذشته با جدیت تمام از ماه ها پیش، تکاپوی خود را برای ورود قدرتمند به انتخابات برای به دست آوردن کرسی های بیشتر آغاز کرده بودند. در این میان شرایط برای احزاب سنی هم مانند همتایان شیعی شان مشابه و البته پرتلاطم است. ۷۷ درصد جمعیت عراق را عرب ها تشکیل می دهند. شیعیان ۵۵ درصد و سنی ها ۲۲ درصد این عدد را پر می کنند. با اینکه عرب های سنی کمی بیش از یک پنجم جمعیت را شکل می دهد اما تا پیش از سال ۲۰۰۳ و به مدت چندین سده، نظام سیاسی سرزمین بین النهرین در اختیار آنان بوده است. در دوران عراق معاصر و پس از استقلال آن نیز حکومت در اختیار عرب های سنی بوده است. با سرنگونی رژیم حزب بعث در سال ۲۰۰۳ اینگونه مقدر شد که این اقلیت در یک چرخش ناخواسته جای خود را به اکثریت شیعی بدهد. این چرخش، البته با نارضایتی و خشم آنان مواجه گردید، به گونه ای که با تحریم انتخابات، مشروعیت نظام سیاسی جدید را نپذیرفتند. بخشی از آنان حضور در فرایند جدید سیاسی را تحریم کردند و بخشی دیگر علاوه بر این تحریم با توسل به خشونت، چالش های امنیتی و سیاسی قابل توجهی را به وجود آوردند. در عرصه سیاسی و انتخاباتی تحریم مشارکت در انتخابات ژانویه ۲۰۰۵ «الجمعیه الوطنیه الإنتقالیه» که نخستین انتخابات پس از سرنگونی رژیم صدام بود و به نوعی نقش پارلمان موقت برای تدوین قانون اساسی و برگزاری نخستین انتخابات مجلس در پایان همان سال بود، اهل سنت را از نقش آفرینی جدی تر بازداشت. شیعیان پیروزی گسترده ای به دست

آوردند و سنی ها فهمیدند که تحریم انتخابات راه حل مناسبی نیست و مشارکت سیاسی یکی از راه های اصلی بازگردانی نقش سابق آنها در فضای حکمرانی بود. کما اینکه نقش تحریم کننده آنها در صورتی که به شکل اپوزیسیون داخل ساختار و فرآیند سیاسی تغییر شکل می داد می توانست برای آنان سودمند تر باشد و مانع از یکه تازی شیعیان و کردها، از منظر آنان گردد. البته نگرانی آمریکایی ها از برهم خوردن موازنه قدرت به سود شیعیان نیز نقش مهمی در سوق دادن آنان به پایان دادن به تحریم مشارکت سیاسی داشت. نکته‌ای که زلمای خلیل زاد سفیر اسبق ایالات متحده آمریکا در بغداد که همان زمان در عراق در حال انجام مأموریت خود بود در کتاب خاطرات خود بر آن اذعان می دارد. به هر جهت نخستین مشارکت سیاسی سنی ها در نخستین دوره انتخابات در دسامبر ۲۰۰۵ رقم خورد که «جبهه التوافق العراقیه» گسترده ترین ائتلاف سنی با ۴۴ کرسی و سپس «جبهه الحوار الوطنی» با ۱۱ کرسی، بزرگ‌ترین نمایندگان سیاسی اهل سنت در آن دوره بودند. در انتخابات سال ۲۰۱۰ تمایل نخبگان سنی برای مشارکت در انتخابات، بیش از گذشته شد. شخصیت های ارشد و مطرح سنی مانند صالح المطلک، جمال الکربولی، طارق الهاشمی، اسامه النجیفی و رافع العیساوی همگی در چارچوب «القائمه العراقیه» به رهبری ایاد علاوی، نخست‌وزیر سابق شیعی و سکولار گرد هم آمدند و توانستند به طور مشترک با شیعیان همفکر علاوی، با ۹۱ کرسی، بیشترین کرسی های مجلس را از آن خود کنند. هرچند که در نهایت در این انتخابات جنجالی بر سر تفسیر فراکسیون بزرگتر «الکتله الأکبر»، این فهرست ائتلاف «دولت قانون» نوری مالکی بود که با دو رأی کمتر، با حکم دادگاه عالی، مسئول تشکیل کابینه و معرفی نخست وزیر گردید. به نظر می رسد که سنی ها در انتخابات دوره سوم در سال ۲۰۱۴ بهترین نتایج مشارکت خود را تا آن زمان به دست آوردند. از مجموع ۳۲۸ کرسی پارلمان، آنها ۹۰ کرسی را در اختیار گرفتند که عدد قابل توجهی بوده است. فهرست «متحدون للإصلاح» به رهبری اسامه النجیفی با ۲۳ کرسی و «الوطنیه» ایاد علاوی با ۲۱ کرسی موفق ترین فهرست های اهل سنت در این دوره بوده اند. چهارمین انتخابات مجلس نمایندگان در سال ۲۰۱۸ برگزار شد. این نخستین انتخاباتی بود که پس از اعلام پیروزی رسمی بر داعش برگزار می شد. کرسی های اهل سنت در این انتخابات کاهش چشمگیری از خود نشان داد. آنها ۷۱ کرسی به دست آوردند و الوطنیه مانند دوره گذشته ۲۱ کرسی، القرار به رهبری النجیفی و خنجر ۱۴ کرسی و دیگر احزاب سنی به طور متفرقه کرسی های کمتری را کسب کردند. به طور مثال فهرست «الأنبارهویتنا» متعلق به محمد الحلبوسی تنها ۶ کرسی را از آن خود کرد. اشغال گسترده مناطق سنی نشین توسط داعش، یک زخم کاری بر پیکره گروه های سنی و پایگاه اجتماعی متزلزل آنان وارد کرده بود. پس از ظهور داعش در سال ۲۰۱۴ بیش از ۹۸۰ هزار خانوار عراقی که غالبا اهل سنت بودند آواره شدند. این موضوع اثر خود را بر سطح مشارکت اهل سنت در انتخابات برجای گذارد؛ علاوه بر اینکه نارضایتی این بخش از شهروندان از رهبران سیاسی سنی که وعده های متعدد بازگشت هرچه سریع تر آوارگان به مناطق خود و ساخت و ساز و اصلاح مناطق تخریب شده آنان را داده بودند، اما در عمل، نتایج رضایت‌بخشی حاصل نشده بود که باعث خشم آنان نیز شده بود. در این انتخابات، «تحالف المحور» با ۵۰ نماینده، بزرگ ترین بلوک پارلمانی را تشکیل داد و حلبوسی نیز در یک توافق داخلی و خارجی به ویژه با حمایت ائتلاف پارلمانی «فتح» به ریاست ابوحسن العامری، توانست ریاست مجلس را در اختیار بگیرد تا نشان دهد عملا ایران به این گزینه چراغ سبز نشان داده است. فضای سیاسی بیت سنی خیلی زود به دلیل اختلافات شدید دچار انشعاب گردید و المحور با یک انشقاق مهم که آثار خود را بر نقشه سیاسی احزاب سنی در انتخابات ۲۰۲۱ نیز گذاشت به دو بلوک تقسیم شد. «تحالف القوی العراقیه» به رهبری حلبوسی جوان و پدیده اخیر سیاسی سنی ها با ۳۳ نماینده و «المحور الوطنی» به رهبری خنجر، الجبوری، النجیفی و کربولی با ۱۷ نماینده، به دو جریان متخاصم با یکدیگر تبدیل شدند و این تخاصم شدید که در بسیاری از موارد به اتهام زنی و حتی توهین های مستقیم به یکدیگر بدل شده، به انتخابات اکتبر ۲۰۲۱ پیوند مستقیم خورد.

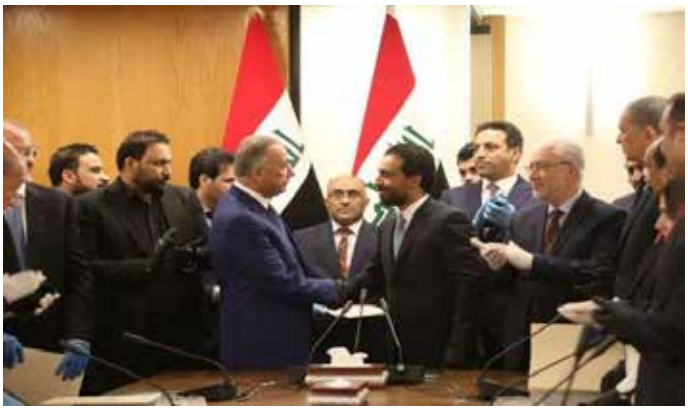

محمد الحلبوسی جوان در میان شگفتی ناظرین سیاسی بر کرسی ریاست پارلمان عراق تکیه زد.

اختلافات به وجود آمده در تحالف المحور و تحولات پس از آن گویای آن بود که نقشه سیاسی انتخاباتی بیت سنی بار دیگر در انتخابات ۲۰۲۱ دچار تشتت و رقابت های کمرشکن میان دو قطب بارزتر یعنی محمد الحلبوسی و خمیس الخنجر خواهد شد. روابط حلبوسی با فتح و گروه های مقاومت در

سال های اخیربه تدریج دچار اختلافات جدی شده بود و در مقابل، این روابط با سعودی ها بیش از گذشته تقویت گردید. در مقابل، خنجر که در سال های گذشته همواره توسط احزاب شیعی به حمایت از تروریسم و پشتیبانی مالی آن متهم بود و با قطری ها روابط قابل توجهی داشته است در ماه های اخیر توانست روابط قابل قبولی را با گروه های حشد الشعبی به وجود آورد و حتی در سفر آوریل گذشته محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه سابق ایران به عراق، در منزل خنجر با وی و تعدادی از شخصیت های سنی عراقی دیدار و گفتگو کرد. انتخابات پیش رو با اینکه شاهد حضور طیف گسترده ای از نخبگان سیاسی سنی خواهد بود اما به طور مشخص رقابت اصلی میان «تحالف عزم» به رهبری خنجر و «تحالف تقدم» به رهبری حلبوسی خواهد بود. این دو تلاش جدی دارند تا رهبری سیاسی و بلامنازع اهل سنت را در اختیار بگیرند بنابراین از هم اکنون می توان پیش بینی جدالی بزرگ، چه پیش از انتخابات و چه پس از آن را داشت. خنجر توانسته است شخصیت های قابل توجهی مانند سلیم الجبوری (التجمع المدنی للإصلاح)، جمال الکربولی (حزب الحل)، خالد العبیدی (حزب التصدی)، و ابومازن (حزب الجماهیر الوطنیه) را در کنار خود داشته باشد. هرچند که حلبوسی را نیز به هیچ عنوان نباید دست کم گرفت. وی نشان داده است که یک سیاستمدار جوان اما با هوش است. در کنار این دو ائتلاف، «مشروع الإنقاذ» به رهبری اسامه النجیفی رئیس اسبق پارلمان و سیاستمدار نزدیک به ترکیه نیز حضور دارد. کما اینکه جمال الضاری نوه شیخ ضاری المحمود از رهبران برجسته ثوره العشرین (قیام ۱۹۲۰) و رهبر «المشروع الوطنی العراقی» نیز در این دور از انتخابات حضور دارد. الضاری به طور جدی از شخصیت های سنی مخالف و منتقد ایران و همپیمانان آن در عراق است و اسناد منتشر شده در چارچوب قانون ثبت کارگزاران خارجی «فارا» وزارت دادگستری آمریکا نشان می دهد وی روابط قابل توجهی در سال های اخیر با بخشی از نمایندگان کنگره و وزارت امور خارجه آمریکا داشته و پول های هنگفتی به آنان پرداخت کرده تا حمایت آنها را از خود کسب کند.

رقابت تحالف عزم و تحالف تقدم بر سر زعامت بیت سنی

انتخابات در عراق در دو دهه اخیر نشان داده است که ائتلاف‌ها و پیمان های سیاسی انتخاباتی، راهکارهای احزاب و رهبران سیاسی برای کسب کرسی های بیشتر در پارلمان هستند و این ائتلاف ها به دلیل آنکه همپیمانی آنان تقریبا هیچگاه راهبردی نبوده محکوم به ظهور اختلافات سریع و فروپاشی بوده اند. این موضوع اختصاص به گروه های سیاسی شیعه و تحولات دراماتیک آن در این ۱۸ سال ندارد. به دلیل توجه نخبگان ایرانی به بافت سیاسی شیعی عراق، تلاش قابل توجهی برای شناخت بافت سنی و اطلاع از تحولات آن صورت نگرفته است. اما ناظران و پژوهشگران جدی مسائل عراق به خوبی از مشابهت تحولات سیاسی در فضای سیاسی شیعی و سنی این کشور مطلع هستند. با این حال، صبغه قدرتمندتر عشیره و بدویت در بافت سنی به خصوص در مناطق غربی عراق که منجر به پیوندهای قدرتمند بین عشیره و رجال سیاسی گردیده است، عملا ویژگی های منحصر بفرد بدوی و عشیره ای را در حیات سیاسی رهبران اهل سنت نیز منعکس کرده است. جاه طلبی شدید و میل قوی به رهبری و نارضایتی و نگرانی از شکست، منجر به ظهور رقابت های قوی میان رهبران سیاسی سنی می گردد. ارتباطات مشخص و متنوع هر یک از این رهبران با یکی از طرف های منطقه ای و حمایت های هر یک از این کشورها از این اشخاص، به حساسیت ها و پرتنش بودن این رقابت ها افزوده است. اگر ارتباطات برخی رهبران شیعی با ایران مورد توجه قرار می گیرد در بافت سیاسی سنی، این ارتباطات دامنه وسیع تری همچون امارات، عربستان سعودی، قطر، اردن و ترکیه را شامل می شود. افزون بر اینها عدم وجود رهبران مؤثر و قدرتمند که بتوانند صدای توده اکثریت اهل سنت باشند و آن را نمایندگی کنند به شدت قابل لمس است. این مسئله اثر بالایی بر پراکندگی آرای انتخاباتی اهل سنت خواهد گذاشت. موضوعی که به نظر می رسد مشخصا مورد توجه شخصیت های مانند خنجر و حلبوسی قرار گرفته است. با این حال بعید به نظر می رسد که با توجه به عوامل گفته شده و شرایط کنونی جامعه سنی، در این دوره از انتخابات، شاهد ظهور یک نیروی سیاسی بلامنازع سنی در این دوره از انتخابات باشیم. به ویژه آنکه گذشته نشان داده است که بلوک های سیاسی، در فردای اعلان نتایج انتخابات نیز دست خوش تغییرات جدی قرار می گیرند.

انتخابات عراق و آرایش سیاسی کُردها؛ زیر سایه اختلافات داخلی و چالش مشارکت

اردشیر پشنگ
پژوهشگر ارشد مسائل خاورمیانه

مقدمه

روز دهم اکتبر پنجمین انتخابات پارلمانی عراق فدرال برگزار می‌شود، انتخاباتی که به دلایل مختلفی دارای اهمیت فوق العاده‌ای برای گروه‌ها، احزاب و ائتلاف‌های مختلف عراقی است. در این بین کُردها نیز به مانند اعراب شیعی و سنی با چند فهرست ائتلافی، حزبی و مستقل در این انتخابات شرکت می‌کنند. انتخاباتی که به نظر می‌رسد به دلیل شرایط و مشکلات اقتصادی، تاثیرات و تبعات کرونا، لاینحل ماندن بسیاری از بحران ها و مشکلات سیاسی و خدماتی پیشین، عدم تحقق بسیاری از وعده‌های احزاب و ... بیش از هر مسئله‌ای با بحران مشارکت روبرو شود. در یادداشت پیش‌رو اهداف و آرایش سیاسی احزاب و ائتلاف‌های کُرد در این انتخابات مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

جایگاه و موقعیت فعلی کُردها

براساس قانون اساسی عراق، چهار استان اربیل، دهوک، سلیمانیه و حلبچه تشکیل دهنده منطقه فدرالی اقلیم کردستان هستند. در عین حال جمعیت کُردها در استان‌های کرکوک، دیالی، صلاح‌الدین و نینوا هم امتداد داشته و دارای بهم پیوستگی جغرافیایی است، در بغداد هم شمار قابل توجهی از کُردهای فیلی (شیعه مذهب) که دارای قدرت اقتصادی قابل توجهی هستند، از دیرباز زندگی می‌کنند. در چهار انتخابات پارلمانی پیشین (در سال ۲۰۰۵، سال ۲۰۰۹، سال ۲۰۱۴ و سال ۲۰۱۸) کُردها جایگاه خود را به عنوان قدرت دوم در عراق تثبیت کرده‌اند. به همین دلیل همواره پست ریاست جمهوری را از آن خود کرده‌اند.همچنین به غیر از یک مقطع کوتاه، همواره پست وزارت خارجه نیز از آن کُردها بوده است. بدین ترتیب کُردها پس از اعراب شیعی در ساختار دولت

مرکزی عراق، جایگاهی بالاتر از اعراب سنی داشته‌اند. اما این جایگاه نتوانسته است تا مشکلات اساسی و مهمی که کُردها دنبال حل آن بوده‌اند را برطرف کند، از جمله موضوع مناطق مورد مناقشه که در ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق مکانیسمی برای حل آنها پیش‌بینی شده اما ۱۴ سال پس از پایان فرصت تعیین شده، دولت عراق قدمی برای انجام آن برنداشته است. مسئله رابطه نیروهای پیشمرگ با دولت مرکزی، مدیریت استخراج و فروش نفت و سهم از بودجه و مناصب اداری و حکومتی از دیگر مسائلی هستند که نه فقط حل نشده بلکه بعضا بیش از پیش نیز شده‌اند. اما در عین حال بایستی اشاره کرد، که همچنان بیشترین ثبات سیاسی، جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و آهنگ شتابان‌تر رشد و توسعه در منطقه اقلیم کردستان عراق است و این منطقه در کل دارای موقعیتی قابل توجه‌تر از دیگر مناطق عراق است.

چالش بغداد و اربیل بر سر نحوه تخصیص بودجه اقلیم کردستان در دوره نخست وزیری مصطفی الکاظمی نیز ادامه داشت

کُردها در انتخابات پیشین

در آخرین انتخابات سال ۲۰۱۸ از ۳۲۹ کرسی مجلس عراق، کردها موفق شدند ۵۸ کرسی را به صورت مستقیم و ۵ کرسی دیگر را به کمک اقلیت‌های متحد خود در عراق از آن خود کنند. این انتخابات از آن حیث مهم بود که درست یک‌سال پس از تحولات موسوم به رفراندوم استقلال برگزار شد، رفراندومی که با توجه به اتفاقات ۱۶ اکتبر ۲۰۱۷، باعث شد نهایتا ۵۱ مناطقی که تحت کنترل نیروهای پیشمرگ بود به همراه ۶۵ درصد از چاه های نفتی در مناطق مورد مناقشه، به کنترل دولت مرکزی درآید. حضور و مشارکت همه احزاب کُرد از جمله حزب دموکرات به رهبری مسعود بارزانی در آن انتخابات حاکی از تغییر استراتژی عمومی اقلیم کردستان، در عدم دنبال کردن استقلال و ادامه روند پیشین در درون ساختار سیاسی عراق بود. در انتخابات مذکور ائتلاف‌ها و احزاب کُرد به ترتیب نتایج زیر را از آن خود کردند:

۱ - حزب دموکرات کردستان: ۲۵ کرسی، این حزب از نظر تعداد کرسی بالاترین تعداد آرا را در میان همه احزاب عراق به دست آورد و به تنهایی در رتبه ششم ائتلاف‌ها قرار گرفت.

۲ - حزب اتحادیه میهنی کردستان: ۱۸ کرسی، این حزب تحت رهبری موقت کوسرت رسول و علی رغم وقوع اختلافات و مشکلات داخلی و نیز از دست دادن رهبر کاریزماتیکش، جلال طالبانی، در این انتخابات روند موفقیت آمیزی به دست آورد و توانست نسبت به سال ۲۰۱۴ موقعیت خود را به عنوان دومین حزب در اقلیم کردستان مستحکم کند.

۳ - جنبش گوران (تغییر): این حزب نیز رهبر خود نوشیروان مصطفی را از دست داد و همچنین با اختلافات داخلی شدید روبرو شد؛ امری که نتیجه منفی قابل توجهی در آرای آن داشت و تنها موفق شد ۵ کرسی پارلمان عراق را از آن خود کند.

۴ - جنبش نسل نو: این حزب نوپا و منتقد احزاب حاکم در اقلیم کردستان، با رهبری بازرگان جوان شاسوار عبدالله موفق شد در این انتخابات ۴ کرسی پارلمانی از آن خود کند.

۵- ائتلاف برای دموکراسی و عدالت: این حزب تازه تاسیس به رهبری برهم صالح هم به رغم اینکه امیدوار بود نتایج قابل توجهی به دست بیاورد تنها توانست ۳ کرسی پارلمانی را از آن خود کند، برهم صالح نهایتا پس از انتخابات و با توافقی که با حزب اتحادیه میهنی انجام داد از این ائتلافی که خود در محور تاسیسش قرار داشت خارج شد.

۶- حزب اتحاد اسلامی کردستان: این حزب نیز به عنوان یکی دیگر از احزاب منتقد در اقلیم کردستان، موفق شد ۳ کرسی پارلمانی را از آن خود کند.

۷- حزب جماعت اسلامی کردستان: این حزب نیز در انتخابات سال ۲۰۱۸، موفق شد تنها ۲ کرسی پارلمانی را از آن خود کند.

ائتلاف‌ها و احزاب اصلی کُرد در انتخابات ۲۰۲۱

در انتخابات پارلمانی ۲۰۲۱ احزاب کُرد یک تغییر تازه داشته‌اند و آن هم تشکیل ائتلاف مشترک میان دو حزب اتحادیه میهنی کردستان و جنبش گوران (تغییر) است، در نتیجه اهمیت و پیش‌بینی میزان موفقیت فهرست ائتلاف‌ها و احزاب کُرد در

انتخابات پارلمانی عراق به ترتیب به شرح زیر برآورد می شود:

• حزب دموکرات: انتظار می‌رود به مانند همه چهار انتخابات پیشین، حزب دموکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی همچنان گروه اول کُردها در انتخابات پارلمانی عراق باشد. این حزب در دو انتخابات ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹ با حزب اتحادیه میهنی فهرست مشترک ارائه داد اما در انتخابات‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸ به طور مستقل در انتخابات شرکت کرد و در انتخابات ۲۰۲۱ نیز همین رویه را ادامه داده است. حزب دموکرات نیز به مانند دیگر احزاب کُرد دارای رقابت‌های قدرت داخلی جدی بین دو جناح طرفدار مسرور بارزانی (نخست وزیر فعلی اقلیم کردستان) و نیچیروان بارزانی (رئیس حکومت اقلیم کردستان) است، اما این رقابت زیر سایه حضور و اثرگذاری مسعود بارزانی، در سطح کنترل‌شده‌ای قرار دارد، به همین دلیل انسجام داخلی فهرست و کادر حزب دموکرات از دیگر احزاب کُرد بیشتر است.

• ائتلاف کردستان: این ائتلاف متشکل از دو حزب اتحادیه میهنی و جنبش گوران است. اعضای موسس و کادر رهبری جنبش گوران تا سال ۲۰۰۶ خود عضو حزب اتحادیه میهنی بودند اما در این زمان نوشیروان مصطفی با ابراز نومیدی از عدم ایجاد اصلاحات لازم درون حزبی، از چند دهه اتحاد و همراهی با جلال طالبانی خارج شد و پس از چندی (۲۰۰۹) با تشکیل حزب گوران و کسب ۲۵ درصد کرسی های پارلمان اقلیم کردستان، عملا به حزب سوم در اقلیم کردستان تبدیل شد. اما هر دو حزب همان طور که اشاره شد رهبران کاریزماتیک و محوری‌شان را در سال ۲۰۱۷ از دست دادند، از طرفی هم اختلافات داخلی در هردو حزب افزایش یافته است. در حزب گوران، نمایندگان این حزب در پارلمان عراق، با سرپیچی از تصمیم کادر رهبری حزب، در ائتلاف با اتحادیه میهنی شرکت نکرده بلکه خود تحت عنوان ائتلاف هیوا (امید) کردستان در انتخابات شرکت می کنند. در حزب اتحادیه میهنی کردستان هم طی دو ماه اخیر اختلافاتی اساسی میان دو رهبر مشترک حزب روی داده است. بافل طالبانی یکی از این دو رهبر که پسر ارشد جلال طالبانی نیز محسوب می شود با وارد ساختن اتهاماتی جدی از تلاش برای سوءقصد علیه خود تا سوءاستفاده مالی و امنیتی، دیگر رهبر حزب یعنی لاهور شیخ جنگی را عملا از دور خارج کرده است. شیخ جنگی نیز برادرزاده جلال طالبانی محسوب می‌شود و طی سال‌های اخیر عملا او با همکاری برادرانش (آراس، پولاد و ...) و با مدیریت نیروهای امنیتی (ضد ترور) صحنه‌گردان اصلی قدرت در منطقه سلیمانیه و حلبچه بوده است. هرچند پیش‌تر این دو حزب دوبار دیگر نیز با هم دست اتحاد داده بودند، اما این نخستین‌بار است که با تشکیل ائتلاف و فهرست مشترک در انتخابات شرکت می کنند و حال باید دید جنگ قدرت داخلی میان رهبران دو حزب چه تاثیری بر وضعیت آرای آنها خواهد داشت. نکته دیگر اینکه رهبری این ائتلاف از لاهور شیخ جنگی به قباد طالبانی (فرزند دوم جلال طالبانی و معاون نخست وزیر اقلیم کردستان) سپرده شده است.

در سایه فقدان رهبران معنوی دو حزب اتحادیه میهنی و جنبش گوران، ائتلاف کردستان به موفقیت تحت قیادت و رهبری قباد طالبانی می اندیشد.

• جنبش نسل نو: حزب جوان نسل نو، که از دل اعتراضات خیابانی در سلیمانیه علیه احزاب حاکم کُرد و با سخنرانی‌ها و مواضع نسبتا رادیکال رهبر جوانش، شاسوار عبدالله، تشکیل شده است، خیلی زود خود دچار اختلافات داخلی میان شاسوار با نمایندگان این حزب چه در پارلمان عراق و چه در پارلمان کردستان شده است. با این حال در انتخابات پیش‌رو نیز این حزب با در پیش گرفتن مواضع انتقادی و حملات مستقیم به احزاب اصلی کردستانی، به دنبال کسب حداقل کرسی‌هایش از پارلمان عراق است.

• حزب اتحاد اسلامی کردستان: این حزب تحت رهبری صلاح‌الدین محمد بهاءالدین همواره در انتخابات پارلمانی عراق حضور داشته و دارای کرسی بوده است، حزب مذکور در بغداد تحت رهبری مثنی امین یکی از نمایندگان تاثیرگذار خود است.

• حزب جماعت عدالت کردستان: این حزب تحت رهبری «علی باپیر» در این انتخابات شرکت می کند. مهمترین تغییر این حزب، ایجاد تغییر در نام حزب است. آنها طی چهار دهه اخیر با نام «جماعت اسلامی کردستان» فعالیت می کردند، اما حالا پسوند «اسلامی» را حذف و کلمه «عدالت» را جایگزین آن کرده‌اند، تغییری که شباهت و تاثیرپذیری بیش از پیش این حزب از حزب «عدالت و توسعه» در ترکیه را نمایان می‌سازد، لازم به ذکر است که این حزب به داشتن گرایشات

اخوان المسلمینی در اقلیم کردستان عراق شهره است.

• حزب سوسیال دموکرات: این حزب تحت دبیرکلی «محمد حاجی محمود» تاکنون نتوانسته است در پارلمان اقلیم کردستان کرسی از آن خود کند، حاجی محمود از متحدین و دوستان نزدیک مسعود بارزانی و یکی از طرفداران جدی رفراندوم استقلال در سال ۲۰۱۷ است، با این حال روند سیاسی سال های اخیر حاکی از افول حزب او حتی در انتخابات پارلمان کردستان بوده است، اما با این حال با توجه به اینکه دیگر احزاب اصلی در سلیمانیه، مرکز اصلی فعالیت حزبش، دچار اختلافات داخلی جدی هستند، امیدوار است دست کم یک کرسی را در این استان از آن خود کند.

• نامزدهای مستقل: تغییر شیوه انتخاباتی عراق از استانی به منطقه‌ای باعث شده است تا این بار افراد مستقل و احزاب کوچک در رقابت با احزاب بزرگ شانس بیشتری برای حضور در پارلمان داشته باشند، همین امر در اقلیم کردستان هم باعث شده است تا افراد مختلفی تحت عنوان مستقل در مناطق مختلف آن ثبت نام کنند، چرا که با مکانیسم جدید انتخاباتی، یک فرد می‌تواند با کسب آرایی در حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار رای از برخی مناطق، راهی پارلمان شود، این مسئله باعث شده تا حتی برخی احزاب علاوه بر فهرست انتخاباتی خود، به طور غیرمستقیم برخی نامزدهای ظاهرا مستقل را نیز در مناطق مختلف وارد گود انتخابات کنند.

انتخابات ۲۰۲۱ عراق و رقابت‌های بین‌کردی

یکی از جنبه‌های مهم انتخابات پیش‌رو در عراق رقابت‌های درون هویتی جدی بین هر سه گروه اصلی عرب شیعه، کُرد و عرب سنی است. در اقلیم کردستان نیز این رقابت در این دوره بسیار شدید است، و هرچند احزاب و ائتلاف‌های مختلفی از کُردها در انتخابات شرکت کرده‌اند اما بایستی عمدتا آنها در قالب سه جریان زیر تقسیم بندی کرد:

• حزب دموکرات: حزب دموکرات با بیشترین انسجام و قدرت، به دنبال آن است تا با توجه به اختلافات داخلی در میان دیگر رقبا و نیز معرفی دو نامزد در کرکوک، در حالت ایده‌آل ۲۵ کرسی پارلمانی خود را به ۳۰ کرسی افزایش دهد و همچنان حزب اول کردستانی در بغداد به شمار رود. بنا به برخی گمانه‌زنی‌ها این حزب به دنبال آن است تا پس از سال ها پست ریاست جمهوری عراق را از خود کرده و نیچیروان بارزانی به جای برهم صالح ردای ریاست جمهوری را بر تن بپوشد!

• ائتلاف کردستان: ایجاد ائتلاف کردستان توسط اتحادیه میهنی (یکیتی) با جنبش تغییر (گوران) با هدف خاتمه دادن به سیطره حزب دموکرات بوده است، امری که البته با توجه به افزایش اختلافات داخلی دو حزب از یکسو و انسجام حزب دموکرات از سوی دیگر، سخت به نظر می‌رسد. این دو حزب در تلاش هستند تا مجموع کرسی‌های خود را از ۲۳ کرسی به بیش از ۲۸ کرسی افزایش دهند، همچنین اتحادیه میهنی امیدوار است تعداد ۶ کرسی پارلمانی دوره پیشین خود در کرکوک را به ۸ کرسی از ۱۲ کرسی رقابتی افزایش دهد، امری که باعث افزایش قدرت این حزب در عراق و به خصوص اقلیم کردستان می‌شود.

• منتقدین احزاب حاکم: دیگر احزاب و ائتلاف های کُرد را عمدتا می‌توان زیر چتر منتقدین وضع موجود تقسیم بندی کرد، این احزاب و گروه ها و افراد مستقل هرچند خود واقفند شانس چندانی برای تبدیل شدن به نیروی اکثریت در مقابل احزاب حاکم را ندارند، اما امیدوارند تا بتوانند با افزایش جلب آرا بر تعداد کرسی‌هایشان افزوده و در نتیجه وزن سیاسی و قدرت چانه‌زنی خود در اقلیم کردستان را تقویت کنند.

مشارکت دو فهرست حزب دمکرات و ائتلاف کردستان در انتخابات آتی پارلمان عراق نمودی عینی از رقابت دو کانون سنتی قدرت در صحنه تحولات اقلیم کردستان است.

چشم انداز پیش‌رو

حال بایست منتظِر ماند و دید در روز دهم اکتبر مردم عراق و به خصوص کُردها آرای خود را عمدتاً به سبد کدام احزاب و ائتلاف‌ها واریز خواهند کرد، آرایی که احزاب سیاسی برای جلب آنها، با توجه به مشکلات اقتصادی، تاثیرات پاندومی کرونا، تداوم فساد اداری و مالی و ... وضعیت دشوار و سخت‌تری از قبل در پیش‌رو دارند.

جنبش حقوق؛ ظهور شاخه سیاسی جدیدی در مقاومت اسلامی عراق

میز عراق و شامات
اندیشکده جریان

مقدمه

از نخستین انتخابات عراق – پس از سقوط صدام – در سال ۲۰۰۵، جریانات اصلی شیعی در قالب فهرست ائتلافی واحد مشارکت می کردند. در دو انتخابات سال ۲۰۰۵، عملا جریانات عمده شیعه فهرست واحدی داشتند. در سال ۲۰۱۰ نخستین تفکیک جدی در میان جریانات اصلی و بزرگ تر رخ داد؛ یک طرف فهرست «دولة القانون» به ریاست «نوری المالکی» و یک طرف فهرست جریانات اصلی شیعه منتقد وی در قالب ائتلاف واحد «الوطنی العراقی» حضور یافتند. در آن زمان مجلس اعلا در فهرست دوم بود؛ اما سازمان بدر با جدایی از مجلس اعلا به فهرست نخست پیوست. بعد از انتخابات و پس از رایزنی های فراوان، نهایتا این دو فهرست با یکدیگر ائتلاف کرده و فراکسیون اکثریت را در پارلمان تشکیل دادند. در سال ۲۰۱۴، جریانات سیاسی شیعی با فهرست‌های انتخاباتی مستقل و متفاوت به میدان آمدند؛ اما باز هم فهرست «دولة القانون» نزدیک تر به ایران ارزیابی می شد. در سال ۲۰۱۸، برای اولین بار ائتلافی ظهور کرد که اضلاع اصلی آن را نه جریانات سیاسی سنتی عراق بلکه گروه‌های مقاومت تشکیل می‌دادند: «ائتلاف فتح المبین». گرچه رهبران فتح تأکید داشتند که لباس رزم را درآورده و به عنوان شهروند در انتخابات حضور یافته‌اند؛ اما بافت داخلی تشکیلات نشان می داد عمده سران آن پیش‌تر در حشد الشعبی و بلکه گروه های پیش از تأسیس حشد الشعبی – که بعدها در آن ادغام شدند – مانند سازمان بدر، عصائب اهل الحق و... عضویت داشتند. حال در انتخابات اخیر، شاهد تکثر بیش تری در میان جریانات منسوب به مقاومت هستیم. فالح الفیاض که همزمان ریاست حشد الشعبی را دارد، با فهرست مستقل «العقد الوطنی» در انتخابات حضور یافته و از سوی دیگر در منتهی الیه مقاومت

نیز «حسین مونس» با فهرست انتخاباتی «حرکه حقوق» قصد دارد به صورت مستقل حضور یابد. این در حالی است که همچنان «ائتلاف فتح» با محوریت تشکیلات فعلی آن (بدر، سند الوطنی، عصائب اهل الحق، مجلس اعلا و...) در انتخابات حاضر است. گروه های سیاسی نزدیک به مقاومت نیز با فهرست های خود به میدان آمده اند؛ مانند فهرست دولة القانون به ریاست نوری المالکی، فهرست عمق الوطنی به ریاست خضیر الخزاعی و... در این مقاله به صورت گذرا ائتلاف «حرکه حقوق» را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

حرکت حقوق از گذشته تا به امروز

۱. اولین نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، شخص «حسین مونس» است. با اعلام کاندیداتوری وی و ظهور فهرست مستقل «حرکه حقوق»، فورا رسانه های اصلی خط مقاومت مسلحانه علیه اشغالگری آمریکا به برجسته سازی و تبلیغ حسین مونس پرداختند؛ مانند صابرین نیوز، شبکه الأشتر الإلکترونیه ...، ذکریات جنوبی، هدهد الجنوب، تری نیوز و... برخی از این کانال‌ها به صراحت نوشتند: «حسین مونس همان ابوعلی العسکری» است. به این ترتیب بر اخبار پیشین مبنی بر هویت واقعی ابوعلی العسکری مهر تأیید زدند.

۲. ابو علی العسکری را سخنگوی غیررسمی کتائب حزب الله و مقاومت مسلحانه علیه اشغالگری آمریکا می‌خوانند. البته در این زمینه اختلافاتی وجود دارد؛ اما به هر حال حسین مونس از اعضای ارشد کتائب حزب الله بوده و مدتی به عنوان مسئول روابط عمومی آن معرفی می شد. مواضع اعلامی ابو علی العسکری نیز در رسانه‌ها و محافل کارشناسی معمولا به عنوان مواضع یکی از اصلی ترین رهبران مقاومت در عراق مطرح می شود.

۳. جنجالی ترین مواضع ابو علی العسکری به یک و نیم سال اخیر و انتصاب مصطفی الکاظمی به نخست وزیری برمی‌گردد. بعد از جدی شدن احتمال دستیابی وی به نخست‌وزیری، ابو علی العسکری در توییتی اعلام کرد الکاظمی – در قامت رئیس سازمان استخبارات عراق – نقش مستقیمی در ترور فرماندهان نصر (شهید قاسم سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس) داشته است. حتی بعد از نخست وزیری نیز ابو علی العسکری بر همین موضع اصرار داشت و معمولا الکاظمی را در نوشته های خود همراه با صفت های «قاتل»، «غدر» (خائن) و... ذکر می کند. این در حالی است که مقامات فراکسیون فتح بارها به صراحت چنین اتهاماتی را رد کرده اند.

۴. همین جا ذکر این نکته خالی از لطف نیست که ابو علی العسکری در نوشته های خود تصریح کرده که مصطفی الکاظمی «مأمور وزارت اطلاعات ایران» است و همزمان بارها او را «جاسوس آمریکا» خوانده است. از نگاه وی، الکاظمی یا مأمور دوجانبه وزارت اطلاعات ایران و سیا بوده یا این‌که این دو نهاد اطلاعاتی و جاسوسی ایران و آمریکا در پروژه‌ای مشترک او را به کار گرفته اند.

۵. اوج این تقابل در دسامبر سال گذشته (دی ۱۳۹۹) روی داد که صراحتا مصطفی الکاظمی را تهدید کرد: «مانند بز، گوش های وی بریده خواهد شد» و به وی هشدار داد که در صورت اقدام مستقیم مقاومت علیه الکاظمی، «نه وزارت اطلاعات ایران، نه سازمان جاسوسی آمریکا و نه کاسبان وطن فروش (المزایدین علی مصلحه الوطن) نمی توانند از کاظمی حمایت کنند(و او را از حملات مصون دارند)».

حسین مونس در این توییت مصطفی الکاظمی را تهدید می کند: «مانند بز، گوش‌های تو را می بریم» و ادامه می دهد که «وزارت اطلاعات ایران»، «سازمان جاسوسی آمریکا» و «وطن فروشان خائن» نمی توانند از تو محافظت کنند!

۶. به دنبال تهدید مستقیم و صریح ابو علی العسکری، سندی منتشر شد که نشان می داد شورای عالی قضائی عراق حکم بازداشت وی را صادر کرده است. هرچند اعتبار این سند هیچ گاه به صورت رسمی تأیید نشد؛ اما هویت حقیقی ابوعلی العسکری را «حسین مونس فرج العبودی» خوانده بود. پس از آن تلاش هایی برای بازداشت وی صورت گرفت؛ اما به جایی نرسید و شبکه الحره به نقل از منابع امنیتی عراق نوشت: «حسین مونس به خارج از عراق گریخته است» و همین دستاویز حمله رسانه ای به ایران شد.

۷. جالب این جاست که در آن مقطع، بسیاری از شخصیت‌های مقاومت عراق علیه حسین مونس موضع گرفتند. محمود الربیعی سخنگوی دفتر سیاسی «عصائب اهل الحق» صراحتا او را رد کرد: «اساسا هیچ یک از ما ابو علی العسکری را نمی‌شناسیم. این توییت صرفا تنش ها را بیش تر می کند و من به دوستان کتائب حزب الله بابت آن اعتراض کرده ام.» هیئت

حشد الشعبی نیز دریافت هرگونه احضاریه برای جلب «حسین مونس فرج» یا «ابو علی العسکری» را انکار کرد که به نوعی تکذیب ارتباط تشکیلاتی میان وی و حشد محسوب می شد.

۸. ابو علی العسکری یا حسین مونس به اتخاذ مواضع تند علیه گروه های موسوم به تشرینی، مخالفت شدید با سفر پاپ به عراق (در عین حمایت از مواضع آیت الله سیستانی در دیدار با پاپ)، مواضع دو پهلو در قبال «ربع الله» و مخالفت تلویحی یا صریح با گروه های سیاسی شناخته می شود. حتی در جریان تصویب بودجه سالانه، ابو علی العسکری انتقاداتی جدی را مطرح کرد که متوجه فراکسیون فتح می شد.

۹. یکی از نکات مهمی که در زمینه ابو علی العسکری باید مورد توجه قرار گیرد، تفاوت مواضع وی با فراکسیون فتح است. ابو علی العسکری یکی از مهم ترین سخنگویان غیررسمی «مقاومت مسلحانه علیه اشغالگران آمریکایی» محسوب می شد. این موضوع در کنار تهدید تند مصطفی الکاظمی و... باعث می شد تا «حسین مونس» به عنوان یکی از نمادهای جریان «اللادولة» در عراق شناخته شود؛ جریانی که در تحلیل مختصات کلی فضای سیاسی عراق باید توجه ویژه ای به آن شود. جریان اللادولة به صورت ساختاری با فراکسیون فتح در تضاد بود؛ زیرا فتح یکی از اجزاء رسمی ساختار حکومت در عراق است و در موارد متعددی نیز این تضاد به شکل علنی خود را نشان داد که اوج آن در بیانیه فتح به تاریخ ۳ مهر ۱۳۹۹ برمی گردد که حمله به سفارتخانه آمریکا در بغداد را محکوم کردند. فراکسیون فتح در مواضع خود بارها بر ضرورت «بسط امنیت، اعاده هیبت دولت» و... تأکید و مرزبندی روشن خود با «اللادولة» را نشان داده است. ضمن این که می توان این تضاد را در موارد دیگری مانند سفر پاپ به عراق، تصویب کاهش ارزش پول ملی کشور، تصویب بودجه عمومی و.... نیز مشاهده کرد.

۱۰. حسین مونس در دهه ابتدایی دولت جدید عراق نیز نیروی مبارز علیه آمریکا بوده و در این راه حتی به زندان افتاده است. می دانیم در دوره نوری المالکی، کتائب حزب‌الله یک گروه مسلح خارج از دولت و تحت تعقیب محسوب می شد و حتی تعدادی از سران آن در فهرست تروریست‌های تحت تعقیب دولتی قرار داشتند. کتائب حزب الله در آن دوره، بر مبارزه مسلحانه با اشغالگران آمریکایی تمرکز کرده بود و تعدادی از فرماندهان آن نیز به همین جهت بازداشت شده و به زندان افتادند. حسین مونس، یکی از این افراد بود. در آن دوره، نوری المالکی نخست وزیری را بر عهده داشت و همزمان با تهران و واشنگتن ارتباط نزدیکی برقرار کرده بود. سازمان بدر به ریاست هادی العامری نیز مبارزه مسلحانه با آمریکا را رد می کرد و متناسب با نیازها و منافع وقت عراق نمی دانست. بسیاری از ناظران خارجی در آن زمان، کتائب حزب الله را به عنوان یکی از نزدیک ترین نیروهای عراقی به سپاه پاسداران می پنداشتند.

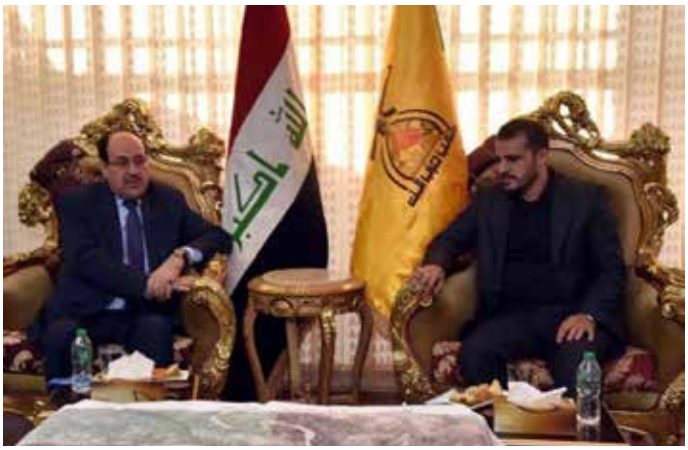

حسین مونس در کنار نوری المالکی

۱۱. در تحلیل این وضعیت، باید تمرکز اصلی بحث را روی «بدنه اجتماعی» گذاشت. بخش مهمی از بدنه اجتماعی و پایگاه مردمی مقاومت، از طبقه سیاسیون عراق بیزار شده اند و در این زمینه حتی از فراکسیون فتح نیز دلخور هستند. از موارد مشهوری مانند «ائتلاف با خمیس خنجر برای تأسیس فراکسیون البناء» گرفته تا موارد اخیر مانند تصویب بودجه سنواتی و...، بدنه اجتماعی احساس می کنند سران فراکسیون فتح در کنش سیاسی خود آرمانگرایی را وانهاده و مانند طبقه سیاسیون عراق حسب منافع خود و قدرت طلبی رفتار می کنند. این مسئله زمانی پررنگ تر می شود که در نظر داشته باشیم امروزه در متن جامعه عراق، «طبقه سیاسیون» نماد طبقه فاسدی است که ثروت ملی کشور را بلعیده و فربه شده؛ اما دولت از تأمین وظایف اولیه خود مانند برق و آب نیز باز مانده است.

۱۲. نکته دیگری که باید در تحلیل زمینه های ظهور جنبش حقوق مد نظر قرار داد، نحوه شمارش آراء در انتخابات است. در ادوار پیشین، شمارش آراء بر اساس فهرست‌های انتخاباتی صورت می‌گرفت و در نتیجه تلاش می‌شد تا فهرست های انتخاباتی قدرتمندتری تشکیل و حتی الامکان از تفرد پرهیز شود. اما در این دوره، قرار است شمارش آراء به صورت مستقیم و فردی باشد و در نتیجه کارکرد ائتلاف های انتخاباتی در حد تبلیغات و رقابت‌های پیش از روز رأی‌گیری است. از این منظر، حضور در قالب چند ائتلاف موازی نزدیک به هم که بتواند جمعیت بیشتری را پای صندوق رأی بکشاند و نهایتا در فردای پس‌از

انتخابات، برای تشکیل فراکسیون بزرگ تر ائتلاف در دستور کار قرار گیرد، یکی از سناریوهای جذاب است. این سناریو در حالتی جوابگوست که احساس شود در صورت ائتلاف این سلایق به صورت واحد و در قالب یک فهرست انتخاباتی مشترک، موجب ریزش آراء بدنه شود. مهم ترین رکن در این زمینه، عدم تخریب و حتی نقد جدی در بدنه هواداران است. در مقابل نیز باید توجه داشت که در بسیاری از موارد، تشکیل ائتلاف بزرگ تر موجب هم افزایی در بدنه جامعه شده و در نتیجه انگیزه را برای هواداران جهت تبلیغ فهرست انتخاباتی افزایش می دهد.

۱۳. مسئله دیگری که باید در این زمینه مورد توجه قرار گیرد، «دافعه» در ائتلاف های انتخاباتی است. به عنوان نمونه، دولت عادل عبدالمهدی نتیجه ائتلاف مشترک فتح (هادی العامری) و سائرون (مقتدی صدر) بود؛ اما نه صدری‌ها حاضر به ائتلاف با امثال حسین مونس هستند و نه در مقابل ابو علی العسکری به این ائتلاف تن می دهد. در چنین شرایطی، عدم شکل گیری ائتلاف های سراسری و حضور در قالب فهرست های انتخاباتی مجزا، ظرفیت را برای بازیگری گروه های محوری مانند فتح افزایش می دهد.

۱۴. یکی از نکاتی که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که حتی «جنبش حقوق» هم نتوانسته تمام افراد و چهره های شاخص مقاومت مسلحانه علیه آمریکا را زیر چتر خود گردآوری کند. به عنوان نمونه «یوسف سناوی الموسوی» دبیرکل جنبش «ثأرالله» که از نظر مواضع سیاسی به کتائب حزب الله نزدیک می باشد، در این انتخابات به صورت مستقل‌نامزد شده است.

۱۵. تمرکز این مقاله بر «جنبش حقوق» بود؛ زیرا در فضای داخلی مقاومت در عراق، کتائب حزب الله دارای جایگاه و وزن ویژه ای است. علاوه بر جنبش حقوق، فهرستی در انتخابات با عنوان «ائتلاف قادرون» به ریاست «حسن شاکر الحسناوی» فرمانده گروه «قوات الإمام» (از گروه های ذیل حشد الشعبی) حضور دارد که شامل «حزب الثقه» (به ریاست الحسناوی) و «تیار الأبرار الوطنی» (به ریاست سید عبد الواحد حسینی) می باشد.

چشم انداز پیش روی حرکه حقوق در انتخابات ۲۰۲۱

به صورت کلی سه سناریو را می توان برای جنبش حقوق در پارلمان عراق پیش بینی کرد. نکته اساسی در این زمینه، رأی‌آوری شخص «حسین مونس» است. تجربه فراکسیون «اراده» در پارلمان فعلی نشان می دهد در صورتی که سرلیست از ورود به پارلمان باز ماند، بعید است بقیه اعضا بتوانند خط سیاسی جدی و مستقلی را نسبت به فراکسیون بزرگ (و نزدیک به خود) دنبال کنند. حال با توجه به دو فاکتور «رأی آوردن شخص حسین مونس» و «تعداد نمایندگان راه یافته از فهرست حقوق» می توان سه سناریو را برای آینده پیش بینی کرد:

۱.شکست سخت حسین مونس در انتخابات: عدم پذیرش مسئولیت آن از طرف فتح

در این حالت، انتظار می رود رسانه‌های نزدیک به مقاومت و هم چنین اعضای شاخص ائتلاف فتح – حتی شاخه نزدیک به حسین مونس یعنی «صادقون» – با مقایسه آراء خود و فهرست حقوق، تأکید کنند که رأی نیاوردن فهرست حسین مونس به معنی شکست محور مقاومت نیست؛ بلکه فهرست اصلی مقاومت توانسته بخشی از آراء ملت عراق را جلب کند. مقایسه میان «فالح الخزعلی» (از اعضای شاخص عصائب اهل الحق) و «یوسف سناوی» در انتخابات پیشین در حوزه انتخاباتی بصره در این زمینه قابل توجه است. با این حال می توان یکی از پیامدهای این رخداد را «کاهش جدی اقبال به "جریان" مقاومت مسلحانه علیه آمریکا» دانست که به‌ویژه طبق توافق مبنی بر خروج نظامیان با مأموریت عملیاتی از عراق، زمینه برای تداوم فعالیتشان ضعیف تر می شود.

۲.راه یافتن حسین مونس و تعدادی از اعضای فهرست حقوق به پارلمان؛ ائتلاف با فتح در فردای پساانتخابات:

با توجه به جایگاه «فراکسیون بزرگ تر» در قانون اساسی و حق انتخاب نخست وزیر، طبق تجارب سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۸ تلاش مضاعفی خواهد شد تا چند فهرست نزدیک به مقاومت مانند «فتح»، «دولة القانون»، «العقد الوطنی»، «عمق الوطنی» و... فراکسیون واحدی را تشکیل داده تا بتوانند اختیار انتخاب نخست وزیر را به دست آورند. در این جا قطعا فشار مضاعف و شدیدی به حسین مونس و فراکسیون

حقوق برای همراه شدن با موج مذکور وارد خواهد شد. با فرض الحاق فراکسیون حقوق به فراکسیون ائتلافی :مقاومت، دو سناریو را در این زمینه می توان پیش بینی کرد

الف. استحاله در داخل فتح

در این حالت، احتمالا فراکسیون حقوق چیزی شبیه به فراکسیون صادقون در پارلمان فعلی خواهد بود. واقعیت این است که علی رغم تلاش های رسانه ای و میدانی گسترده عصائب اهل الحق، فراکسیون صادقون طی سه سال عمر این پارلمان هیچ گاه در بزنگاه های حساس به عنوان یک پارامتر مستقل و مؤثر مطرح نبوده است. نه در جریان انتخاب نخست‌وزیردر مقاطع مختلف، نه در جریان تصویب قوانین جنجالی اقتصادی مانند بودجه و ارزش پول ملی، نه در جریان تصویب قوانین سیاسی مهم مانند اصلاح قانون انتخابات و... فراکسیون صادقون به عنوان یک جریان مستقل و مؤثر پارلمان مطرح نبود و به طور کامل ذیل رفتار فراکسیون فتح می شد آن را تحلیل کرد. حتی در چینش کابینه های وزرا – چه در دولت عادل عبدالمهدی و چه در دولت مصطفی الکاظمی – عصائب اهل الحق فاقد سهمیه مجزا و قابل اعتنایی بوده و همه چیز به توافقات هادی العامری (رهبر فتح) و فالح الخزعلی (رئیس هیئت حشد الشعبی) با نخست وزیر برمی گشت. نکته مهمی که در این زمینه باید مورد توجه قرار داد این است که عصائب اهل الحق از همان ابتدا (انتخابات ۲۰۱۸) در قالب فهرست صادقون، عضوی از فهرست انتخاباتی فتح به شمار می رفت؛ اما در انتخابات ۲۰۲۱ فهرست حقوق به صورت مستقل از ائتلاف فتح وارد عرصه رقابت شده است و در نتیجه احتمال سهم گیری داخلی آن – در معادلات داخلی پارلمان بعدی – از فراکسیون فتح نیز در مقایسه با اجزای آن مانند مجلس اعلا، سند الوطنی و صادقون کم تر خواهد بود. پیامد ناگزیر این سناریو، ریزش جدی هواداران وی از یک سو و تقویت پایگاه هواداران رقیب (به‌ویژه طیف «فالح الفیاض») خواهد بود.

ب. الحاق به فراکسیون بزرگ تر در عین مرزبندی

در این حالت، فراکسیون حقوق و شخص حسین مونس از طریق اتخاذ مواضع مستقل (رادیکال) خود تلاش می کند تا مرزبندی خود را نمایش داده و از این طریق، ضمن حفظ پایگاه اجتماعی و هواداران خود، فراکسیون فتح را به سمت مطلوب هدایت کند. در این حالت، او به پوشش رسانه ای قدرتمند و حتی اقدامات انضمامی میدانی از سوی کتائب حزب الله نیاز جدی دارد. احتمالا همین سناریو برای بسیاری از رهبران مقاومت در عراق (حتی رهبران کتائب حزب الله) ایده آل خواهد بود؛ اما یکی از پیامدهای آن، تشدید دوگانه «الدولة / اللادولة» و رسوخ بیش تر آن به ساختار رسمی حکومت عراق است.

۳. راه یافتن حسین مونس – و تعدادی از اعضای فهرست حقوق به پارلمان – و تأکید حسین مونس بر مواضع خود و پرهیز از ائتلاف با امثال خمیس خنجر

این سناریو، در سطحی مفید بوده و می تواند پایگاه هواداران حسین مونس را به طور جدی حفظ کند؛ اما فضای عمومی سیاست در عراق را دو قطبی می سازد که در کل باعث کاهش وزن اجتماعی مقاومت خواهد شد. اصولا دمیدن بر فضای دو قطبی و رادیکال شدن عرصه سیاست، در مرحله «بازسازی و توسعه اقتصادی» مضر بوده و به زیان عراق در درجه اول و مقاومت در درجه بعدی منتهی می شود. به خصوص اگر در دولت آینده، نخست وزیر به جناح مقاومت منسوب نباشد و عملا فضای دو قطبی رادیکال، به سازمان های امنیتی کشیده شود.

جمع‌بندی و پیشنهاد

۱. عدم حمایت رسانه ای و عملی ایران

یکی از مهم ترین چالش ها و اتهاماتی که متوجه جریان مقاومت مسلحانه علیه آمریکا طی یک سال اخیر مطرح بود، اتهام وابستگی این جریان به تهران است. طی یکی دو سال اخیر مکررا این بحث مطرح شده که عراق نه ظرفیت تحمل هزینه های‌نزاع تهران واشنگتن را دارد و نه از این تقابل، منفعتی خواهد داشت. در مقابل ادعا می شد که حملات به پایگاه ها، کاروان ها و سفارت آمریکا صرفا در چارچوب نزاع تهران واشنگتن قابل تحلیل است. در این شرایط حمایت رسانه ای و عملی ایران از فهرست انتخاباتی حقوق در فضای سیاسی و رسانه ای عراق موید وابستگی این جریان به تهران خواهد شد.

۲.در ارزیابی اقبال عمومی توده های عراق به مبارزه مسلحانه علیه آمریکا به صورت خاص و به جریان مقاومت به صورت عام، نظرسنجی ها و تحلیل های متفاوتی مطرح شده است. با این حال، هیچ یک از این نظرسنجی ها در مقیاس گسترده صورت نگرفته است. به نظر می رسد تفکیک و حضور مستقل فهرست حقوق از فهرست فتح، فرصت خوبی است برای ارزیابی وزن اجتماعی یا اقبال عمومی ملت عراق. ابو علی العسکری از نمادهای مبارزه مسلحانه با آمریکا محسوب می شود و میزان آراء وی

می تواند یکی از معیارهای مناسب برای درک میزان اقبال ملت عراق به مبارزه مسلحانه با آمریکا باشد. در مقابل میزان آراء فتح به علت انتساب آن به محور مقاومت، می تواند بخش مهمی از وزن اجتماعی مقاومت در عراق را نشان دهد.

۳.مرزبندی و حضور مستقل دو فهرست العقد الوطنی و حقوق نسبت به فهرست فتح، می تواند فرصتی برای مقاومت در عراق باشد تا تکثر داخلی خود را بهتر نمایش دهد. این موضوع خصوصا با توجه به تحولات دو سال اخیر، از اهمیت به سزایی برخوردار است و مقاومت – چه در عراق، چه در تهران – از این فرصت به نحو احسن استفاده کند. نمایش واقعی «تکثر داخلی» نه تنها اقدامی مذموم (با عباراتی از قبیل «دشمن شادکن»نیست؛ بلکه می تواند ظرفیت اجتماعی مقاومت را بالا ببرد.

۴. در پایان باید توجه داشت که پارلمان آینده عراق در حالی کار خود را آغاز خواهد کرد که احتمالا نظامیان عملیاتی آمریکا به طور کامل عراق را ترک خواهند کرد و صرفا مستشاران با مأموریت آموزشی و مشاوره در عراق باقی خواهند ماند. این موضوع می تواند معادلات سیاسی عراق را نیز به طور جدی تحت تأثیر قرار دهد و باید مورد بررسی و تأمل بیش تری قرار گیرد. جایگاه بازیگرانی که در دوره «مبارزه با اشغالگران آمریکا» به شهرت بیش تری رسیدند (مانند ابو علی العسکری) باید در دوره جدید «بازتعریف» شود.

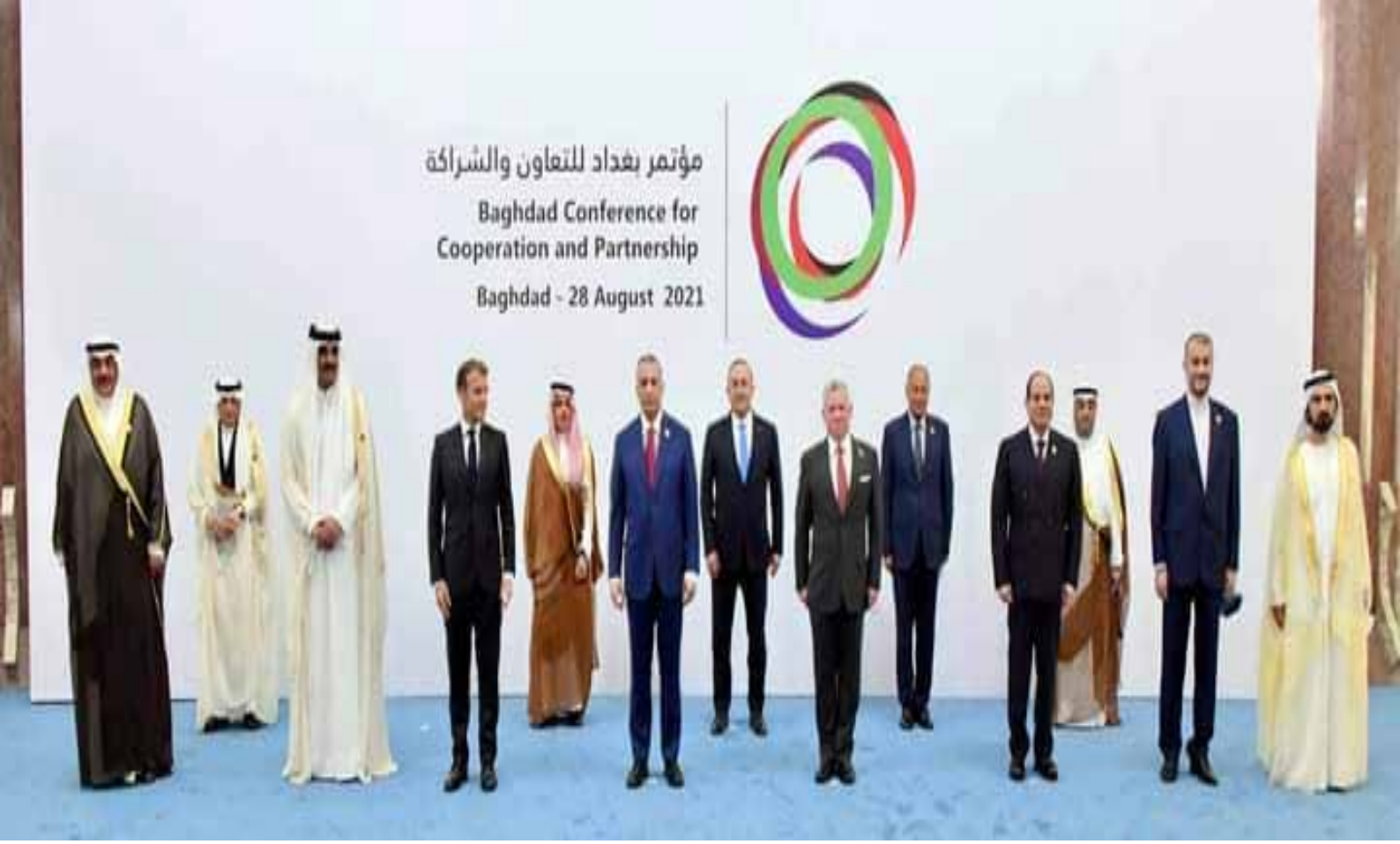

دیپلماسی عراق در دوگانه «دکترین حیاد» و «محور مقاومت»

علیرضا مجیدی
کارشناس مسائل عراق و شامات

مقدمه

برگزاری کنفرانس بغداد در روز ۶ شهریور ۱۴۰۰ با حضور رؤسای جمهور فرانسه و مصر، پادشاه اردن، امیر قطر، نخست وزیرهای عراق، امارات و کویت، وزرای خارجه ترکیه، عربستان سعودی و ایران، دبیرکل های اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس و نمایندگان اعضای شورای امنیت و تعدادی از اتحادیه ها و نهادهای بین المللی و منطقه ای عینی ترین نمود دیپلماسی دولت مصطفی الکاظمی در تلاش برای پی ریزی دکترین حیاد (بی طرفی) به عنوان راهبرد جدید سیاست خارجی عراق در مواجهه با بحران ها و منازعات منطقه ای و بین المللی بود. در نگاه نخست مهم ترین ابعاد کنفرانس بغداد عبارتند از:

۱. تقویت نظریه «حیاد» (بی طرفی) در سیاست خارجی بغداد؛

۲. معادلات منطقه و مبنا قرار گرفتن «رئالیسم تدافعی»؛

۳. حضور فرانسه به عنوان تنها بازیگر خارجی سطح بالا در کنفرانس.

مقاله حاضر می کوشد تا به اصلی ترین مسئله مرتبط با جمهوری اسلامی ایران در تعامل با سیاست خارجی عراق، یعنی «دکترین حیاد» و «جایگاه و نفوذ محور مقاومت» در دیپلماسی بغداد بپردازد.

سیاست خارجی عراق پساصدام در محیط منطقه ای و بین المللی

از زمان سقوط صدام تا سال ۲۰۱۱ (دوره اشغالگری آمریکا)،

بغداد فاقد رابطه دیپلماتیک حسنه با کشورهای همجوار و مهم عربی و ترکیه بود. در آن دوره، سیاست خارجی عراق را ذیل دو گانه «تهران» و «واشنگتن» تحلیل می کردند. روابط پرتنش با عربستان سعودی و سوریه، روابط منفی با ترکیه و اردن، رابطه نه چندان خوب با کویت و رابطه حسنه و نزدیک با ایران و غرب از شاخص ترین نشانه های این دوره است. با خروج آخرین نظامیان آمریکایی از عراق در پایان سال ۲۰۱۱، فضای سیاست داخلی و خارجی عراق به شدت دگرگون شد. نوری المالکی که پیش تر به نوعی مرد اصلی موازنه میان تهران و واشنگتن بود، از این دوره به میزان محسوسی بغداد را در مدار تهران تنظیم کرد. در عرصه داخلی، حکم بازداشت «طارق الهاشمی» صادر شد و در ادامه بحران به سمتی رفت که عملا عراق به سه بخش مجزای «مرکزی» (عمدتا شیعه)، «غربی» (سنی) و «شمالی» (کرد) تقسیم گردید که نشانه های آن را می توان در انتفاضه الانبار، چند دوره رایزنی فشرده مخالفین المالکی در اربیل و... مشاهده کرد.

در دوران نخست وزیری نوری المالکی، تهران نقشی بازگشتش به عرصه رقابت‌های انتخابات خبر می دهد

در این دوره، علی رغم کُرد بودن وزیر خارجه (هوشیار زیباری)، نخست وزیر عراق به صورت مستقیم زمام دیپلماسی را به دست گرفته و عملا عراق به عنوان یک ضلع مهم محور مقاومت در معادلات منطقه ای به ایفای نقش می پرداخت. به عنوان نمونه در جریان بحران سوریه، طی سال های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ که ائتلاف گسترده ای علیه نظام سوریه در کشورهای منطقه شکل گرفته بود، بغداد در کنار دمشق ایستاد. این در حالی است که پیش تر، شخص نوری المالکی صراحتا سوریه را به صدور تروریسم به عراق متهم کرده بود و روابط دو کشور به شدت پرتنش بود. موارد نسبتا پرشماری را می توان در مقطع ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ مثال زد که بغداد عملا به عنوان یک شاخه از محور مقاومت در عرصه های منطقه ای و بین المللی ظاهر می شد. در سال ۲۰۱۴ به دنبال اشغال موصل و تکریت و تهدید جدی بغداد، طی یک سری تحولات سیاسی جنجالی نهایتا حیدر العبادی به نخست وزیری رسید. از همان روزهای نخست اشغالگری داعش در سال ۲۰۱۴، جمهوری اسلامی ایران (در قالب حضور مستشاری و مستقیم) نیروی نظامی وارد عراق کرد تا از این کشور در برابر تروریسم دفاع کند. از طرف دیگر، از آگوست ۲۰۱۴ ائتلاف‌بین‌المللی به فرماندهی آمریکا وارد عراق گردید و به این ترتیب بار دیگر بغداد شاهد حضور نظامیان آمریکایی بود.

حیدر العبادی و ظهور دکترین حیاد در سیاست خارجی عراق

در دوره حیدر العبادی، برای نخستین بار گرایش بی طرفی نسبت به محورهای منطقه ای در دیپلماسی بغداد بروز یافت. اوج آن را می توان سفرهای جداگانه نخست وزیر، رئیس جمهور، رئیس پارلمان و بسیاری از رهبران سیاسی مانند مقتدی صدر به عربستان سعودی، امارات عربی متحده، قطر، ترکیه و... دانست. در آن زمان، سه جایگاه مهم وزرای خارجه و کشور و مشاور امنیت ملی در اختیار نیروهای نزدیک به ایران و مقاومت بود؛ اما همین افراد نیز از توسعه روابط خارجی با کشورهای عربی و ترکیه حمایت کرده و حتی به پیشران آن تبدیل شده بودند. همزمان در فضای سیاسی عراق اصطلاح «حیاد» در سیاست خارجی مطرح شد. نظریه حیاد در حوزه سیاست خارجی، واجد دو رکن اساسی است:

الف. بی طرفی و حتی فاصله گیری از محورهای منطقه ای؛

ب. رابطه حسنه با تمام همسایگان عراق.

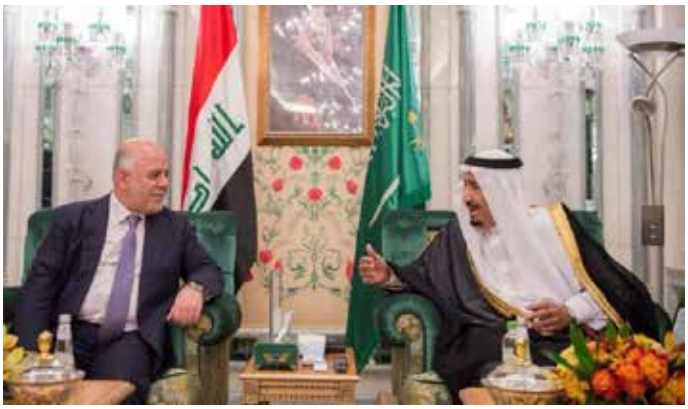

حیدر العبادی بر توسعه مناسبات بغداد با کشورهای عربی و ترکیه همت گمارد

حیاد در زبان عربی به معنای «بی طرفی» است و در واقع برگرفته از رکن نخست این نظریه می باشد که بر بی طرفی نسبت به محورهای منطقه ای تأکید دارد. بی تردید، مصداق مهم آن،

محور مقاومت می باشد؛ زیرا بغداد طی بیش از ۱۰ سال دوره پساصدام، با هیچ یک از کشورهای منطقه به جز ایران رابطه نزدیکی نداشت و به طریق اولی زمینه ای برای پیوستن به محورهای آن ها وجود ندارد. به عبارت دیگر، ترجمه عملیاتی رکن اول، «کاهش سطح روابط با ایران از یک هم پیمان منطقه ای به یک کشور دوست (نزدیک) و همسایه» است. در فضای سیاست داخلی عراق، نوری المالکی به عنوان نخست وزیر پیشین از یک طرف و بخش عمده گروه های مقاومت [1] از طرف دیگر، منتقد این رویکرد بودند یا این که منافع خود را در مخالفت با دکترین حیاد قلمداد می نمودند. به این ترتیب در جریان انتخابات ۲۰۱۸، عمده گروه های نزدیک به ایران تلاش کردند تا مانع از تمدید نخست وزیری حیدر العبادی شوند. یکی از اختلافات بنیادین آن ها با العبادی، همین مسئله «دکترین حیاد» در سیاست خارجی بود. این اختلافات، بعد از انتخابات و در جریان تلاش برای تشکیل فراکسیون بزرگ تر، به شکل جدی تری بازتولید شد و حتی افرادی مانند فالح الفیاض نیز راه خود را از حیدر العبادی جدا کرده و به طیف مقابل وی پیوستند.

نخست وزیری عادل عبدالمهدی و استمرار دکترین حیاد در سیاست خارجی عراق

بعد از کش و قوس فراوان بر سر تشکیل فراکسیون بزرگ تر، نهایتا در سال ۲۰۱۸ «عادل عبدالمهدی» به نخست وزیری رسید. عادل عبدالمهدی سابقه بیش از دو دهه روابط خارجی و دیپلماسی را در کارنامه داشت [2] و به راحتی در این زمینه به گروه های سیاسی داخلی امتیاز نمی داد. در رأس وزارت خارجه نیز «محمد علی الحکیم» را قرار داد که یک دیپلمات برجسته بین المللی با سابقه نمایندگی عراق در ژنو و سازمان ملل و مسئولیت دفتر دبیرکل سازمان ملل در لبنان را در کارنامه داشت؛ کارنامه‌ای که با کم تر دیپلماتی در عراق قابل مقایسه است. عبدالمهدی و محمد علی الحکیم در این دوره، دکترین حیاد را در سیاست خارجی خود با جدیت بیش تری دنبال کردند و همزمان در عرصه کلان بین المللی نیز به سمت موازنه در روابط با واشنگتن و پکن پیش رفتند. به این ترتیب، در دوره عبدالمهدی عملا محوریت و مرکزیت حیاد در دیپلماسی خارجی بغداد تثبیت شد. همزمان با تحولات فوق، مقاومت تلاش می کرد تا وزن خود را در حوزه سیاست داخلی تقویت کرده و به مسائل امنیتی و نظامی نیز تسری دهد تا از آن طریق بر سیاست خارجی تأثیر بگذارد.

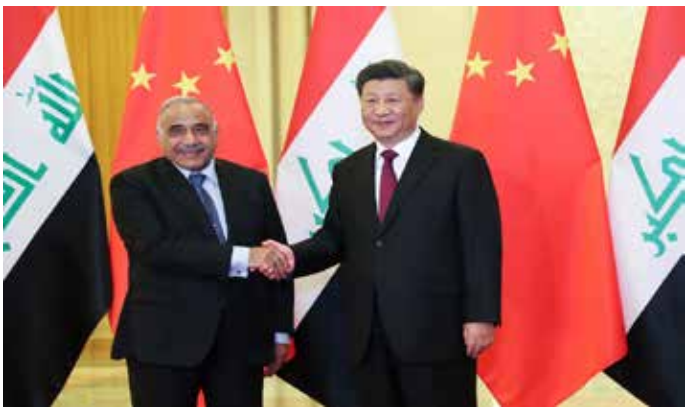

عبدالمهدی علی رغم فشارهای دولت ترامپ، درصددبرقراری موازنه در روابط بغداد با واشنگتن و پکن برآمد

در چنین وضعیتی، دو رویداد مهم بر روندهای دیپلماسی عراق تأثیر ویژه ای بر جای گذاشت:

الف. اعتراضات خیابانی موسوم به «جنبش تشرین»؛

ب. ترور ناجوانمردانه شهید قاسم سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس.

رویداد نخست، معادلات سیاست داخلی را به طور کامل دگرگون ساخت و رویداد دوم نیز باعث شد تا مقاومت در عراق، اولویت خود را اخراج آمریکا قرار دهد که ذاتا یک پرونده دیپلماتیک و در عین حال امنیتی محسوب می شد. با ورود-بخشی از-مقاومت به فاز مبارزه مسلحانه با آمریکا، عملا معادلات امنیتی و بعدها دیپلماتیک کاملا دگرگون گردید.

مصطفی الکاظمی و کاربست دکترین حیاد در سیاست خارجی عراق

برای نخستین بار از زمان سقوط صدام، هیچ یک از چهره‌های سیاسی نزدیک به ایران و مقاومت در مناصب نخست وزیری، وزارت خارجه و وزارت کشور حضور نداشتند. نزدیک ترین چهره به ایران در این زمینه، «قاسم الاعرجی» در منصب مشاور ویژه امنیت ملی بود که از اشخاص پیشران حیاد محسوب می شود. با این حال از نظر رویکردهای دولتی، دیپلماسی منطقه ای عادل عبدالمهدی و مصطفی الکاظمی تفاوت

۱ این نکته از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است که «فالح الفیاض» به عنوان مشاور امنیت ملی وقت عراق، از پیشران های دیپلماسی حیاد در بغداد بود. در این زمینه می توان سفرهای شخصی وی به عربستان سعودی، ترکیه، امارات و قطر را مثال زد. قاسم الاعرجی نیز که چهره ای از سازمان بدر محسوب می شد، از سال ۲۰۱۶ در رأس وزارت کشور قرار گرفت و با جدیت همین نظریه را دنبال کرد. حتی محمد الغبان که از طیف کلاسیک بدر محسوب‌می‌شدو در زمره پیشران های حیاد قرار نداشت، فؤاد معصوم را در سفر به عربستان سعودی در همان بدو دوران وزارت خود همراهی کرد که نوعی تابوشکنی در میان جریان های مقاومت محسوب می شد.

۲ در دوره صدام، عادل عبد المهدی علی رغم عدم عضویت رسمی در «مجلس اعلا»، عملا روابط خارجی آن را مدیریت کرد. حتی یک دهه پیش تر از آن نیز در اثنای اقامت در فرانسه، با مراکز پژوهشی و تصمیم ساز در حوزه سیاست خارجی آن کشور همکاری داشت. پس از سقوط صدام نیز به نمایندگی از «سید عبدالعزیز حکیم» مسئولیت مذاکره با ایالات متحده و کشورهای خارجی بر سر بدهی های بغداد را بر عهده گرفت. او در وزارت نفت و اقتصاد نیز با سیاست خارجی دست و پنجه نرم می کرد.

جوهری با یکدیگر نداشتند؛ حتی مصطفی الکاظمی در زمینه «اقناع» و «همراه سازی» ایران جدیت بیش تری داشت[1]. به این ترتیب، عملا نظریه «حیاد» به عنوان دال محوری دیپلماسی در بغداد تثبیت شده و به راحتی نمی توان آن را تغییر داد. پیامدهای آن نیز به مرور و به صورت تدریجی در حال بروز است. طی این دوره، عربستان سعودی گام های بلندی در این راستا برداشت که اوج آن، مطرح شدن ایده اعطای وام ۳ میلیارد دلاری و طرح گسترده کشاورزی در جنوب و غرب عراق بود. البته خبر وام ۳ میلیاردی تکذیب گردید؛ اما منابع غیررسمی از نهایی شدن آن خبر می دادند. مصر و اردن نیز یک توافق راهبردی بسیار مهم با بغداد داشتند که به موجب آن، قاهره به بغداد برق می فروشد و در ازای آن گاز یا نفت می خرد. در نتیجه یک شبکه کابلی انتقال برق و یک شبکه لوله انتقال نفت و گاز از اردن می گذرد تا مصر و عراق را به یکدیگر متصل سازد.

مصطفی الکاظمی جذب سرمایه گذاری های اقتصادی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با هدف تسریع روند بازسازی و توسعه عراق را مدنظر خویش قرار داد.

جایگاه سیاست بی طرفی و محور مقاومت در دیپلماسی عراق

بخشی از جریان مقاومت در عراق، نسبت به دکترین حیاد در دیپلماسی بغداد احساس خطر می کند؛ زیرا احتمال می‌دهد تحت فشار خارجی، بغداد آن ها را محدود سازد. بخش گسترده تری، بدون آن که تهدید را مستقیما متوجه خودش بداند، از منظر معادلات سیاسی داخلی و - بعضا - نگرش‌های ایدئولوژیک، با نظریه حیاد به شدت مخالف است. در همین راستا، مقاومت در عراق تلاش می کند تا از طریق بسط نفوذ خود در معادلات امنیتی و سیاست داخلی، عملا دیپلماسی بغداد را تحت تأثیر قرار دهد. به عنوان نمونه می توان بیانیه های برخی گروه های مقاومت مسلحانه در مورد حضور عربستان در عراق را ذکر کرد که تهدید کرده بودند با عملیات مسلحانه آن ها را متوقف خواهند ساخت. یا می توان به اظهارات رسمی قیس خزعلی در مورد نفوذ امارات در ساختار امنیتی کشور عراق استناد نمود. جامعه سیاسی عراق، هنوز تجربه رخدادهای سال ۲۰۱۲ (پیامدهای خروج نظامی آمریکا از عراق در آن سال) را فراموش نکرده است. به همین جهت گروه های حامی نظریه حیاد، به شدت نگران تکرار همان تجربه در سال ۲۰۲۲ هستند؛ به ویژه آن که انتخابات زودهنگام پارلمان نیز در راه است و در نتیجه ترکیب پارلمان و هیئت دولت به زودی تغییر خواهد کرد. کشورهای خارجی نیز دقیقا از همین منظر به معادلات سیاسی داخلی و خارجی عراق می نگرند. حامیان نظریه حیاد طی ماه های اخیر و ماه های پیش رو (تا پیش از پایان دولت مصطفی الکاظمی) تلاش می کنند تا با ایجاد پایه های ساختاری، نظریه حیاد را عملا به عنوان یک چارچوب تثبیت شده و فراتر از اراده دولت‌های دوره ای برقرار سازند. تلاش برای تعجیل در نهایی سازی پروژه «شام جدید» - که به نوعی وابستگی متقابل ایجاد می کند - در همین راستا قابل درک است؛ در واقع دولت نمی خواهد نهایی شدن کار حقوقی آن به دولت آینده واگذار شود و انتظار دارد گام های عملیاتی آن نیز تا پیش از پایان سال ۲۰۲۱ آغاز شود. کنفرانس بغداد را نیز باید از همین منظر تحلیل کرد.

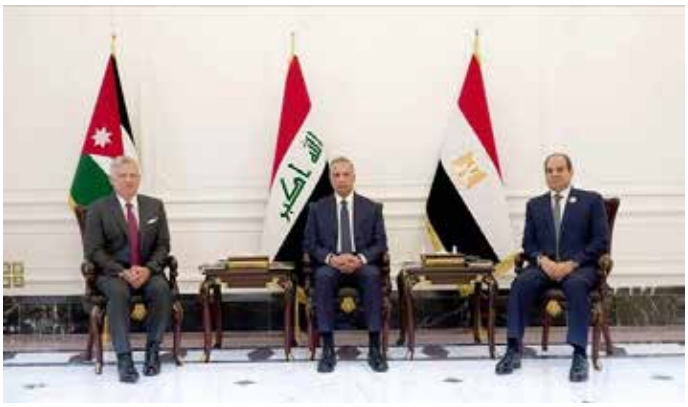

پروژه «شام جدید» نمودی عینی از اهتمام دولت الکاظمی بر سیاست حیاد در سطح منطقه ای است

همزمان پروژه «اقناع سازی» منتقدین نیز در دو سطح داخلی و خارجی دنبال می شود. در داخل، گروه های حامی حیاد تلاش می کنند تا اولا منتقدین را قانع سازند که در این زمینه تهدیدی متوجه آن ها نخواهد بود؛ ثانیا زمینه های اقدامات سلبی مقاومت را از بین ببرند. به عنوان نمونه، توافق با واشنگتن برای خروج نظامیان عملیاتی از عراق، عملا یکی از مهم ترین دستاویزهای مقاومت (شاخه ای که به مبارزه مسلحانه با آمریکا اعتقاد داشت) را از معادلات حذف کرد.

۱ در این زمینه می توان موارد زیادی را بر شمرد. الکاظمی تنها نخست وزیر سال های اخیر عراق است که حتی نفوذ امنیتی ایران در بغداد را نیز عملا قبول کرده و در این راستا با تهران رایزنی می کرد که اوج آن به سفر ابو جهاد الهاشمی به ایران برمی گردد.

دیدارهای ابوجهاد الهاشمی و قاسم الاعرجی با رهبران عصائب اهل الحق و فتح را نیز می توان در همین راستا تحلیل کرد. در سطح خارجی نیز تمرکز اصلی برنامه اقناع سازی بر روی ایران است. استدلال اصلی حامیان حیاد در رایزنی با مقامات ایرانی را می توان حول دو محور کلی تحلیل کرد: الف. حیاد، یگانه راه ممکن و پایدار برای دیپلماسی عراق است. در نتیجه برای دستیابی به منافع پایدار، باید این موضوع را به مثابه امر واقع و گریزناپذیر پذیرفت. ب. عراق اگر از محورهای منطقه ای فاصله بگیرد، واجد ظرفیت های دیپلماتیک بیش تری خواهد بود که می تواند فرصت های بیش تری در اختیار ایران قرار دهد. یکی از مسائلی که در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد، بررسی دوگانه «مقاومت/حیاد» با نگاه جامعه‌شناختی است. در عراق پروژه ملت سازی فراز و نشیب های گسترده ای داشته و طی نزدیک به یک قرن سابقه کشور عراق، عمدتا یک دولت مقتدر مرکزی با قوه قاهره، تمامیت ارضی کشور را حفظ کرده است. از این منظر، هویت های نژادی، مذهبی و قبیله ای به عنوان رقبای جدی برای هویت ملی مطرح شده و در مواردی ممکن است هویت ملی را تضعیف کنند. در چنین بستری، اگر رقابت های داخلی بر پایه مسائل هویتی تعریف شود، عملا راه برای وابستگی هر گروه به کشورهای خارجی فراهم شده و به تبع آن «استقلال» حتی در صورت تحقق نیز فاقد قوام های درونزا خواهد بود؛ مانند لبنان که به هر حال کشوری مستقل می باشد، اما مقدرات آن تا حد بسیار بالایی به خارج وابسته است. به همین جهت بازتعریف فضای سیاسی داخلی و تغییر ساختار هویت محور آن، با نظریه حیاد در سیاست خارجی تلازم جدی دارد. دومین موضوعی که باید در این زمینه مورد توجه قرار داد، نقش افکار عمومی است. آیا افکار عمومی عراق دارای گرایشات ناسیونالیستی است یا به داشتن عقبه هویتی در فراسوی مرزهای خود افتخار خواهد کرد؟ نگارنده تصور می کند علی رغم مشکلات جدی در مسیر ملت سازی، نگرش های ملی گرایانه در میان اعراب عراق (اعم از سنی و شیعه) پررنگ تر باشد. هرچند اگر در فضای سیاسی داخلی عراق، نمادهای هویتی پررنگ تر و تعیین کننده تر شود، آن نیز بر پایه همان هویت مشترک به فراسوی مرز اقبال بیش تری نشان می دهند. سومین مسئله ای که در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد، «وزن و جایگاه طبیعی» عراق است. اگر عراق دکترین حیاد را در سیاست خارجی خود دنبال کند، می تواند نقش مبتکر و فعالانه ای را در معادلات منطقه ایفا کرده یا صرفا در حد یک بازیگر درجه چندم خواهد بود؟ آیا توان میانجیگری، اتحاد/خصومت یا ... را خواهد داشت یا نهایتا به عنوان یک تسهیل گر دنباله رو سیاست های کلان خواهد شد؟ نگارنده تصور می کند سه فاکتور «جغرافیا»، «انرژی» و «امنیت پیرامونی» به صورت بالقوه می تواند عراق را به یکی از بازیگران مبتکر و مهم منطقه تبدیل کند؛ اما ارتقا به چنین سطحی نیازمند «قوام داخلی» و «رشد تدریجی در مناسبات برون مرزی» است و نمی توان در کوتاه مدت به چنین بازیگری تبدیل شد.

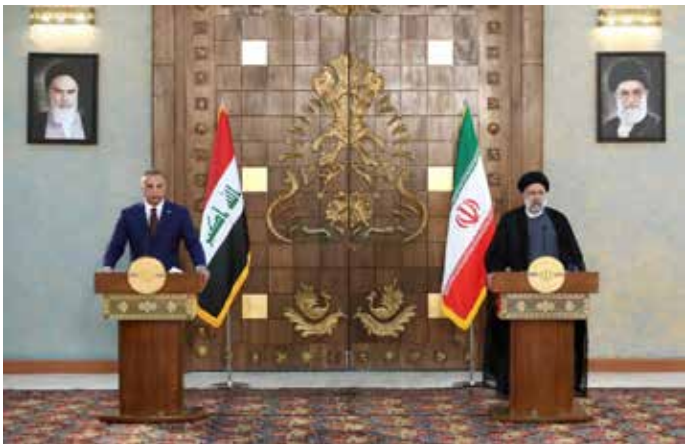

معمای مواجهه تهران با دکترین حیاد عراق؛
«متحد استراتژیک» یا «پل ارتباط معنادار ایران با کشورهای عربی»

جمع‌بندی و پیشنهاد

۱. از منظر ایران، مهم ترین پرسشی که ما با آن مواجهیم، چنین است: «کدام حالت برای ایران منافع بیش تری دارد: عراق به عنوان «متحد استراتژیک (ذیل ایران در معادلات منطقه)» یا «پل ارتباط معنادار ایران با کشورهای عربی» ؟

۲. پاسخ به سوال فوق، نیازمند مداقه در روابط ایران و کشورهای عربی است. مشخصا در مورد عربستان سعودی و مصر باید گفت نه آن ها توان نادیده گرفتن ایران را در معادلات منطقه ای دارند و نه ایران می تواند آن ها محذوف در نظر گیرد. در نتیجه طراحی بستر یا سازوکاری که بتواند زمینه را برای مدیریت اختلافات طراحی و در مواردی زمینه را برای تعامل و همکاری ایجاد کند، مطلوب است.

۳. در همین چارچوب، عراق به صورت بالقوه می تواند «پل ارتباط معنادار ایران با کشورهای عربی» باشد. واقعیت این است که پیوندهای فرهنگی و هویتی ایران با عراق (به ویژه جنوب) به قدری ریشه دار و پررنگ است که تا زمانی که دولت های عراق برآمده از آراء ملت آن باشند؛ بعید است بغداد رویکرد خصمانه علیه ایران پیش بگیرد. در نتیجه نظریه حیاد در عمل به معنای ضدیت با ایران نخواهد بود.

۴. نکته دیگری که باید توجه داشت این است که دو موضوع «رویکردهای شبه ناسیونالیستی و عرب گرایی در میان شیعیان عراق» و «حس غرور ملی ناشی از تمدن دیرپای بین النهرین» را باید مورد توجه قرار داد. این دو در بحث «نفوذ ایران در عراق» به مثابه دو قید محدود کننده عمل می کنند و در نتیجه اصرار برای همگرایی بیش از اندازه می تواند دافعه ساز باشد.

۵. مسئله سوم این است که نفوذ ایران طی ۱۵ سال اخیر عمدتا از مجرای «مقابله با تهدید مشترک» بوده که گاهی مصداق آن آمریکا (به مثابه اشغالگر) یا گروه های تروریستی سلفی (به مثابه تهدید وجودی و امنیتی) بوده اند. همین نیاز به تهدید مشترک عملا دافعه ساز بوده و وزن پایین عوامل ایجابی و ثبات ساز در این زمینه مسئله ای است که باید چاره جویی شود.

۶. و بالاخره این که نگارنده اعتقاد دارد اگر تمرکز ما بر جامعه عراق و بر پایه اشتراکات فرهنگی و پیوندهای اجتماعی (با همه اقوام و طوایف آن) باشد، عملا نظریه حیاد می تواند منافع بیش تر و پایداری را برای ایران تحصیل کند. شرط اصلی موفقیت ایران، تمرکز بر پیوندهای عمیق فرهنگی و اجتماعی در دو سوی مرز است.

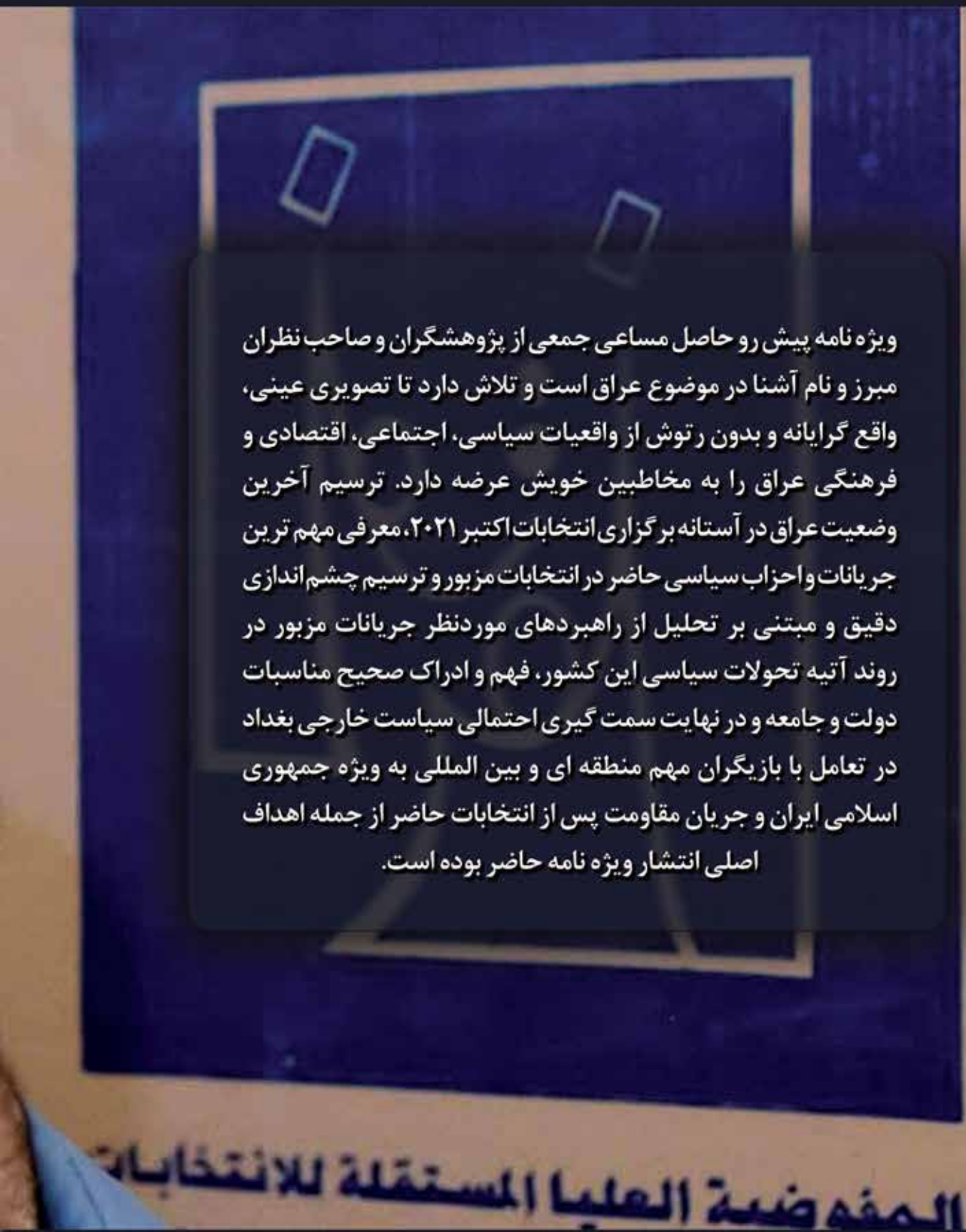

ویژه نامه پیش رو حاصل مساعی جمعی از پژوهشگران و صاحب نظران مبرز و نام آشنا در موضوع عراق است و تلاش دارد تا تصویری عینی، واقع گرایانه و بدون رتوش از واقعیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عراق را به مخاطبین خویش عرضه دارد. ترسیم آخرین وضعیت عراق در آستانه برگزاری انتخابات اکتبر ۲۰۲۱، معرفی مهم ترین جریانات واحزاب سیاسی حاضر در انتخابات مزبور و ترسیم چشم اندازی دقیق و مبتنی بر تحلیل از راهبردهای موردنظر جریانات مزبور در روند آتیه تحولات سیاسی این کشور، فهم و ادراک صحیح مناسبات دولت و جامعه و در نهایت سمت گیری احتمالی سیاست خارجی بغداد در تعامل با بازیگران مهم منطقه ای و بین المللی به ویژه جمهوری اسلامی ایران و جریان مقاومت پس از انتخابات حاضر از جمله اهداف اصلی انتشار ویژه نامه حاضر بوده است.

+۹۸ - ۲۱ - ۷۷٤٥٨٥٦٥ www.jaraian.com jaraianir@gmail.com